

۴۰۸

کمیسیون ایران

IN LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۱ تا ۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ خورشیدی

سال سی و نهم - شماره ۱۸۷۴



ایران اسرائیل همزیستی صلح



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: ads@kayhan.london

www.kayhan.london

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۷۴ (۴۰۸)

جمعه ۱ تا ۷ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

۲۱ تا ۲۷ آوریل ۲۰۲۳



مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london



وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hornuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

۴ سر مقاله - تبدیل «استان» به «گورستان»؟! نه! مرسی! /الاهه بقراط

۴-۵ ایران اسرائیل همزیستی صلح ... / حامد محمدی

۶-۷ شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس خبری تل آویو: دمکراسی ها باید درک کنند که ... /

۷ شاهزاده رضا پهلوی: به اسرائیل می روم تا پیام دوستی مردم ایران را ... /

۸ وزیر اطلاعات اسرائیل: شاهزاده پهلوی نماد رهبری متفاوت از رژیم افراطی ... /

۹ دیدار رسمی شاهزاده رضا پهلوی و بنیامین نتانیاهو در دفتر نخست وزیر ... /

۱۰ دیدار شاهزاده رضا پهلوی با بنیامین نتانیاهو ... /

۱۱ دست دادن یا ندادن، مسأله این است! ... (۱۱) ... / احمد احرار

۱۲-۱۴ آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۹) ... / دکتر هوشنگ نهاوندی

۱۴-۱۵ ادامه مسمومیت های شیمیایی دانش آموزان ... /

۱۶-۱۷ دانشگاه «مک گیل» کانادا به همکاری تحقیقاتی با دانشگاه یهودستیز ... / بنجامین وینتال

۱۷ رویترز: غربی ها تکران افزایش نفوذ چین و تحرکات هسته ای روسیه اند ... /

۱۸-۱۹ تکرار عادت به نام سیاست ... /الاهه بقراط

۲۰-۲۱ اعتبار قرار دادهای جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر ... / محمود مسائلی

۲۲-۲۳ کاهش حکم متهمان پرونده «اتوبان کرج» ... /

۲۳-۲۴ آشفته بازار اتومبیل: قیمت های نجومی بار دیگر طرح استیضاح وزیر ... /

۲۴-۲۵ اختصاصی؛ دیپلمات وزارت خارجه آمریکا به کیهان لندن: برجام در دستور کار مانیست ... /

۲۶ تکذیب و انکارهای افزایش قیمت بنزین ... /

۲۷ ناپیری ناهاپتیان نویسنده ایرانی - ارمنی: من به تغییر باور دارم ... /

۲۸-۲۹ @Ir؛ ایرانی ها نیز از «آلگوسپیک» برای فرار از سانسور و الگوریتم های ... /

۲۹ تعیین جایزه ۱۵ میلیون دلاری آمریکا برای دریافت اطلاعات ... /

۳۰-۳۲ دفن روایات زنان در تاریخ: حذف برای «حیثیت» ... / گلناز فخاری

۳۳ واکنش خانواده قربانیان «پرواز ۷۵۲» به حکم دادگاه نظامی تهران ... /

۳۴ فاکس نیوز: حملات شیمیایی به مدارس دختران بدون چراغ سبز حکومت ... /

۳۴-۳۵ دو کشته و سه زخمی در پی حمله مأموران حکومتی به مردم روستای دانیال ... /

۳۵ توصیه علی خامنه ای به فرماندهان ارتش: نبرد با دشمنان مسلح ... /

۳۶ الهه تو کلیان: من شاهد زنده جنایت های این رژیم هستم ... / احمد رفعت

۳۷ دیدار مقام پارلمانی بریتانیا با وحید بهشتی که به خاطر قرار گرفتن سپاه ... /

۳۸ نیلوفر حامدی، الهه محمدی و شروین حاجی پور در میان چهره های ... /

۳۹ رشد اقتصادی ایران کمتر از نوار غزه و جیبوتی! ... /

۴۰-۴۱ تداوم حملات شیمیایی به مدارس؛ سازمان عفو بین الملل خواستار تحقیقات ... /

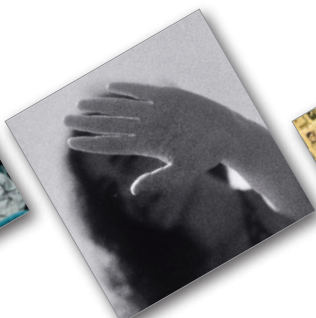
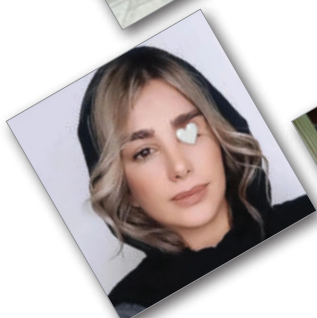
۴۱ عواملی که توافق تهران - ریاض راناکام خواهند گذاشت ... /

۴۲ پشت جلد - عکس هفته / بانو یاسمین و شاهزاده رضا پهلوی در موزه یادبود قربانیان هولوکاست

بازنشر

بازنشر

بازنشر



ایران اسرائیل همزیستی صلح

تبدیل «استان» به «گورستان»؟!
نه! مرسی!

خیلی شنیده می‌شود که برخی مسائل مربوط به امروز نیست؛ باید آنها را در فردای پس از جمهوری اسلامی مطرح کرد؛ یا اینکه خانه هنوز در دست دشمن و غاصبان است و هروقت خانه را گرفتیم به طرح اختلاف نظر درباره تزئینات و تجهیزات و رنگ در و دیوار و غیره خواهیم پرداخت. این توصیه منطقی است و البته زمانی بامعنی نیز خواهد بود که همه به آن عمل کنند و نه اینکه برخی تمام تمرکز خود را روی نجات و پس گرفتن میهن بگذارند و برخی دیگر بدون آنکه کاری در این مسیر انجام دهند، با تکیه بر منابع مالی و تبلیغاتی و حتا نظامی بیگانگان پیشاپیش برای تصاحب و تکه پاره کردن ملک مُشاع ایرانیان طرح و نقشه بریزند و با وارد شدن در روابط پیدا و پنهان و مبهم، از ظرفیت نیروهای ملی و ایرانگرا برای رهایی از جمهوری اسلامی استفاده کنند و بعد مدعی ملک «مفروز» خود شوند!

گذشته از تمامی تفاوت‌هایی که بین دوران انقلاب ارتجاعی ۵۷ و دوران کنونی وجود دارد، یک تفاوت مهم در مسیر و رهبری آن انقلاب و این انقلاب ملی و مترقی دیده می‌شود. اگر رهبری انقلاب ۵۷ بدون پایبندی به اخلاق و وجدان و حقوق و حتا عرف و آداب سیاسی و اجتماعی، همه منتقدان و مخالفان را برای تثبیت حکومت اسلامی از دم تیغ گذراند و فاشیسم مذهبی خود را با کشتار و جنگ بر خون بنا کرد، اما منادیان آزادی و دموکراسی و حقوق بشر که خود را وارث مشروطه و دستاوردهای پهلوی می‌دانند و برای پیروزی یک انقلاب ملی جهت تأمین آزادی و امنیت و رفاه همه ایرانیان تلاش می‌کنند، هرگز نمی‌توانند آن گروه‌هایی را که می‌خواهند با اهداف نژادی و قومی و مذهبی، به تخریب و تکه پاره کردن خانه بپردازند، مانند خمینی قلع و قمع کنند. این گروه‌ها و احزاب قومی که خودشان بر اساس تعلقات طایفه‌ای و نژادی سازمان یافته‌اند، از هم‌اکنون با «فاشیست» و «شبه‌فاشیست» خواندن ملی‌گرایان و شهروندان میهن‌دوست که خواهان حفظ سرزمین خود از گزند بیگانگان و وابستگی آنها هستند، کشور را به خونریزی و جنگ و تبدیل «استان» به «گورستان» تهدید می‌کنند! یعنی همان خطری که جمهوری اسلامی برای جلوگیری از تغییر و سرنگونی خود، مردم را از آن می‌ترساند!

نه! مرسی! پیشگیری بهتر از درمان است تا بعدا در و دیوار خانه‌ای که از فاشیسم مذهبی پس گرفته شده، با نژادپرستی و قوم‌گرایی بر سر بخشی از ساکنان آن خراب نشود! ایران با تجربه خونبار ارتجاع سرخ و سیاه و حکومت مذهبی و شیعه، اینبار به دام حکومت‌های مذکر فرقه‌ای و قومی و تقسیم مناصب بر اساس مناسبات بدوی و قبیله‌ای و مذهبی نخواهد افتاد! همه اینها هم با ادعای دموکراسی و سکولاریسم و هم با شعار «زن زندگی آزادی» تناقض دارد! روش پیشگیری بدون تهدید و دعواست: روشنگری و شفافیت و پاسخگویی! خوشبختانه در خارج کشور آزادی بیان فراوان است و همه باید بتوانند مانند ملی‌گرایان مدافع دموکراسی و حقوق بشر به این پرسش ساده، گذشته از آنچه در برنامه‌های آنها آمده، پاسخ روشن و بدون دودوزه‌بازی بدهند: برای ایران متحد، این خانه‌ی مشترک همه ایرانیان، چه آرزو دارید؟! و بر اساس این پاسخ، در صورت لزوم، به اصلاح و بازنویسی برنامه احزاب خود بپردازند!



● پیام یک سفر تاریخی: ایران آزاد و بدون جمهوری اسلامی مانند گذشته با پایبندی به قوانین و معاهدات بین‌المللی همچنان پشتیبان صلح و همزیستی و ثبات در خاورمیانه خواهد بود و سیاست‌ها و حملات اسرائیل نه علیه مردم ایران بلکه عین آنها علیه نظام جمهوری اسلامی است! ایران فردا بدون این رژیم به سود مردم فلسطین نیز خواهد بود!

اپوزیسیون هر رژیم سیاسی در هر کشوری پیام روشنی دارد به ویژه اگر آن کشور اسرائیل و آن شخصیت شاهزاده رضا پهلوی باشد.

تحلیلگران معتقدند گفتگوهای دوجانبه و بی‌واسطه میان وی و رهبران اسرائیل نه فقط می‌تواند فشار بر سیاست‌های دولت‌های غربی در قبال جمهوری اسلامی را تشدید کند بلکه به دلیل نقش تأثیرگذار لابی اسرائیل در کشورهای اروپایی و آمریکا می‌تواند زمینه‌ساز افزایش حمایت‌های آنها از خیزش ملی مردم در ایران باشد. قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی اتحادیه اروپا و بریتانیا از تصمیماتی است که به جنبش آزادیخواهان در ایران یاری خواهد رساند و برای عملی شدن آن به حمایت در بالاترین سطوح سیاسی نیاز است و دولت اسرائیل انگیزه کافی برای آن دارد.

این سفر در مقطعی صورت گرفت که بنیامین نتانیاهو به دلیل اعتراضات گسترده مردم در اسرائیل و همچنین فشار از سوی مقامات ارشد غربی به خاطر اجرای طرح «اصلاحات در سیستم قضایی» این کشور، مجبور شد برای آرام کردن اوضاع از تصمیم خود عقب‌نشینی کند.

آزادی بجای جنگ

ملاقات شاهزاده رضا پهلوی با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر و مقامات امنیتی اسرائیل کمی بعد از آن صورت گرفت که فرمانده نیروهای «قدس» سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اسرائیلی‌ها را تهدید کرد خانه‌هایشان را بفرشند و به اروپا فرار کنند. همچنین با افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران منابع امنیتی گزارش دادند که جمهوری اسلامی به تلاش‌های خود برای دستیابی به تسلیحات اتمی سرعت بخشیده و با پشتیبانی مالی و نظامی از شبه‌نظامیان برای اقدامات شدیدتر علیه اسرائیل برنامه‌ریزی می‌کند.

یک هفته پیش از این سفر، سردار پاسدار یدالله

کمتز از یک هفته پس از فروکش کردن حملات موشکی گروه‌های نیابتی علیه اسرائیل با پشتیبانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، و در شرایطی که عوامل وابسته به رژیم ایران در چند شهر آن کشور دست به عملیات تروریستی مرگبار علیه شهروندان عادی زده بودند، شاهزاده رضا پهلوی و بانو یاسمین به همراه شماری از ایرانیان در سفری اعلام نشده به سوی تل‌آویو پرواز کردند. این سفر نامنتظره از دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۲ آغاز شد و چهار روز به طول انجامید.

شرکت در مراسم «یادبود قربانیان هولوکاست»، حضور در اماکن مقدس یهودیان از جمله بازدید از «دیوار ندبه» و اماکن مقدس و باغ‌های بهاییان، دیدار با کارشناسان و متخصصان مسائل آب در تأسیسات فک‌زادبی «سورک» و حضور در جامعه ایرانیان مقیم اسرائیل از برنامه‌های این سفر بود تا تأکیدی مکرر بر دادخواهی قربانیان رژیم‌های جنایتکار، همزیستی صلح‌آمیز ادیان، اهمیت همکاری و استفاده از تجارب تکنولوژیک در زمینه محیط زیست و حل بحران آب به عنوان یک معضل منطقه‌ای و جهانی، پیوندهای تاریخی دوستانه میان مردم ایران و اسرائیل و اشتراکات فرهنگی دو ملت باشد.

گفتگوی دوجانبه با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر و سایر مقامات ارشد اسرائیل از جمله اسحاق هرتزوک رئیس جمهوری اسرائیل و گیلا گاملیل وزیر اطلاعات این کشور و همچنین زاچی هانگی مشاور امنیت ملی اسرائیل و همکارانش از محورهای سیاسی و امنیتی این سفر بود. هانگی در توییتی با اشاره به دیدار با شاهزاده پهلوی وی را «رهبر شجاع اپوزیسیون» خواند و گفت او با تمام توان تلاش می‌کند تا مردم ایران را از چنگال یک حکومت ظالم و خودکامه نجات دهد.

دیدار رؤسا و مقامات بلندپایه یک کشور با رهبران

قیمت ارز را کار اسرائیل و «صهیونیست‌ها» و عوامل آنها معرفی می‌کنند. البته ضرباتی که رژیم در این سال‌ها در ابعاد نظامی و امنیتی در داخل کشور و در سطح منطقه از

همسایه‌های برای همکاری

یکی دیگر از برنامه‌های این سفر تاریخی که شاهزاده رضا پهلوی بر آن تأکید ویژه داشت، بازدید از کارخانه نمک‌زدایی

جوانی معاون سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اظهاراتی تهدید کرده بود «اسرائیل باید محو شود و این باور به یقین می‌رسد... یهودیان بدانند که اسرائیل دیگر



اسرائیل دریافت کرده کم نیست.

در این میان، خط مشترک اصلاح‌طلبان و گروه‌های عمدتاً چپ‌گرا که خود را «مدافع حقوق فلسطین» معرفی می‌کنند، برخلاف شعارهای مردم مانند «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» و «فلسطین رو رها کن، فکری به حال ما کن» جز تخریب و تحریف علیه این سفر تاریخی نبوده است. آنها بدون اشاره به نقش جمهوری اسلامی و به ویژه سپاه پاسداران و رهبران حماس و جهاد اسلامی در سرنوشت غم‌انگیز فلسطینی‌ها، سفری را که پیام‌آور صلح و دوستی بین مردمان با وجود همه تفاوت‌هایشان است، پایمال شدن حقوق فلسطینی‌ها قلمداد کرده‌اند!

آنها در حالی که اسرائیل‌ستیزی و ریختن اشک تمساح برای فلسطینیان بخشی جدایی‌ناپذیر از ایدئولوژی حکومتی در ایران است بطوری که «نابودی اسرائیل» و «فتح قدس» از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی به عنوان یکی از اهداف رژیم اعلام شده. شش سال ادامه‌ی جنگ ایران و عراق که پس از دو سال می‌توانست به پایان برسد، با طمع «راه قدس از کربلا می‌گذرد» بود! پس از نوشیدن «جام زهر» توسط خمینی و پذیرش آتش‌بس بر اساس قطعنامه ۵۹۸ نیز جمهوری اسلامی بطور مخفیانه به سراغ فعال کردن برنامه اتمی رفت که یکی از اهداف آن علیه اسرائیل است و نظام و مقاماتش از بر زبان آوردن آرزوی نابودی این کشور عضو سازمان ملل نه تنها پروایی ندارند بلکه بیلپورد روزشمار «محو اسرائیل» را در پایتخت نصب کرده‌اند!

بر اساس چنین واقعیتی است که هم سیاست دولت‌های مختلف اسرائیل در دفاع از موجودیت ملت و مملکت خود در برابر رژیم اسلامی و نیابتی‌های آن قابل درک می‌شود و هم اهمیت پیام سفر شاهزاده رضا پهلوی به این کشور بیشتر روشن می‌شود: ایران آزاد و بدون جمهوری اسلامی مانند گذشته با پایبندی به قوانین و معاهدات بین‌المللی همچنان پشتیبان صلح و همزیستی و ثبات در خاورمیانه خواهد بود و سیاست‌ها و حملات اسرائیل نه علیه مردم ایران بلکه عین آنها علیه نظام جمهوری اسلامی است! ایران فردا بدون این رژیم به سود مردم فلسطین نیز خواهد بود!

حامد محمدی

«سورک» در جنوب تل‌آویو و گفتگو با متخصصان اسرائیلی در زمینه مقابله با بحران بی‌آبی بود.

او تأکید کرد در سایه سوء مدیریت و ضعف حکمرانی، ایران با بحران جدی اکوسیستم روبروست؛ دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها به بیابان تبدیل شده‌اند، در حالی که در اسرائیل دولت و صنایع، کویر را به آب تبدیل می‌کنند. وی هشدار داد که یکی «از بحران‌های اساسی در ایران بی‌آبی است که سرمنشاء بی‌ثباتی در منطقه و همچنین مهاجرت است که می‌تواند به یک معضل واقعی برای منطقه و حتا جهان تبدیل شود.»

گفتنی است که کارخانه آب‌شیرین‌کن «سورک» در اسرائیل روزانه ۷۰۰ هزار مترمکعب آب تولید می‌کند. با فناوری اسرائیلی‌ها تسویه هر مترمکعب آب شور دریا هزار لیتر خروجی آب شیرین دارد که هزینه‌ی آن زیر ۲ دلار است.

واکنش‌هایی با ریشه‌های مشترک!

موضع تهران به سفر رسمی شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل و دیدار و گفتگو با مقامات ارشد این کشور، تا لحظه‌ای که این گزارش تنظیم می‌شود، سخنان عصبی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی بود که در پاسخ به پرسشی درباره این سفر، گفت: «نه خودش، نه اصل سفرش، و نه جایی که می‌خواهد به آنجا سفر کند، ارزشی ندارد که من از این تریبون درباره آن اعلام موضع‌گیری کنم!»

سیدابراهیم رئیسی نیز در مراسم «روز ارتش» در تهران بدون اشاره به این سفر به تکرار تهدیدات همیشگی پرداخت و گفت «کوچک‌ترین اقدامی علیه جمهوری اسلامی توسط دشمنان به ویژه رژیم صهیونیستی پاسخ سختی از جانب نیروهای مسلح دربر خواهد داشت و با نابودی حیفا و تل‌آویو همراه خواهد بود!»

اینهمه در حالیست که حکومت تمام شکست‌های جمهوری اسلامی در زمینه سیاسی و اقتصادی و حتا فرهنگی را از جمله متوجه اسرائیل می‌داند. مقامات رژیم از تشدید نظارت‌ها بر برنامه اتمی و سختگیری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شکست مذاکرات برای «احیای برجام» و تداوم و گسترش تحریم‌ها تا خیزش ملی و ضدحکومتی مردم و نافرمانی مدنی زنان علیه حجاب اجباری و افزایش

محلی برای زندگی نیست، آنها چمدان‌ها را ببندند و به کشورهایشان برگردند.»

در چنین وضعیتی حتا برخی تحلیلگران مطرح کردند یکی از گزینه‌های اصلی نتانیاهو برای تقویت موقعیت سیاسی خود در اسرائیل حمله نظامی به تأسیسات اتمی ایران است. این در حالیست که شاهزاده پهلوی در پاسخ به یک خبرنگار درباره استقبال از حمله نظامی اسرائیل به ایران مانند همیشه با صراحت گفت «قطعاً نه! این همواره خط قرمز من بوده و هر نوع مداخله نظامی برای من به عنوان یک ملی‌گرا مردود است و فکر می‌کنم بسیاری از ایرانیان با من در این زمینه هم‌نظر هستند.»

برخی تحلیلگران معتقدند گفتگوهای این شخصیت برجسته اپوزیسیون ملی و دموکراسی‌خواه ایران با مقامات اسرائیلی می‌تواند سایه جنگ را از سر ایران دور کند. به ویژه آنکه در داخل ایران سود جریان‌های افراطی و با ایدئولوژی آخرزمانی در وقوع یک درگیری نظامی است که تاوان آن را ملت و مملکت باید پس بدهند. این جریان طیفی از باندهای مافیایی خطرناک در نیروهای مسلح تا شماری از مراجع تقلید در حوزه‌ها و استادان سیاسی-عقیدتی دانشگاه‌ها و نمایندگان مجلس شورای اسلامی تا نگاه‌های اقتصادی و دلال‌های منطقه‌ای را در بر می‌گیرد.

یکی از مواردی که شاهزاده در این سفر دوباره بر آن تأکید کرد، مخالفت با «احیای توافق» اتمی با جمهوری اسلامی است. وی استدلال کرد «برجام ظرفیت مهار تهدیدات جمهوری اسلامی را ندارد» و به همین دلیل احتمال جنگ و حمله نظامی را تقویت می‌کند. موضعی که با نظر بخشی از مقامات ارشد اسرائیل نزدیک است. وی به عنوان راهکار و سیاست جایگزین تأکید می‌کند که «راه پایان دادن به تخاصم در منطقه، حمایت از خیزش ضدحکومتی مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.»

اینهمه در حالیست که جریان‌های حکومتی به ویژه اصلاح‌طلبان از یکسو و جریان‌های سیاسی مخالف پهلوی‌ها از سوی دیگر که عمدتاً در خارج کشور بازتاب دارد، در دروغ و تحریفی مشترک چنین تبلیغ می‌کنند که رضا پهلوی به اسرائیل رفته تا برای اقدام نظامی علیه ایران زمینه‌سازی کند!

شاهزاده رضا پهلوی در کنفرانس خبری تل آویو: دموکراسی‌ها باید درک کنند که برای آینده بهتر باید روی مردم ایران سرمایه‌گذاری کنند



شاهزاده رضا پهلوی، بانو یاسمین، گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل در همراهی با برخی کارشناسان اسرائیلی و ایرانی در بازدید از کارخانه نمک‌زدایی سورک / ۱۹ آوریل ۲۰۲۳

در اسرائیل دولت و صنایع، کویر را به آب تبدیل می‌کنند.» وی همچنین گفت: «امروز من از کارخانه نمک‌زدایی سورک بازدید کردم تا از نزدیک از فناوری چشمگیر آب در اسرائیل دیدن کنم. پس از صحبت با دانشمندان، کارشناسان آب و مبتکران زیرساخت اینجا، من مطمئن هستم که یک ایران آزاد و دموکراتیک می‌تواند با اسرائیل مشارکت کند تا آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از جمهوری اسلامی را جبران کرده و اکوسیستم آبی ایران را نوسازی و بازسازی کند.» شاهزاده رضا پهلوی در پاسخ به این پرسش که «اسرائیل چه کمکی می‌تواند به مردم ایران بکند؟» گفت: «ما شاهد جنبش‌های زیادی در دنیا برای از بین بردن رژیم‌های دیکتاتور بوده‌ایم. مثلاً جنبش ضد آپارتاید ماندلا در آفریقای جنوبی یا لیخ والسا در لهستان. سناریو در ایران هم به نوعی می‌تواند شبیه همین‌ها باشد البته که تفاوت‌هایی هم دارد. کارزارهای موفق بر اساس نافرمانی‌های مدنی شکل گرفت که به عنوان راهی برای تغییر بدون دخالت خارجی بودند اما مؤلفه کلیدی این بود که این جنبش‌ها بدون حمایت‌های بین‌المللی موفق نمی‌شدند. در واقع جنبش‌ها به موازات فشارهای حداکثری و تحریم‌ها حمایت‌های دیگری هم می‌خواهند. مهمترین جنبه این است که رژیم باید مشروعیت خودش را از دست بدهد و هرچه بیشتر شکاف درون نظام بیشتر شود. اکنون در شرایطی قرار داریم که حتا اصلاح‌طلبان دیگر اعتقاد ندارند که این سیستم قابل اصلاح است. آنها با کسانی که خواهان استقرار حکومت سکولاردموکرات در ایران هستند همسو شده‌اند.»

وی ادامه داد: «برای اینکه به مرحله نهایی برسیم و این کارزار را به سرانجام برسانیم برای فلج کردن رژیم باید اعتصابات را سازماندهی کرد. این مکانیسمی است که رژیم را تحت فشار می‌گذارد.»

شاهزاده پهلوی در بخش دیگری از این کنفرانس گفت: «ما خواهان تاسیس یک مجلس مؤسسان و برگزاری رفراندوم هستیم.» وی بار دیگر تأکید کرد: «من به دنبال کسب قدرت نیستم. می‌خواهم دولت موقت تشکیل شود و اوضاع

کشته شد، این ترورها وجود داشت. افرادی مثل تیمسار اویسی، فریدون فرخزاد، یا قاسملو و خیلی‌های دیگر از بین رفتند. اما اینها مسائلی نیست که هیچوقت مانع ادامه کار من شود و اولویت نداشته است.»

این خبرنگار در ادامه از شاهزاده پرسید «آیا برای آمدن به اینجا تهدید شدید؟» وی پاسخ منفی داد و در ادامه‌ی سخنان پیشین خود افزود: «اگر تهدید هم می‌شدم باز هم به اینجا می‌آمدم... اما در ادامه پاسخ پرسش دوم شما، مردم ایران بسیار بسیار خوشحال‌اند به خاطر اینکه بالاخره یک نفر صدای آنها شده تا بگوید آنها برخلاف نظام جمهوری اسلامی آمادگی همکاری و روابط سازنده برای بهبودی وضع‌شان هستند... همه منتظر این فرصت هستند. این واقعیت را می‌توان در سوشیال مدیا هم تشخیص داد.»

شاهزاده در بخشی از صحبت‌های خود به پیامدهای منفی چهار دهه حکومت ملایان در ایران پرداخت و گفت: «اگر این انقلاب اتفاق نیفتاده بود امروز ایران در جایگاه ژاپن یا حداقل کره جنوبی می‌بود. آیا این به نفع اسرائیل نیست که ایران تبدیل به کره جنوبی شود؟ با رفتن این حکومت، منابع مالی بجای درگیری با کشورهای دیگر همکاری خواهد شد.»

بحران اکوسیستم در ایران

وی با اشاره به «وجود بحران جدی اکوسیستم در ایران در نتیجه سوء مدیریت» گفت: «از برنامه‌های اصلی من در این سفر ملاقات با متخصصان و دانشمندان اسرائیلی فعال در حوزه آب است. به این خاطر که از بحران‌های اساسی در ایران بی‌آبی است که سرمنشاء بی‌ثباتی در منطقه و همچنین مهاجرت است. این یک معضل واقعی برای منطقه و حتا جهان است. به ویژه اروپایی‌ها به خاطر همین مسائل با موج مهاجرت روبرو هستند.»

شاهزاده رضا پهلوی در همین ارتباط با انتشار تصویری از بازدیدش به همراه بانو یاسمین از یک کارخانه آب شیرین‌کن در توییتی نوشت «در ایران جمهوری اسلامی دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها را به بیابان تبدیل می‌کند، در حالی که

● در این کنفرانس که وزیر اطلاعات اسرائیل نیز حضور داشت خبرنگارانی از شبکه‌های «آی ۲۴»، «کانال ۱۱» تلویزیون اسرائیل، «ایران اینترنشنال» و وبسایت «وای.نت» پرسش‌های خود را مطرح کردند.

● شاهزاده رضا پهلوی گفت: «در ایران به دلیل سوء مدیریت بحران جدی اکوسیستم از جمله کمبود آب وجود دارد... از برنامه‌های اصلی من در این سفر ملاقات با متخصصان و دانشمندان اسرائیلی فعال در حوزه آب است. به این خاطر که از بحران‌های اساسی در ایران بی‌آبی است که سرمنشاء بی‌ثباتی در منطقه و حتا مهاجرت است. این یک معضل واقعی برای منطقه و حتا جهان است.»

● «فکر می‌کنم مردم اسرائیل کاملاً می‌دانند موفقیت، خوشبختی و ترقی مردم ایران به نفع‌شان است و نه به ضررشان. در آینده رابطه حسنه با کشورهای رو پیشرفت و ترقی هرچه مستحکم‌تر باشد منفعت دو طرفه خواهد بود.»

● «اگر این انقلاب اتفاق نیفتاده بود امروز ایران در جایگاه ژاپن یا حداقل کره جنوبی می‌بود. آیا این به نفع اسرائیل نیست که ایران تبدیل به کره جنوبی شود؟ با رفتن این حکومت، منابع مالی بجای درگیری با کشورهای دیگر صرف همکاری خواهد شد.»

● «برجام راهی برای از بین رفتن تهدیدات جمهوری اسلامی نیست. باید اجازه دهیم که مردم خود را از این رژیم آزاد کنند. با رفتن این رژیم همه تخصص‌ها از بین خواهد رفت. دنیا باید بر این موضوع تمرکز کند.»

● «انتظار من از کشورهایی که دولت آزاد و دموکراتیک دارند این است که درک کنند چرا اکنون باید برای آینده بهتر روی مردم ایران سرمایه‌گذاری کنند. چون این مردم همان خواسته‌ها و باورهایی را برای رسیدن به دموکراسی و حقوق بشر دارند که کشورهای آزاد از آن بهره‌مند هستند.»

● شاهزاده رضا پهلوی همچنین با انتشار تصویری از بازدیدش به همراه بانو یاسمین از یک کارخانه آب شیرین‌کن در توییتی نوشت «در ایران جمهوری اسلامی دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌ها را به بیابان تبدیل می‌کند، در حالی که در اسرائیل دولت و صنایع کویر را به آب تبدیل می‌کنند.»

شاهزاده رضا پهلوی روز چهارشنبه ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) در دومین روز از سفر به اسرائیل در یک کنفرانس خبری با حضور وزیر اطلاعات اسرائیل که در تل آویو برگزار شد شرکت کرد و به پرسش خبرنگاران پاسخ داد.

در این کنفرانس خبرنگارانی از شبکه‌های «آی ۲۴»، «کانال ۱۱» تلویزیون اسرائیل، «ایران اینترنشنال» و وبسایت «وای.نت» حضور داشتند.

خبرنگار «کانال ۱۱» تلویزیون اسرائیل از شاهزاده پهلوی پرسید «با توجه به اینکه اسرائیل تحت تهدیدات امنیتی قرار دارد آیا شما نگران نبودید که اینجا می‌آید؟ به نظر شما چند درصد مردم ایران خواستار بهبود روابط با اسرائیل هستند؟» وی پاسخ داد: «من هیچوقت از هیچ تهدیدی نگران نیستم و می‌دانم با وجود این شرایط، امنیت در اسرائیل برقرار است. اما من چهل سال با تهدید زندگی کرده‌ام و این تهدیدات مانع خدمت به آزادی کشورم نبوده. ما می‌دانیم با چه نظامی سر و کار داریم؛ نظامی که خیلی‌ها را از بین برده و ترور کرده. از زمانی که پسر عمه خود من در پاریس [شهریار شفیق] به عنوان اولین نفر توسط جمهوری اسلامی

شاهزاده رضا پهلوی: به اسرائیل می‌روم تا پیام دوستی مردم ایران را رسانده و نقشم را در همزیستی دو ملت ایفا کنم

FOR IMMEDIATE RELEASE
April 16, 2023

Iran's Crown Prince Reza Pahlavi Visits Israel

Pahlavi, the most prominent Iranian to visit Israel in history, seeks to renew ancient ties between Iran and Israel, honor Holocaust victims, and learn about Israel's innovative water tech

Reza Pahlavi, the exiled Crown Prince and advocate for secular democracy in Iran, will travel to Israel to carry a message of peace and friendship from the Iranian people in the spirit of Cyrus the Great and to explore mutually-beneficial economic, cultural, and environmental opportunities, starting with the possibility of utilizing Israel's water technology expertise to reverse Iran's water crisis caused by decades of the Islamic Republic's corruption and mismanagement. He plans to be in Israel on Yom HaShoah and to pay respects to the victims of the Holocaust at the official Holocaust Remembrance Day ceremony at Yad Vashem.

During his trip, Pahlavi will meet with senior government officials, water and agricultural experts, and members of the Iranian diaspora. Minister Gila Gamliel will represent the government in hosting the Crown Prince, who will also visit the Western Wall in Jerusalem and the Baha'i Holy Places and Gardens in Haifa in solidarity with the Baha'i community. Finally, Pahlavi will deliver remarks outlining his vision for an Iranian democracy that celebrates freedoms of speech and religion, safeguards human rights, protects its natural resources, and invests its treasure in the Iranian people

نیست. پیوند دیرین میان دو ملت ایران و اسرائیل می‌تواند دوباره برقرار شود و به هر دو ملت سود برساند. به اسرائیل می‌روم تا نقشم برای ساختن آن آینده روشن‌تر را ایفا کنم.» همچنین در اطلاعیه مطبوعاتی که امروز یکشنبه ۲۷ فروردین درباره سفر شاهزاده رضا پهلوی همراه با توییت ایشان منتشر شده آمده است که ولیعهد ایران برجسته‌ترین شخصیت ایرانی برای احیای پیوند قدیمی بین ایران و اسرائیل و ادای احترام به قربانیان هولوکاست و همچنین گفتگو درباره تکنولوژی‌های نوین حوزه آب به اسرائیل سفر می‌کند.

رضا پهلوی ولیعهد تبعیدی ایران که از دموکراسی سکولار در ایران دفاع می‌کند با الهام از کوروش بزرگ با پیام صلح و دوستی از سوی مردم ایران به اسرائیل سفر می‌کند. وی در این سفر با مقامات ارشد این کشور و کارشناسان آب و کشاورزی و همچنین جامعه ایرانیان مهاجر در این کشور دیدار و گفتگو خواهد داشت. گیلا گاملیل وزیر پیشین امور اجتماعی و محیط زیست و وزیر کنونی اطلاعات از سوی دولت اسرائیل میزبان ولیعهد خواهد بود. شاهزاده رضا پهلوی همچنین از دیوار ندبه در اورشلیم و «باغ‌های مقدس» بهاییان در حیفا به نشانه همبستگی با جامعه بهاییان بازدید خواهد کرد.

در این اطلاعیه با اشاره به نقطه نظرات شاهزاده رضا پهلوی درباره ایران آینده که می‌بایست بر اساس اصول دموکراسی و حقوق بشر بنا شود آمده است که این دیدار ولیعهد در شرایطی است که رژیم در تهران همچنان برای گسترش زرادخانه هسته‌ای خود با هدف نابودی اسرائیل تلاش کرده و با پهنادهای مرگبار خود از روسیه حمایت می‌کند و پس از قتل مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد»، دگردیشان را بازداشت کرده و به سرکوب و وحشیانه‌ی اعتراضات مردم در سراسر کشور می‌پردازد. در این مدت شاهزاده رضا پهلوی صدای پیشرو اپوزیسیون متحد ایران بوده که بطور فزاینده از آرمان‌های مردم پشتیبانی کرده و چشم‌اندازی از یک ایران دموکراتیک در صلح و همزیستی با همسایگان خود ارائه می‌کند.

● «می‌خواهم مردم اسرائیل بدانند که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست. پیوند دیرین میان دو ملت ایران و اسرائیل می‌تواند دوباره برقرار شود و به هر دو ملت سود برساند. به اسرائیل می‌روم تا نقشم برای ساختن آن آینده روشن‌تر را ایفا کنم.»

● در اطلاعیه‌ای که در ارتباط با این سفر منتشر شده آمده است که شاهزاده رضا پهلوی در اسرائیل با مقامات ارشد و کارشناسان آب و کشاورزی و همچنین جامعه ایرانیان مهاجر در این کشور دیدار و گفتگو خواهد داشت. گیلا گاملیل وزیر پیشین امور اجتماعی و محیط زیست و وزیر کنونی اطلاعات از سوی دولت اسرائیل میزبان ولیعهد خواهد بود. شاهزاده رضا پهلوی همچنین از «دیوار ندبه» در اورشلیم و باغ‌های مقدس بهاییان در حیفا به نشانه همبستگی با جامعه بهاییان بازدید خواهد کرد.

شاهزاده رضا پهلوی با اعلام سفر نزدیک خود به کشور اسرائیل به مناسبت شرکت در مراسم یادبود قربانیان هولوکاست در یک پیام توییتی به زبان انگلیسی نوشت به اسرائیل سفر می‌کند تا پیام دوستی مردم ایران را به آن کشور برساند.

وی با تأکید بر گفتگو درباره بحران آب با کارشناسان اسرائیلی افزوده که با متخصصان آب درباره چگونگی مواجهه با بحران آب ایران ناشی از سوء استفاده رژیم جمهوری اسلامی گفتگو خواهد کرد.

شاهزاده رضا پهلوی تأکید کرده است که مردم اسرائیل می‌بایست بدانند که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست و پیوند بین دو ملت می‌تواند احیا شود.

متن کامل پیام شاهزاده به شرح زیر است:
«در راه اسرائیل هستم. هدف من از این سفر، ابلاغ پیام دوستی ملت ایران، گفتگو با متخصصان آب اسرائیلی درباره چگونگی مواجهه با بحران منابع آب ایران ناشی از سوء استفاده رژیم جمهوری اسلامی، و ادای احترام به قربانیان هولوکاست همزمان با روز یادبودشان است. می‌خواهم مردم اسرائیل بدانند که جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران

را کنترل کند و اینجاست که مأموریت من تمام خواهد شد. فکر می‌کنم در این مسیر مردم به من اعتماد کرده‌اند. من فقط به دنبال کمک به ایجاد دموکراسی در کشور هستم.» در ادامه شاهزاده رضا پهلوی به نقش زنان در خیزش ملی ایران اشاره کرد و گفت: «اولین دشمن زنان ایران، رژیم جمهوری اسلامی است و از ابتدا آنان را تبدیل به شهروند درجه دو کرده است.»

وی همچنین هرگونه مذاکره و توافق با جمهوری اسلامی را به ضرر مردم ایران و منطقه دانست و گفت: «برجام راهی برای از بین رفتن تهدیدات جمهوری اسلامی نیست. باید اجازه دهیم که مردم خود را از این رژیم آزاد کنند. با رفتن این رژیم همه تخصص‌ها از بین خواهد رفت. دنیا باید بر این موضوع تمرکز کند.»

روابط حسنه میان اسرائیل و ایران به نفع مردم است

در ادامه این کنفرانس خبری خبرنگار تلویزیون «ایران اینترنشنال» پرسید: «شما در ماه‌های گذشته از کشورهای زیادی دیدار کردید اما الان که به اسرائیل آمدید هم از نظر جغرافیا نزدیکترین کشور به ایران که شما به آنجا سفر کردید و هم از لحاظ فرهنگی. احساساتان درباره این موضوع چیست؟» وی پاسخ داد: «حُب طبیعی است شما وقتی در هر منطقه‌ای که قرار بگیرید حالت‌هایی به انسان دست می‌دهد؛ اینکه در اروپا و آمریکا و کانادا باشید یا اینکه خیلی نزدیک به ایران واقعا یک حالت دیگر است. جالب است که این سؤال را می‌پرسید. در یکی از پست‌های اینستاگرام یا توییت دیدم کاربری عکسی گذاشته که شاهزاده در تل‌آویو است و نسبت به ایران از همیشه نزدیکتر است. واقعا این احساس در خود من هم هست... خوشحالم این فرصت پیش آمد که به این کشور سفر کنم. واقعا فکر می‌کنم مردم اسرائیل کاملاً می‌دانند موفقیت، خوشبختی و ترقی مردم ایران به نفع‌شان هست و نه به ضررشان. چون در آینده رابطه حسنه با کشورهای رو پیشرفت و ترقی هرچه مستحکم‌تر باشد منفعت دو طرفه خواهد بود.»

کشورهای آزاد روی مردم ایران سرمایه‌گذاری کنند

وی در پاسخ به پرسشی در مورد اینکه «انتظار شما از دولت اسرائیل و سایر دولت‌های جهان چیست؟ و چطور می‌شود با کمترین تلفات از این حکومت عبور کرد؟» گفت: «انتظار من از کشورهایی که دولت آزاد و دموکراتیک دارند این است که درک کنند چرا اکنون باید برای آینده بهتر روی مردم ایران سرمایه‌گذاری کنند. چون این مردم همان خواسته‌ها و باورهایی را برای رسیدن به دموکراسی و حقوق بشر دارند که کشورهای آزاد از آن بهره‌مند هستند.»

وی ادامه داد: «بنابراین بهترین کمک ممکن به مردم ایران و برای منافع خودشان این است که همین ارزش‌ها در ایران هم به وجود بیاید. به خصوص برای اسرائیل می‌تواند مهم باشد. طبیعاً کسانی که می‌توانند در این تصمیم اثرگذار باشند در درجه اول همانا شهروندان اسرائیلی هستند. در همه کشورها نهایتاً افکار عمومی است که در اتخاذ سیاست خارجی و داخلی دولت‌ها اثرگذار است.»

وی سپس افزود: «می‌بینیم ایرانیان مقیم اسرائیل یا شهروندان اسرائیلی چقدر از اهمیت این مسئله برای آینده کشوری که آنجا ریشه دارند آگاه هستند و نه فقط از جانب کلیه‌ها بلکه از جانب همه مردم ایران می‌توانید بسیار تأثیرگذار باشید. من می‌دانم که سیاستمداران این کشور از خواست مردم ایران آگاهند. اما باید حداکثر فشار وارد شود تا اتخاذ این تصمیم توسط سیاستمداران آسان‌تر شود.»

شاهزاده رضا پهلوی پس از این دیدار به همراه بانو یاسمین پهلوی در دفتر بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل با وی ملاقات رسمی داشت.

وزیر اطلاعات اسرائیل:

شاهزاده پهلوی نماد رهبری متفاوت از رژیم افراطی آیت‌الله است



شاهزاده رضا پهلوی

در روز قدس پیام خود را فرستاده‌اند، شازده حامل پیام چه کسانی است؟»

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشت «فرزند شاه معدوم در حالی به فلسطین اشغالی سفر می‌کند که کابینه بنیامین نتانیاهو به باور بسیاری از ناظران در اوج تزلزل است و در اداره امور خود درمانده شده است.»

خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی نیز در واکنش به سفر شاهزاده پهلوی به اورشلیم می‌نویسد: «این اقدام این واقعیت را برای افکار عمومی داخلی نمایان خواهد کرد که مواضع شفافیت‌بخش رسانه‌های جمهوری اسلامی در تبیین تحرکات پشت پرده صهیونیستی-آمریکایی فتنه‌های داخلی علیه کشور، صحت دارد و جنگ روانی نیست.»

رابطه با اسرائیل یکی از خط قرمزهای مهم ایدئولوژیک و استراتژیک نظام جمهوری اسلامی است که بیش از چهار دهه است نه تنها شعار نابودی این کشور عضو سازمان ملل را می‌دهد بلکه برای آن تلاش نیز می‌کند. مقامات جمهوری اسلامی حتی از اینکه ابراز کنند برنامه اتمی رژیم در ارتباط با محو این کشور است پروایی نداشته‌اند. پیش از آنکه برنامه هسته‌ای مخفی جمهوری اسلامی لو برود و جهان خود را به خود مشغول کند، علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفته بود که یک مپ اتمی کافیست تا اسرائیل را از جهان محو کند! سال‌هاست که در تهران بیلبوردی نصب است که تاریخ و ساعت نابودی این کشور را شمارش می‌کند! بنیانگذاری و تقویت مالی و تسلیحاتی انواع گروه‌های اسلامگرا و تروریستی در منطقه بلافاصله پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، از جمله با هدف نابودی اسرائیل صورت گرفته است.

حالا سفر شاهزاده رضا پهلوی به عنوان شخصیت برجسته‌ی اپوزیسیون دمکراسی‌خواه ایران پیام روشنی به اسرائیل و کشورهای منطقه و غرب می‌فرستد: ایران آینده‌مانند پیش از انقلاب ۵۷ و دوران جمهوری اسلامی، عامل ثبات و صلح و همزیستی در منطقه خواهد بود.

روزنامه «اورشلیم پست» با اشاره به اینکه گیلا گاملیل میزبان شاهزاده پهلوی خواهد بود به نقل از وی نوشت «ما اولین گام را برای بازسازی روابط بین کشورها برمی‌داریم.» در گزارش این روزنامه به سابقه روابط اسرائیل و ایران در دوران پهلوی اشاره شده و آمده اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیا دو قدرت بزرگ متفقین در جنگ جهانی دوم، معتقد بودند که رضا شاه بنیانگذار سلسله پهلوی به نازی‌ها گرایش دارد و او را مجبور به کناره‌گیری از سلطنت در سال ۱۹۴۱ کردند اما پسرش محمدرضا شاه متحد دائمی اسرائیل بود. وی در واکنش به جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ مشهور به جنگ «یوم کیپور» از پیوستن به تحریم اعراب علیه این کشور خودداری کرد و گفت به اسرائیل نفت خواهد فروخت. رضا پهلوی نیز با صراحت «پیمان ابراهیم» و عادی‌سازی روابط بین کشورهای عربی و اسرائیل را تأیید کرده است.

در سال ۲۰۲۱ رضا پهلوی مخالف پیوستن مجدد دولت بایدن به «برجام» بود. وی افزایش میزان غنی‌سازی اورانیوم توسط جمهوری اسلامی را «باج‌خواهی» از آمریکا و جهان آزاد برای احیای توافق اتمی می‌داند و معتقد است تنها راهکار هوشمندانه برای برطرف شدن نگرانی‌های آمریکا در مورد تهدیدات جمهوری اسلامی، حمایت از مردم ایران و مردم منطقه در مبارزه برای دستیابی به آزادی و دموکراسی است. رسانه‌های بین‌المللی از جمله رویترز، آسوشیتدپرس و واشنگتن‌پست نوشته‌اند این سفر یادآور روابط گرم محمدرضا شاه پهلوی با اسرائیل در مقایسه با خصوصیت کنونی جمهوری اسلامی با این کشور است.

این سفر واکنش‌های اولیه‌ای نیز در میان رسانه‌های حکومتی و فعالان سیاسی حامی حکومت و اصلاح‌طلبان داشت. آنها موضعی نزدیک بهم دارند.

عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد دولت «اصلاحات» ساکن لندن در واکنش به سفر شاهزاده پهلوی به اسرائیل نوشته «انتخاب زمان سفر بعد از حضور فراگیر ملت ایران و ملت‌های مسلمان منطقه در روز قدس است. ملت ایران

سفر شاهزاده رضا پهلوی به عنوان شخصیت برجسته‌ی اپوزیسیون دمکراسی‌خواه ایران به کشوری که یکی از خط قرمزهای مهم ایدئولوژیک و استراتژیک جمهوری اسلامی به شمار می‌رود، پیام روشنی به اسرائیل و کشورهای منطقه و غرب می‌فرستد: ایران آینده‌مانند پیش از انقلاب ۵۷، عامل ثبات و صلح و همزیستی در منطقه خواهد بود. شبکه «آی۲۴» اسرائیل گزارش داد که قرار است شاهزاده پهلوی از تکنولوژی پیشرفته یک کارخانه آب شیرین‌کن بازدید کند. از برنامه‌های وی گفتگو با کارشناسان و متخصصان آب برای چگونگی مواجهه با بحران آب در ایران و زیرساخت‌های آن است که رو به نابودی رفته‌اند. گیلا گاملیل در بیانیه‌ای سفر رضا پهلوی به اسرائیل را یک «تصمیم شجاعانه» خواند و گفت که «شاهزاده نماد رهبری متفاوت از رژیم آیت‌الله است و برخلاف افراطی‌های حاکم بر ایران، ارزش‌های صلح و مدارا را رهبری می‌کند.»

خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران نوشت «فرزند شاه معدوم در حالی به فلسطین اشغالی سفر می‌کند که کابینه بنیامین نتانیاهو به باور بسیاری از ناظران در اوج تزلزل است و در اداره امور خود درمانده شده است.»

رسانه‌های بین‌المللی از جمله رویترز، آسوشیتدپرس و واشنگتن‌پست نوشته‌اند این سفر یادآور روابط گرم محمدرضا شاه پهلوی با اسرائیل در مقایسه با خصوصیت کنونی جمهوری اسلامی با است.

خبرگزاری «مهر» وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی در واکنش به سفر شاهزاده پهلوی به اورشلیم می‌نویسد: «این اقدام این واقعیت را برای افکار عمومی داخلی نمایان خواهد کرد که مواضع شفافیت‌بخش رسانه‌های جمهوری اسلامی در تبیین تحرکات پشت پرده صهیونیستی-آمریکایی فتنه‌های داخلی علیه کشور، صحت دارد و جنگ روانی نیست.»

منابع اسرائیلی گزارش دادند شاهزاده رضا پهلوی در سفر خود به اورشلیم در مراسم «یادبود قربانیان هولوکاست» شرکت خواهد کرد و گفته می‌شود علاوه بر گیلا گاملیل وزیر اطلاعات این کشور که میزبان این دیدار است، وی با بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و چند مقام دیگر اسرائیل دیدار خواهد کرد.

شبکه «آی۲۴» اسرائیل گزارش داد که قرار است شاهزاده رضا پهلوی از تکنولوژی پیشرفته یک کارخانه آب شیرین‌کن بازدید کند. از برنامه‌های وی گفتگو درباره بحران آب با کارشناسان و متخصصان آب برای چگونگی مواجهه با بحران آب در ایران و زیرساخت‌های آن است که رو به نابودی رفته‌اند.

از دیگر برنامه‌های وی بازدید از موزه «ید وشم»، مرکز جامعه پنهانی و دیدار با اعضای ارشد جامعه ایرانی در اسرائیل خواهد بود.

گیلا گاملیل در بیانیه‌ای سفر رضا پهلوی به اسرائیل را یک «تصمیم شجاعانه» خواند و گفت که «شاهزاده نماد رهبری متفاوت از رژیم آیت‌الله است و برخلاف افراطی‌های حاکم بر ایران، ارزش‌های صلح و مدارا را رهبری می‌کند.»

دیدار رسمی شاهزاده رضا پهلوی و بنیامین نتانیاهو در دفتر نخست‌وزیر در اورشلیم



بنیامین نتانیاهو، سارا نتانیاهو، شاهزاده رضا پهلوی، بانو یاسمین پهلوی و گیلا گاملیل پس از گفتگوی دو جانبه شاهزاده و نتانیاهو در دفتر نخست‌وزیر / ۱۹ آوریل ۲۰۲۳

که می‌تواند در روند انقلاب ملی ایران و با پیروزی آن به سود هر دو ملت ایران و اسرائیل و همچنین دیگر کشورهای خاورمیانه عمل کند. جریانات یهودستیز و مخالف موجودیت اسرائیل نیز پیدا و پنهان، به صراحت یا در لفافه، به اشکال مختلف مخالفت خود را با این سفر به نمایش گذاشتند و تلاش کردند مانند مقامات و رسانه‌های جمهوری اسلامی، در تناقضی آشکار از یکسو آن را بی‌اهمیت نشان دهند و از سوی دیگر آن را تنش‌آفرین قلمداد کنند!

شاهزاده شامگاه چهارشنبه در توییتهای خود با ابراز خرسندی از دیدار و گفتگو با نخست‌وزیر اسرائیل و همسرش نوشت: «یاسمین و من از دیدار با نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو و همسرشان بسیار خرسند شدیم. ما در این دیدار از حمایت مستمر اسرائیل از آرمان‌های دموکراتیک مردم ایران قدردانی و تأکید کردیم که ایرانیان به عنوان فرزندان کوروش بزرگ به دنبال حکومتی هستند که به میراث کوروش، یعنی بردباری در قبال ادیان و باورهای مختلف و حمایت از حقوق بشر، احترام بگذارد. به زودی روزی فرا خواهد رسید که دو ملت ایران و اسرائیل از روابط عادی و تبادلات فرهنگی، علمی و اقتصادی غنی و سودمند برای هر دو ملت برخوردار شوند.»

و... همه نشان از آن دارد که حتی صهیونیست‌ها هم او را جدی نگرفته‌اند!

این ادعاها در حالیست که ده‌ها تصویر و ویدئوی منتشر شده در شبکه‌های مجازی و رسانه‌های بین‌المللی به روشنی خلاف آن را ثابت می‌کنند!

خرگزاری‌های وابسته به سپاه مانند تسنیم و فارس و همچنین روزنامه «جوان» و «همشهری» که تحریریه آنها در دست عوامل وابسته به نهادهای امنیتی است، در یک خط مشترک نوشته بودند که نتانیاهو و پهلوی در یک «آبدارخانه» دیدار کردند!

پیشتر ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسش یک خبرنگار که از وی پرسید «نظر شما درباره سفر رضا پهلوی به اسرائیل چیست و اهداف آن چه خواهد بود؟» گفته بود: «نه شخصی که شما از آن نام بردید و نه سفرش و نه جایی که سفر می‌کند، هیچکدام ارزشی ندارند که من بخواهم در ارتباط با آنها از این تریبون اعلام موضع کنم!»

سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل به عنوان یک نقطه عطف سیاسی و فرهنگی مورد استقبال و پشتیبانی ایرانیان ملی‌گرا و طرفدار دموکراسی و صلح قرار گرفت. نقطه عطفی

● شاهزاده رضا پهلوی و بنیامین نتانیاهو برای دومین بار در سه روز گذشته با هم دیدار و گفتگو کردند. دیدار دوم به صورت رسمی در دفتر نخست‌وزیر اسرائیل انجام شد.

● در این دیدار علاوه بر سارا نتانیاهو همسر نخست‌وزیر و بانو یاسمین همسر شاهزاده، گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل نیز حضور داشت.

● سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل به عنوان یک نقطه عطف سیاسی و فرهنگی مورد استقبال و پشتیبانی ایرانیان ملی‌گرا و طرفدار دموکراسی و صلح قرار گرفت. نقطه عطفی که می‌تواند در روند انقلاب ملی ایران و با پیروزی آن به سود هر دو ملت ایران و اسرائیل و همچنین دیگر کشورهای خاورمیانه عمل کند. جریانات یهودستیز و مخالف موجودیت اسرائیل نیز پیدا و پنهان، به صراحت یا در لفافه، به اشکال مختلف مخالفت خود را با این سفر به نمایش گذاشتند و تلاش کردند مانند مقامات و رسانه‌های جمهوری اسلامی، در تناقضی آشکار از یکسو آن را بی‌اهمیت نشان دهند و از سوی دیگر آن را تنش‌آفرین قلمداد کنند!

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل روز چهارشنبه ۱۹ آوریل (۳۰ فروردین) در دفتر کار خود در اورشلیم بطور رسمی میزبان شاهزاده رضا پهلوی و بانو یاسمین پهلوی بود. در این دیدار علاوه بر سارا نتانیاهو همسر نخست‌وزیر، گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل نیز حضور داشتند. وزیر اطلاعات اسرائیل با انتشار تصویری از این دیدار آن را «موفقیت‌آمیز» توصیف کرد.

اولین دیدار شاهزاده پهلوی و بنیامین نتانیاهو در اسرائیل پیش از برگزاری مراسم یادبود قربانیان هولوکاست در روز سه‌شنبه صورت گرفته بود.

شاهزاده پهلوی در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با وزیر اطلاعات اسرائیل که ساعاتی قبل از دیدار با نتانیاهو برگزار شد گفته بود «دموکراسی‌ها باید درک کنند که برای آینده بهتر باید روی مردم ایران سرمایه‌گذاری کنند.»

پیش از این اسحاق هرتزوغ رئیس‌جمهور اسرائیل و شاهزاده رضا پهلوی روز سه‌شنبه ۲۹ فروردین با هم دیدار و گفتگو کردند. در همین ارتباط شاهزاده در توییتهای خود نوشت که به نوبه‌ی خود آرزو دارد تا دو کشور در آینده پیوندهای تاریخی خود را برای امنیت و رفاه بیشتر هر دو ملت تجدید کنند.

سفر شاهزاده پهلوی به اسرائیل آنهم کمتر از یک هفته پس از حملات موشکی گروه‌های نیابتی جمهوری اسلامی به این کشور که با پشتیبانی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شد، با واکنش‌های زیادی روبرو گشت.

پیش از دیدار رسمی شاهزاده پهلوی و نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل، توییتهای «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در توییتهای خود نوشت «اسرائیلی‌ها رضا پهلوی را در حد یک مقام دست‌چند خارجی هم تحویل نگرفتند. مهمت از زبان بدن، تشریفات و محل گفتگوست که حرف‌های زیادی دارد. سطل آشغال و آب سردکن در پس‌زمینه تصویر، صدای‌های غیررسمی

دیدار شاهزاده رضا پهلوی با بنیامین نتانیاهو؛ ابراهیم رئیسی: با کوچکترین اقدام حیفا و تل آویو نابود می‌شوند!



شاهزاده رضا پهلوی، بنیامین نتانیاهو، گیل گاملیل / ۱۷ آوریل ۲۰۲۳

مداخله نظامی برای من به عنوان یک ملی‌گرا مردود است و فکر می‌کنم بسیاری از ایرانیان با من در این زمینه هم‌نظر هستند.

سردار پاسدار یدالله جوانی معاون سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اظهاراتی تهدید کرده بود «اسرائیل باید محو شود و این باور به یقین می‌رسد... یهودیان بدانند که اسرائیل دیگر محلی برای زندگی نیست، آنها چمدان‌ها را بپندند و به کشورهایشان برگردند.»

از سوی دیگر، ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسش یک خبرنگار که پرسید «نظر شما درباره سفر رضا پهلوی به اسرائیل و اینکه گفته شد برای انتقال پیام مردم ایران به این سفر رفته چیست و اهداف آن چه خواهد بود؟» پاسخ داد: «نه شخصی که شما از آن نام بردید و نه سفرش و نه جایی که سفر می‌کند، هیچ‌کدام ارزشی ندارند که من بخوام در ارتباط با آنها از این تریبون اعلام موضع کنم!»

همچنین یک روز بعد از دیدار نتانیاهو و رضا پهلوی، ابراهیم رئیسی در مراسم «روز ارتش» در تهران گفت: «کوچکترین اقدامی علیه جمهوری اسلامی توسط دشمنان به ویژه رژیم صهیونیستی پاسخ سختی از جانب نیروهای مسلح دربر خواهد داشت و با نابودی حیفا و تل آویو همراه خواهد بود... پیام نیروهای مسلح ما به نیروهای فرماندهی‌ای به ویژه نیروهای آمریکایی این است که هرچه زودتر منطقه را ترک کنند.»

روزنامه «کیهان» چاپ تهران و روزنامه «جوان» و خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران در واکنش به سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل به بازتاب توییت افرادی پرداختند که همگی در یک مسئله اشتراک نظر داشتند: ضدیت با پهلوی و زبان توهین‌آمیز که یکی از آنها عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد دولت «اصلاحات» به ریاست محمد خاتمی بود.

به نمایندگی از هموطنانم در اینجا حضور داشته باشم و به قربانیان هولوکاست ادای احترام کنم.»

منابع اسرائیلی گزارش دادند بنیامین نتانیاهو و رضا پهلوی پیش از مراسم یادبود قربانیان هولوکاست با هم دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار گیل گاملیل وزیر اطلاعات این کشور نیز حضور داشت اما جزئیاتی در مورد موضوعاتی که طرفین درباره آن صحبت کردند منتشر نشد.

به گزارش خبرگزاری «فرانس ۲۴» بنیامین نتانیاهو در مراسم یادبود قربانیان هولوکاست با حضور ولیعهد تبعیدی ایران، وعده داد که اسرائیل به «مقابله» خود برای جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای ادامه خواهد داد.

نتانیاهو جمهوری اسلامی را به حکومت نازی‌ها تشبیه کرد که قصد نابودی یهودیان را داشتند و گفت: «تلاش‌ها برای نابودی قوم یهود با هولوکاست خاتمه نیافته است و این تلاش‌ها اکنون از رژیم وحشت‌آفرین در تهران برمی‌خیزد.» او در این مراسم از بازماندگان هولوکاست که «نور را انتخاب کردند» و پیروزی یهودیان که به تشکیل یک «کشور آزاد و دموکراتیک یعنی دولت یهودی» منجر شد، ستایش کرد. نخست وزیر اسرائیل همچنین گفت: «پاسخ اسرائیل به هرگونه تهدید، کوبنده خواهد بود و ما قاطعانه با نیروهای نیابتی رژیم ایران در اطراف خود می‌جنگیم.»

اسحاق هرتزوغ رئیس جمهوری اسرائیل نیز در این مراسم با تأکید بر اینکه «وحشت هیولای نازی همیشه باید در پادها ماند» خواستار اتحاد در جامعه یهودیان شد.

سفر شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل سه روز بعد از برگزاری راهپیمایی حکومتی «روز قدس» در ایران انجام گرفت. جایی که مقامات جمهوری اسلامی بعد از حدود یک هفته راکت‌پرانی و عملیات تروریستی در داخل شهرهای اسرائیل، بار دیگر موجودیت این کشور عضو سازمان ملل را تهدید کردند. این در حالیست که وی در پاسخ به یک خبرنگار درباره استقبال از حمله نظامی اسرائیل به ایران گفت: قطعاً نه! این همواره خط قرمز من بوده و هر نوع

● شبکه «آی ۲۴» اسرائیل گزارش داد که شاهزاده رضا پهلوی در سفر تاریخی خود به اورشلیم در مراسم یادبود قربانیان هولوکاست شرکت کرد. او در کنار بنیامین نتانیاهو نخست وزیر و اسحاق هرتزوغ رئیس جمهوری اسرائیل در این مراسم حضور یافت.

● بنیامین نتانیاهو و رضا پهلوی پیش از مراسم یادبود قربانیان هولوکاست با هم دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار گیل گاملیل وزیر اطلاعات این کشور نیز حضور داشت اما جزئیاتی در مورد موضوعاتی که طرفین درباره آن صحبت کردند منتشر نشد.

● نتانیاهو جمهوری اسلامی را به حکومت نازی‌ها تشبیه کرد که قصد نابودی یهودیان را داشتند و گفت: «تلاش‌ها برای نابودی قوم یهود با هولوکاست خاتمه نیافته است و این تلاش‌ها اکنون از رژیم وحشت‌آفرین در تهران برمی‌خیزد.»

● ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به پرسش یک خبرنگار که پرسید «نظر شما درباره سفر رضا پهلوی به اسرائیل و اینکه گفته شد برای انتقال پیام مردم ایران به این سفر رفته چیست و اهداف آن چه خواهد بود؟» پاسخ داد: «نه شخصی که شما از آن نام بردید و نه سفرش و نه جایی که سفر می‌کند، هیچ‌کدام ارزشی ندارند که من بخوام در ارتباط با آنها از این تریبون اعلام موضع کنم!»

● شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با استقبال از حمله نظامی اسرائیل گفت: قطعاً نه! این همواره خط قرمز من بوده و هر نوع مداخله نظامی برای من به عنوان یک ملی‌گرا مردود است و فکر می‌کنم بسیاری از ایرانیان با من در این زمینه هم‌نظر هستند.

شاهزاده رضا پهلوی روز دوشنبه ۲۸ فروردین (۱۷ آوریل ۲۰۲۳) همراه با همسرش بانو یاسمین پهلوی به اسرائیل سفر کردند و در فرودگاه بین‌المللی «بن گوریون» مورد استقبال گیل گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل قرار گرفتند.

یک روز بعد از آغاز این سفر و شرکت پهلوی‌ها در دیدارهای سیاسی و مراسم یادبود قربانیان هولوکاست، ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» و رئیس دولت سیزدهم جمهوری اسلامی در مراسم «روز ارتش» در تهران تهدید کرد «کوچکترین اقدامی علیه جمهوری اسلامی با نابودی حیفا و تل آویو همراه خواهد بود.»

در ارتباط با سفر شاهزاده پهلوی شماری از رسانه‌ها نوشتند وی «بالاترین شخصیت سیاسی ایرانی است که تا حال برای دیدار به اسرائیل رفته است.»

شبکه «آی ۲۴» اسرائیل گزارش داد که وی در سفر تاریخی خود به اورشلیم در مراسم یادبود قربانیان هولوکاست شرکت کرد. او در کنار بنیامین نتانیاهو نخست وزیر و اسحاق هرتزوغ رئیس جمهوری اسرائیل در این مراسم سالانه حضور یافت.

شاهزاده رضا پهلوی شرکت در این مراسم و ادای احترام به قربانیان هولوکاست را یک وظیفه دانست و گفت: «روابط ایران و اسرائیل یک رابطه دیرینه است که به استناد کتاب مقدس قرن‌ها ادامه داشته و در شرایطی که رژیم ایران وقوع هولوکاست را انکار می‌کند، وظیفه من این است که

او در ارتباط هستند پرس و جو کرده‌اند» (لابد با هدف نفوذ دادن عوامل سیا در بین آنها) احمدی‌نژاد ضمن بحث درباره فلسفه انتظار، اظهار داشت «اگر امروز حکومتی تشکیل داده‌ایم برای این نبوده است که یک عده بروند و یک عده دیگر بیایند. حکومت تشکیل ندادیم که بگوییم ما هم در میان این همه حکومتها یک حکومت دیگریم. بلکه هدف ما از تشکیل حکومت این بود که یک گام بلند در مسیر انبیا برداریم. مأموریت ما این است که مملکت را امام زمانی کنیم. جمهوری اسلامی ایران و انقلاب الهی اسلامی در فراهم کردن زمینه و شرایط ظهور امام زمان (عج) مأموریت سنگینی دارد. ما باید به سرعت ایران را بسازیم و شرایط ایران را آماده کنیم و به کمک سایر ملت‌ها نیز برویم تا آن حادثه بزرگ (ظهور حضرت) واقع شود.»

استفاده ابزاری از امام زمان برای تسخیر عقول و تسلط بر عوام، هر زمان که ملایان قدرت طلب میدان را در اختیار گرفته‌اند، از روشهای رایج بوده است. ملا محمدباقر مجلسی در بحارالانوار (مجلد غیبت امام)



آورده است که جعفرین محمد مؤلف کتاب «الصلوه» و کتاب «جمعه» و «مداوات الحسد» مراسله به صاحب‌الزمان صلوات‌الله علیه نوشت و از مدت عمر خود استفسار کرد. زمانی که حجرالاسود را به جایش می‌گذاشتند قاصد کاغذ را به آن حضرت داد و آن حضرت کاغذ را نخواند و تعیین مدت کرد!

در کرامات شیخ محمدبن شیخ حسن نواده شهید ثانی آمده است که «آن جناب در آن شب که وفات کرده و هنوز دفن نشده بود صدای قرآن در نزد نعش او شنیده می‌شد و کسی که اطلاع یافت گفته که آن قرائت‌کننده اظهار آن کرد که من قائم مهدی می‌باشم روحی و روح‌العالمین له‌الهدا». همچنین به روایت دارالمنثور «مشهور است که آن جناب طواف (کعبه) می‌کرد. پس مردی آمد و به او دسته‌گلی داد از گلهای متفرقه که در مکه و حوالی آن وجود نداشت. خاصه که آن فصل و زمان، فصل گل نبود. پس شیخ به آن مرد گفت که این گل از کجاست. فرمود که از خرابات است. شیخ خواست بعد از آن جواب و سؤال او را دیده باشد، هر چند تفحص کرد او را ندید... البته معلوم است که آن شخص حضرت صاحب الامر علیه‌السلام بوده است!»

این معجولات را می‌گویند و می‌نویسند و نشر می‌دهند و آنگاه می‌نالند که چرا مردم معارف دینی را نادیده می‌گیرند و به اوها و خرافات می‌گروند. «ضربنی و بکنی، سبقتی و اشتکتی».

ادامه دارد

بازشماره

دست دادن یا ندادن مسأله این است! (۱۱)

یا صاحب‌الزمان ادرکنی!

(کیهان لندن شماره ۱۱۶۳-۱۱۷۴)

تیر تا مهر ۱۳۸۶

احمد احرار

در آستانه ولادت با سعادت حضرت ولی عصر (عج) محمود احمدی‌نژاد به قم رفت. سر در چاه جمکران فرو برد و ندا درداد: «مهدی بیا... مهدی بیا». از بُن چاه صدایی برآمد که «می‌خواهم بیایم، بنزین ندارم!»

این آخرین «جوک» ساخت وطن است که در ایران دهان به دهان می‌گردد. یکی دیگر از برکات اختلاط دین و حکومت. تسلط روحانیون بر قدرت سیاسی و برقراری حکومت مذهبی، زیانش تنها به مملکت نمی‌رسد، دین را نیز به ابتذال و فساد می‌کشاند. آنچنان که مردم برای دست انداختن حکومتگران، از کشاندن پای ائمه و معصومین به لطف‌های طعن آمیز پروا نمی‌کنند.

حتی خداوند قادر متعال هم اگر از جایگاه رفیعش در عرش‌العلی فرود آید و مستقیماً در امور جاری زندگانی مردم روی زمین دخالت کند، از گزند این مداخله مصون نمی‌ماند. کارل چاپک، در اثر ماندگار خود «کارخانه مطلق‌سازی» که نیم قرن پیش توسط شادروان حسن قائمیان به فارسی ترجمه شد، این حقیقت را به شیواترین وجهی توصیف کرده است. داستان از اینجا آغاز می‌شود که یک روز، از کاربوراتور ماشینهای روغن‌سوز به جای گاز چسبیده و بدبو، بخاری عطرآگین و مطبوع بیرون می‌آید؛ بخاری که به مشام هر کس می‌رسد او را بی‌اختیار به وانهادن هر کار دیگر و غرقه شدن در عبادت خدا برمی‌انگیزد. به تدریج که این جذبۀ الهی فراگیر می‌شود کارگران از کار می‌مانند و چون خدا نمی‌خواهد بندگان در عسرت بیفتند، ماشینها نیز بر اثر قرار گرفتن در معرض بخار عطرآمیز، خود به خود به کار می‌افتند و به تولید مواد مصرفی ادامه می‌دهند. تولید زاید بر مصرف، بنیان تجارت و اقتصاد را بهم می‌ریزد و نظم زندگی به هم می‌خورد و غوغایی درمی‌گیرد که سرانجام زمینیان را به قیام و اقدام جهت بازگرداندن «مطلق» به جایگاه قبلی خود مجبور می‌کند.

به قصه‌پردازی و جوک‌سازی چه حاجت است؟ در همین چند هفته، سخنانی که به بهانه میلاد امام دوازدهم بر زبان روحانیون حاکم بر ایران و دست‌نشانگانشان در مقامات دولتی و مذهبی جاری شد، مردم را جهت سرگرمی و تفریح از قصه و لطفیه بی‌نیاز می‌ساخت.

فرماندار قم، در پایان جلسه ویژه ستاد تسهیلات زائران نیمه شعبان مژده داد که «با اقداماتی نظیر حل مشکل اُفت فشار آب، توسعه پارکینگ‌ها، ایجاد پارک سوار، افزایش راههای دسترسی به منطقه جمکران و تأسیس شهرداری ویژه جمکران، بسیاری از مشکلات حل شده است.»

رئیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری قم که در این جلسه شرکت داشت از «آماده‌سازی ۸۰۰ چشمه سرویس بهداشتی در مسجد جمکران» خبر داد و افزود «با توجه به مشکلات پیش آمده در سال گذشته، این سرویسهای بهداشتی که دارای پله برقی نیز هستند با تهیه اعتبار ملی و استانی در دست احداث است.»

سایت رسمی مسجد جمکران، کرامات سیزده‌گانه این زیارتگاه را به شرح زیر انتشار داد:

- کرامت ۱ - شفای بیمار اعصاب و روان
- کرامت ۲ - شفای کامل روحی
- کرامت ۳ - شفای دیسک کمر در نیمه شعبان
- کرامت ۴ - رفع مشکل شهریه طلاب با توسل به حضرت صاحب‌الزمان علیه‌السلام
- کرامت ۵ - عنایت امام زمان علیه‌السلام به حوزه‌های علمیه
- کرامت ۶ - دستور ارجاع به حضرت آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری از طریق حضرت حجت علیه‌السلام
- کرامت ۷ - شفای بیماری لولوس (روماتیسزم)
- کرامت ۸ - نجات سرنشینان هواپیمای مشهد مقدس

آیت الله شریعتمداری پیغام داد که جشن هنر شیراز را لغو نکنید

رئیس جمهور چین در ملاقات سه ساعته با شاه درباره دخالت همداستان آمریکا و شوروی برای برهم زدن ثبات ایران هشدار داد و پشتیبانی چین را از ایران اعلام داشت

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها
پایان سلطنت و
درگذشت شاه
(۹)



دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاان افشار، شجاع الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به یادمانده های خود را در اختیار نویسنده قرار داده اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی نوشت کوتاه و احساسی به پایان می رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به چاپ می رساند.

فقط با آنان دست داد و به چند تن از آنان گفت: «می دانید که چه باید بکنید». سپس برای همه آرزوی پیروزی کرد و رفت. عکس سنتی نیز که شاه با وزرا می گرفت، گرفته نشد. با آن که به دلیل حساسیت اوضاع، روزنامه نویسان و عکاسان خارجی بسیاری جلوی کاخ گرد آمده بودند، فقط به معدودی از ایرانیان اجازه حضور در مراسم داده شد. هنگامی که وزیران از کاخ بیرون می رفتند، به آنان اطلاع داده شد که جلسه هیأت دولت دو ساعت بعد، تشکیل خواهد شد.

در راه نخست وزیری، از رادیوی اتومبیل دولتی که داشتم، اعلامیه نخست وزیر جدید را شنیدم. پس از آن که اعلام داشت وطن در خطر است، تقاضای «اتحاد مقدس» کرد و زمان را زمان «آشتی ملی» خواند. قولهایی هم در مورد انتخابات آینده داد. اعلامیه، تاریخ همان روز را به تقویم هجری داشت. معنای آن این بود که تاریخ شاهنشاهی را کنار گذاشته بود. جالب آن که تقویم شاهنشاهی را براساس قانونی، چند سال پیش با تصویب مجلسین پایه گذاری کرده بودند. و شریف امامی به عنوان رئیس سن، از هواداران سرسخت آن بود. رادیو آن گاه اعلام کرد همه کازینوها و قمارخانه ها که شمارشان در کشور حدود ۱۲ تا بود، بسته می شود. همه آن قمارخانه ها به «بنیاد پهلوی» تعلق داشت که شریف امامی رئیس آن بوده و هنوز هم بود. او کازینوهایی را که خودش باز کرده بود، بست. اما بسیاری، این اقدامات را که رادیو «سالم سازی اجتماعی» خوانده بود، به مسخره گرفتند. به این ترتیب نخست وزیر، حتی پیش از تشکیل نخستین جلسه هیأت دولت، همه «گلوله» هایش را شلیک کرده بود. با بیرون راندن وزیری که به روایتی بهائی بود، و سپس با اعلام دو اقدام ظاهر سازانه، گمان می کرد می تواند اطمینان روحانیون و افکار عمومی را به دست آورد. دولت هیچ کار دیگری انجام نداد و چند ساعت بعد این «اقدامات سالم سازی اجتماعی» به کلی فراموش شد.

نخستین جلسه هیأت دولت کافی بود که همه دریا بند که هیچ هماهنگی میان وزیران وجود ندارد. وزرائی که اغلب شان افرادی کارآمد بودند، ولی هر یک خود را

سر کلاس می رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

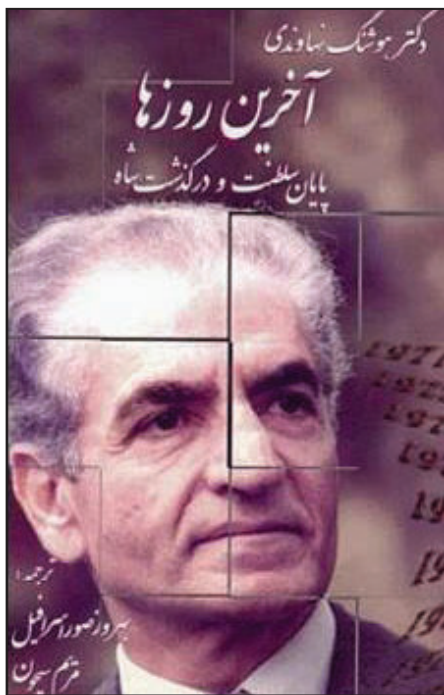
نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع آوری مطالب کتاب پانصد صفحه ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته ای چند ساعت



نداشت. زیرا پس از استعفای آموزگار برای استراحت به زادگاه خود مازندران رفته بود. معتمدی با شنیدن رادیو آگاه شده بود که به وزارت منصوب شده، و درست مثل این که در کاخ حضور داشته، خبرش اعلام شده است. ژاندارمری که دستور یافتن او را داشت، همان شب پیامی از سوی نخست وزیر به او داده و خواهش کرده بود به تهران بازگردد. او، چنین کرد.

مراسم، کوتاه بود. شاه لباس شخصی پوشیده بود، به نظر آرام می آمد. حالتی متشخص داشت ولی از لبخند ظاهری همیشگی، خبری نبود. معمولاً به هنگام معرفی وزیران، شاه چند کلمه با هر یک از آنان سخن می گفت و مسائلی را که به نظرش مهم می رسید، به آنان گوشزد می کرد. اما این بار

هیأت دولت شریف امامی بسیار ناهماهنگ بود. به جز تیمسار عظیمی وزیر تقریباً همیشگی جنگ، که از سالها پیش این مقام را داشت، سه وزیر دیگر از سوی شاه انتخاب و تحمیل شده بودند. آن دو تن دیگر، خسرو افشار و محمد باهری بودند. برای آن که این دو نیز مقام خود را بپذیرند، باز هم کاری غیرعادی صورت گرفت و کاخ دخالت کرد تا راضی شان کند. با تمام این اوصاف، همه اعضای دولت، پیشینه پاک و صداقت داشتند. این کمترین الزام این موقعیت بود. یک رویداد غیرمنتظره نیز در آخرین دقایق، معرفی هیأت دولت را مختل کرد؛ مدیرعامل شرکت ملی مخابرات را فراخوانده بودند که به عنوان وزیر پست و تلگراف معرفی شود. آمده بود و همه به او برای ورودش به هیأت دولت تبریک می گفتند. همگی در تالار بزرگ کاخ بودیم و به سوی تالار دیگری که قرار بود مراسم معرفی در آن برگزار شود می رفتیم که ناگهان یکی از افسران گارد آمد و از نخست وزیر خواست به تلفنی که او را می خواهد پاسخ دهد. نخست وزیر رفت و پس از چند دقیقه غیبت، با حالتی نگران باز آمد، زیر بازوی کسی را که قرار بود وزیر پست و تلگراف شود گرفت و با صدای آهسته، چند کلمه ای با او سخن گفت. آن شخص، رنگ و رو باخته، بی آنکه چیزی بگوید، رفت. آن دو مرد حتی دست همدیگر را نفرستادند.

راز و ناراحتی همگانی، کاملاً ملموس بود.

چند ساعت بعد فهمیدیم که به شریف امامی خبر داده بودند (راست یا تصور) که آن شخص بهائی است و او به همین دلیل و به خاطر ملاها وی را برکنار کرده بود. تقریباً ربع قرن از این ماجرا گذشته است، ولی من هنوز نفرت و تحقیری را که بر آن مرد تحمیل شد و بی گمان کینه و طغیان درونش را از یاد نمی برم، که ناچار شد همچون فردی نجس، در برابر همه، باغ بزرگ کاخ را ببیماید و با صدها روزنامه نویس و خبرنگاری که جلوی در گرد آمده بودند، روبرو شود. او را چندان می شناختم و دیگر هم ندیدمش. به هنگام معرفی هیأت دولت، کریم معتمدی که وزیر پست و تلگراف هویدا و آموزگار و مردی با شخصیت و خوشنام بود و بار دیگر به همین سمت انتخاب شد، حضور

شد. در میان حرکات بازیگران که تقریباً برهنه بودند، مردم شگفت زده تصور کردند که شاهد لواط هستند. البته نحوه اجرای نمایش هم چندان نجیبانه نبود. اعتراضات بالا گرفت، فریادهای اعتراض بلند شد و کار تقریباً به شورش کشید. پلیس ناچار به دخالت برای پراکنده کردن مردم خشمگین و پایان دادن به نمایش شد.

از فردای آن روز در چند مسجد شهر، برخی واعظان با هیجان به ابراز نارضایتی خود پرداختند. البته اجرای نمایش موقوف شد. دو روز بعد، در دنیای کوچک سیاسی کشور هیچ کس نبود که نداند شاه، پس از آگاهی از ماجرا، بسیار خشمگین شده و مسئولان را متهم به «چپ گرایی»، «خرابکاری» و «ناآگاهی» نموده و تهدید به تنبیه‌شان کرده بود. ولی همه چیز آرام گرفت و شاه، بدون شک به خاطر علاقه به همسرش، مثل همیشه تحمل کرد و دم نزد. چندی بعد، «سرآنتونی پارسونز» سفیر انگلستان که ماجرا را مطرح کرده بود گفت: «در نهایت این فقط یک نمایش بود».

به محض تشکیل کابینه جدید، مسأله این جشنواره و تظاهراتی که ممکن بود برانگیزد، مطرح شد. همه دعوتنامه‌ها فرستاده شده و هزینه زیادی شده بود. اگر مراسم لغو می‌شد، باید همه جریمه‌ها را می‌پرداختیم و خرج سنگینی به بار می‌آمد. از لحاظ حفظ امنیت، همه دستگاههای پلیس و «ساواک»، به پرسشی که از آنان شده، پاسخ دادند که می‌توانند حفاظت جشنواره را تأمین کنند. ارتش و ژاندارمری هم ظاهراً همین عقیده را داشتند و

در داخل کشور، این جشنواره بسیار بحث‌انگیز بود. اغلب فرهیختگان آشکارا با آن مخالفت می‌کردند و اعتقاد داشتند که هزینه‌اش زیاد، محتوایش بسیار غربی و جایی که در آن به فرهنگ ایران داده شده، تنگ است. مردم شیراز شکایت داشتند که به هنگام برگزاری جشنواره زندگی روزانه‌شان مختل می‌شود. البته در همه شهرهای بزرگ، در هر جای دنیا چنین مراسمی، زندگی معمول را قدری بر هم می‌زند. برخلاف آنچه ممکن است تصور شود، شاه چندان از این برنامه‌ها خوشش نمی‌آمد، و این تازه بهترین تعبیر از عقیده اوست. او همواره در پایان تابستان بازدیدی طولانی از شیراز می‌کرد، اما برای این کار منتظر می‌شد که برنامه‌های جشنواره پایان گیرد. فقط هم یک بار همسرش را در جشن هنر همراهی کرد. که دلیلش پایان بخشیدن به شایعاتی بود که براساس آنها، با زنی رابطه دارد و بر سر این موضوع، میانشان شکرآب است.

هنگامی که رئیس دانشگاه «پهلوی» (شیراز) بودم (۷۱ - ۱۹۶۸)، روزی در گردش در باغ - کاخ ارم که متعلق به دانشگاه بود و شاه در آنجا اقامت می‌کرد، به من گفت: «می‌فهمم این جشنواره به چه درد ما می‌خورد. هزینه‌اش گزاف است و گمان نمی‌کنم سودی داشته باشد. از هنرمندان کم ارزشی که کسی آنها را نمی‌شناسد دعوت می‌کنند، تا حلق چند روزنامه‌نویس خارجی میهمان، خاویار می‌تپانند و به آنها هدیه‌های گوناگون می‌دهند. آنها هم وقتی به کشورشان بر می‌گردند، به روی ما تاف می‌اندازند و انتقاد

ناجی مملکت وانمود می‌کردند. اعضای این هیأت هرگز نتوانستند بر روی مسائل اساسی، یا اساس مسائل مربوط به اوضاع، با هم به توافق برسند.

در آغاز نخستین جلسه هیأت دولت، نخست وزیر ابتدا از خداوند متعال سخن گفت و دعا کرد که او ما را در کنف حمایت خود قرار دهد. سپس نسخه‌ای از قرآن آورد و وزیران، جملگی سوگند خوردند که به میهن خود وفادار باشند و با همه توان به آن خدمت کنند. این، رفتار و عملکردی غیرعادی بود، بی‌گمان بدان منظور که به ملاحظه گزارش شود!

آقای شریف امامی، سپس از تک تک وزرا خواست در ظرف یک هفته، برنامه کار خود را آماده کنند تا در جلسه هیأت وزیران مورد بحث قرار گیرد و در نهایت در برنامه کلی دولت گنجانده و به پارلمان ارائه شود. رئیس دولت، که در حقیقت علیرغم میل خود نخست وزیر شده بود، به این ترتیب اقرار می‌کرد که کمترین فکر یا ابتکاری در مورد کاری که باید انجام شود، ندارد!

من فوراً رشته سخن را به دست گرفتم تا گوشزد کنم که تهیه برنامه‌های هر وزارتخانه، با همه ریزه‌کاری‌هایش، و بحث در مورد آنها در واقع تلف کردن وقت پرازش است. مملکت منتظر ارائه یک برنامه فوری برای رهائی از بحران، با نقطه‌نظرهایی روشن و قاطع بود.

افزودم: باید از همین فردا به مجلس شورا برویم و سپس بلافاصله به سنا، افکار عمومی به تکان شدید روانی نیاز دارد. خسرو افشار، وزیر امور خارجه بلافاصله و به گرمی به پشتیبانی از من پرداخت و با لحنی آمرانه به نخست وزیر گفت: «آقا، اکنون زمان پرچانگی نیست».

نخست وزیر پاسخ داد: این که اوضاع خراب است، همه ما می‌دانیم و بیش از همه خود بنده، اما باید از تندروری و شتاب زدگی پرهیز کنیم. باید با دقت برنامه‌های بسیار کامل طرح‌ریزی کنیم که توجه همگان را جلب کند؛ در زمینه کشاورزی، صنعت، بازرگانی، مسکن، آبادانی، دادگستری و... من لزومی به سرهم بندی کردن یک برنامه اضطراری نمی‌بینم. بالاخره قرار شد در کمتر از یک هفته، هیأت وزرا گرد آیند و هر وزیر برنامه وزارتخانه خود را ارائه دهد. به این ترتیب حدود دو هفته دولت فقط پیرامون مسائل به کلی بی‌اهمیت بحث کرد. در صورتی که هر روز، وضع مملکت هشداردهنده‌تر و خطرناک‌تر می‌شد. مثلاً به خوبی به یاد دارم بحث بیهوده‌ای در مورد آن که بسته به نوع زمین و هوای ویژه هر استان، باید از چه نوع تراکتوری با چه قدرتی استفاده کرد، سه ساعت به درازا کشید. چند وزیر سیاسی، یا شاید بهتر بگویم آگاه، این بحث را با سکوتی حاکی از تأسف و بی‌اعتنائی نظاره می‌کردند. این وضع دو هفته ادامه یافت که در آن مملکت بیشتر و بیشتر در آشوب و اغتشاش فرو می‌رفت.



هوا گونوفنگ در کنار محمدرضا شاه پهلوی و شهبانو فرح پهلوی، هنگام دیدار دولتی از ایران

آماده بودند وظایف شان را انجام دهند و در صورت لزوم با سازمانهای برگزار کننده جشنواره همکاری کنند. هنگامی که نظر شاه پرسیده شد، او تصمیم گیری را به عهده شهبانو و نخست وزیر گذاشت.

یک روز، اوایل سپتامبر، تقریباً ساعت ۹ صبح تلفن دفتر من زنگ زد. آیت‌الله شریعتمداری بود که گفت: «به من گفته‌اند که قرار است تصمیمی برای جشن هنر شیراز گرفته شود. می‌دانید، من چیزی از این برنامه‌ها نمی‌دانم ولی قضیه پارسال تکان دهنده بود و غیرقابل تحمل. امیدوارم حرفم را خوب بفهمید. ولی به اعلیحضرت یا هرکسی که به او مربوط می‌شود، بگویید که لغو برنامه جشن هنر شیراز، اشتباه بزرگی است. تحول اوضاع چنان است که

می‌کنند... ولی خوب، شهبانو خیلی اصرار دارد.» و آنگاه گویی یکباره متوجه شد که در گفتار خود زیاده روی کرده، افزود: «طبیعتاً آنچه گفتم نباید تکرار شود.» اردشیر زاهدی که خود مخالف سرسخت این جشنواره بود هم در یادداشتها و خاطراتش می‌نویسد که شاه با این که اجازه برگزاری آن جشن را می‌داد، ولی مخالفتش بود.

روز ۲۵ اوت ۱۹۷۷، اتفاق ناگواری در جشن هنر افتاد. یک گروه کوچک به قول شاه مبتذل، که از «بالکان» آمده بودند، به کلی ناشناس بودند و هیچکس نمی‌دانست به چه دلیل دعوت شده‌اند، برنامه‌ای شبانگه‌ای داشتند. برای آن که همگان با هنر مدرن آشنا شوند، نمایش آنها در ویتزین یک فروشگاه اتومبیل در یکی از خیابانهای بزرگ شیراز اجرا

جشن هنر شیراز

جشن هنر شیراز، تحت ریاست عالیله شهبانو، بزرگترین رویداد آخر تابستان در ایران بود. در آن جشنواره فرهنگی، در کنار چند گروه ایرانی، هنرمندان بزرگ دنیا چون «بزار»، «اشتوک هاوزن»، «آرتور روبینشتاین»، «کارایان» ... دعوت می‌شدند و در خرابه‌های شکوهمند «تخت جمشید» یا کاخ و باغهای شیراز، برنامه اجرا می‌کردند. متأسفانه هنرمندان و گروههای فرو رتبه‌تر، و حتی به راستی بی‌ارزش هم، بی آن که دلیلش واقعا دانسته شود دعوت می‌شدند. پوشش رادیو تلویزیونی و مطبوعاتی جشن هنر، به وسیله کمیته برگزاری که وابسته به رادیو تلویزیون ملی ایران - که بهره برنده اصلی و حتی تنها دلیل وجودی آن بود - صورت می‌گرفت.

هر عقب نشینی یا امتیاز دادنی، نشانی از ضعف تلقی خواهد شد. بنابراین از این به بعد، حکومت باید استحکام خود را نشان دهد و قدرت نمایی کند. آیا نخست وزیر از این چیزها آگاه است؟

باید اعتراف کنم که از این دوراندیشی او شگفت زده شدم. به او گفتم که روشن بینی اش را تحسین می‌کنم و بر برداشت او از اوضاع صحنه می‌گذارم. شریعتمداری پاسخ داد: «شما هنوز مرا خوب نمی‌شناسید.» و افزود: «با اینحال شهبانو نباید به شیراز برود. برنامه‌ها را سبک کنند. چند برنامه سنگین و به ویژه ایرانی را حفظ کنند. محسن فروغی، وزیر فرهنگ که مرد محترمی است (او معمار و باستان شناسی با شهرت جهانی بود) و با شوهر خواهر اعلیحضرت (مهرداد پهلبد که پیش از فروغی وزیر فرهنگ بود)، بروند و دولت را نمایندگی کنند. جشنواره را کوتاه و خلاصه کنید، ولی مراقب باشید که لغوش نکنید.»

بلافاصله به نخست وزیر و شهبانو تلفن کردم و نقطه نظر کسی را که هنوز سرکرده و نماد مخالفان و روحانیون بود، به اطلاع آنان رساندم. دو روز بعد، جلسه‌ای به ریاست شهبانو، تصمیم به لغو جشنواره گرفت. تصمیمی که در لحظه آخر و مخفیانه گرفته شد. حتی آن را رسماً اعلام نکردند. فقط مطبوعات خیلی کوتاه به آن اشاره کردند. نخست وزیر پیامهای خود را (از جمله خبر لغو جشن هنر) را به نشانه نمایش حسن نیت به می‌دانم کدام ملا رسانده بود. این، بازهم عقب گردی تازه و بی‌جا بود.

هواکوفنگ در تهران

روز ۵ سپتامبر «هواکوفنگ» رئیس جمهوری چین برای یک دیدار رسمی وارد تهران شد. شاه شخصاً برای استقبال از میهمان خود به فرودگاه رفت و با تمام تشریفات و شکوه همیشگی، درست همان سان که چند ماه پیش از آن، پذیرای «کارت» شده بود، او را پذیرفت.

چندی پیش از این سفر رسمی، میان تیمسار ناصر مقدم و همتای چینی‌اش کیائوشی موافقتنامه‌ای فوق سری به منظور مقابله با توسعه طلبی شوروی در افغانستان و یاری رسانی به نیروهای مقاومت ضدشوروی که هنوز در حال شکل گیری بود، به امضا رسیده بود. این موافقتنامه از چشم غربیان پنهان نماند و باعث شد که مخالفت آمریکائیان با سیاست مستقل شاه افزایش یابد. در ملاقاتی طولانی، رئیس جمهوری چین پشتیبانی خود را از شاه اعلام کرد و به او در مورد دخالت همدستان آمریکا و شوروی برای برهم زدن ثبات ایران، هشدار داد.

در آن شامگاه ۵ سپتامبر، ساعت هشت، صد نفری میهمان در شامی که به افتخار رئیس جمهوری چین داده شد، حضور یافتند. رئیس کل تشریفات که سیاست گشودن دربار بر جامعه مدنی را دنبال می‌کرد، علاوه بر چند تن از مقامات دولتی، فقط یک شاهزاده از خانواده سلطنتی، نخست وزیر، وزیر دربار، دو وزیر و همسرانشان، دو شخصیت محلی، یک رهبر مشهور ارکستر، صاحبان صنایع و بازرگانان را دعوت کرده بود. همه آنان که برای نخستین بار با شاه بر سر یک میز می‌نشستند، شگفتی و شادمانی خود را از حضور در آن مراسم ابراز می‌کردند.

سخنان شاه بسیار مناسب موقعیت بود و در آن از دیرینگی استثنائی دو تمدن چینی و ایرانی، روابط چند بُعدی دو قدرت بزرگ، و آرزوهائی برای آینده یاد شده بود. سخنان رئیس جمهوری چین، لحنی کاملاً سیاسی داشت و در آن، آشکارا پشتیبانی آن کشور را از ایران اعلام کرد. این موضوع، باعث خشنودی شاه شد که کشورش دوران دشواری را می‌گذراند.

تظاهرات عید فطر

پنجشنبه ۷ سپتامبر آن سال، مصادف با جشنهای آخر ماه رمضان (عید فطر) بود. سردمداران مخالفان، آیت‌الله شریعتمداری از سوی مذهبی‌ها، و جبهه ملی از سوی غیرمذهبی‌ها، مشترکاً تظاهراتی سیاسی - مذهبی در شمال تهران برپا کردند. پس از خواندن نماز جماعت، در یکی از بزرگترین شاهراه‌های پایتخت - خیابان کوروش کبیر - جمعیتی که به شمارش رسمی صد هزار و به گفته برگزارکنندگان دو برابر آن بودند، به راهپیمائی پرداختند. برای نخستین بار چند تصویر خمینی در این سو و آن سو - البته بیشتر در آخر صفها که حضور دهها فلسطینی در آن مشخص بود - پدیدار شد. شعارهای تظاهرکنندگان نه ضد شاه بود و نه ضد سلطنت. فقط فریاد می‌زدند: «مرگ بر فساد»، «مفسدین» باید به شدیدترین مجازات برسند. (جز در صفوف آخر که شعارها تند، و علیه سلسله پهلوی بود.)

همان روز و تقریباً در همان ساعت، به مناسبت روز ملی بیمارستانها، شهبانو بدون اطلاع قبلی از بیمارستان دکتر اقبال وابسته به دانشگاه تهران که در یک محله پرجمعیت پایتخت واقع بود، دیدار کرد. من هم به عنوان رئیس هیأت امنای دانشگاه تهران و هم در مقام وزیر جدید علوم و آموزش عالی، همراه ایشان بودم. در کاخ سعدآباد سوار بر هلیکوپتری شدیم که ما را به فرودگاه هلیکوپتر بیمارستان برد. نیروی انتظامی اندک بود. پزشکانی که سر خدمت بودند به استقبال شهبانو آمدند و خیلی زود خبر به اطراف رسید. به زودی جمعیتی پنج - شش هزار نفری گرد آمدند. رادیو و تلویزیون نیز خبردار شدند و یک ساعت بعد، هنگامی که شهبانو، پیاده برای بازدید از «انجمن مبارزه با سرطان» که در چند صدمتری بود رفت، جمعیت چشمگیری با علاقه و هیجان برایش کف زدند و هزاران نفر فریاد «جاوید شاه» سر دادند. تظاهراتی فی‌البداهه روی داد. رادیو و تلویزیون خبرهای کوتاهی از بازدید شهبانو دادند، ولی به سرعت به آنان دستور اکید داده شد که آن گزارشها را سانسور کنند تا مبادا - چه به صورت صوتی و چه به شکل تصویری - چیزی در مورد استقبال مردم و شعارهائی که به هواداری شاه داده شده بود، پخش شود.

بعد از ظهر همان روز نخست وزیر به من تلفن کرد و ناراضی خود را ابراز داشت.

- چرا شهبانو همان روزی که این آقایان دست به تظاهرات زده بودند، از بیمارستانها بازدید کرد و چرا شما همراهش بودید؟

- زیرا هم وظیفه من بود و هم نشانه‌ای ابتدائی از رفتار احترام آمیز من.

رئیس دولت با لحنی خشک پاسخ داد: - مسلماً، اما باید بدانید تظاهرات مردمی که برای ایشان شد، ممکن است مخالفان را ناراحت کند.

اندکی بعد پی بردم که شاه از غمناک احساسات مردم در حمایت از خودش، بسیار خشنود شده بود.

چگونه می‌شد رفتار نخست وزیر را درک کرد؟ رادیو و تلویزیون تبدیل به ابزارهای تبلیغاتی مخالفان شده بودند، اما آنها را از غمناک تظاهرات مردمی خودجوش و بسیار دلگرم کننده برای شاه، ممنوع کردند.

شاه بعدها نوشت: «بعدها شواهد نشان داد که کمونیستها در همه کارمندان تلویزیون، که شاید نیرومندترین ابزار تبلیغاتی مخالفان بود، نفوذ کرده بودند.» و این در حالی بود که ریاست سازمان رادیو - تلویزیون با پسردهائی شهبانو (که تقریباً برادر او محسوب می‌شد) بود که به کارآمدی و پاکدامنی شهرت داشت.

(ادامه دارد)

ادامه مسمومیت‌های شیمیایی دانش‌آموزان؛

دوربین برای حجاب «آری» برای مسمومیت «خیر»!

● پدر یکی از دانش‌آموزان مسموم شده در هرسین: مسئولینی که برای حجاب اجباری دوربین می‌گذارید نمی‌تونید دوربین بگذارید برای بی‌شرف‌هایی که گاز سمی به مدارس می‌زنند؟

● نشانه‌ها و شواهدی درباره دست داشتن جریانات امنیتی و افراد مذهبی وابسته به جمهوری اسلامی در این حملات سازمانیافته به چشم می‌خورد.

● اصغر میرفرهادی جامعه‌شناس: چگونه ممکن است اقدامی با این گستره و خطر به آسانی انجام شود و مسوولین از شناخت عاملان ناتوان باشند؟!

با ادامه مسمومیت‌های گسترده و سازمانیافته دانش‌آموزان موجی از انتقادات از سوی اولیاء دانش‌آموزان و دیگر شهروندان متوجه جمهوری اسلامی شده است. منتقدان می‌گویند چطور برای مبارزه با زنان و دختران به بهانه حجاب انواع دوربین‌های مداربسته و تشخیص چهره را در سطح شهرها به کار گرفته‌اند اما نتوانسته‌اند با استفاده از همین دوربین‌ها و در جهت سلامت جسمی و روانی دانش‌آموزان، آمران و عاملان حملات به مدارس را پیدا کنند؟

مسموم‌سازی سازمانیافته دانش‌آموزان با حمله بیولوژیک به مدارس کشور همچنان ادامه دارد و مقامات جمهوری اسلامی مدعی هستند که در اکثر موارد دانش‌آموزان یا تمارض کرده یا به دلایل اضطرابی و عصبی دچار نشانه‌های مسمومیت تنفسی شده‌اند و اصلاً سمی در آزمایش‌های آنها مشاهده نشده است.

امروز دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۲ دبیرستان دخترانه «نسبیه» در سندانج با حمله بیولوژیک روبرو و شماری از دانش‌آموزان به دلیل مسمومیت شدید به بیمارستان منتقل شدند.

روز یکشنبه ۲۷ فروردین ۱۴۰۲ حمله شیمیایی به مدرسه پیش‌دبستانی و دبستان دخترانه ناظم واقع در فاز دو شهرک اکباتان تهران شمار زیادی از کودکان دانش‌آموز را راهی بیمارستان کرد. بر اساس گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی مسئولان مدرسه در حالی که این حمله را انکار کرده‌اند، در کلاس‌ها را به روی دانش‌آموزان بسته و مانع خروج آنان از کلاس‌ها شده‌اند و همچنین مانع تماس آنها با والدین‌شان شده‌اند.

روز گذشته همچنین «کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران» با انتشار ویدئویی از دختران دانش‌آموز که در حیاط مدرسه نقش بر زمین شده و به سختی نفس می‌کشیدند، از مسمومیت مشکوک دانش‌آموزان در مدرسه دخترانه «شاهد» در شیراز خبر داد.

به گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، دانش‌آموزان مسموم شده به بیمارستان «شهدا» شیراز منتقل شدند و حال یکی از آموزگاران مسموم شده نیز وخیم گزارش شده بود.





مسمومیت دانش‌آموزان مدرسه دخترانه «ناصری» هرسین - یکشنبه ۲۷ فروردین

پایگاه‌های بسیج، که در همه شهرها وجود دارد و یا اینکه واقعا بخشی از دستگاه امنیتی بستری برای سازماندهی این حملات در همان ماه‌هایی که اعتراضات سال گذشته از اواخر شهریورماه در جریان بود، فراهم کرده است.»

او با بیان اینکه شماری از افراد بازداشت شده در شهرهای مختلف وابسته به پایگاه‌های بسیج و حسینیه‌ها و حوزه‌های علمیه بوده‌اند گفته که «در بازجویی گویا مشخص شده که این افراد در شهرهای مختلف با یکدیگر هماهنگ بوده و همه گفته‌اند که «حضرت آقا در فلان سخنانی گفته که بچه‌های دانش‌آموز [در اعتراضات ماه‌های گذشته] شیطنت کرده‌اند و با یک تنبیه کوچک درست می‌شوند. ما هم مقلد آقا هستیم و هر چه آقا بگوید ما آتش به اختیار هستیم و انجام می‌دهیم.» ضمن اینکه هر کسی بازداشت شده، از سوی حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه و مساجد و ریش سفیدهای محل تماس‌هایی شروع شده و با اعمال نفوذ در نیروی انتظامی، این افراد آزاد شده‌اند!» در اوایل اسفندماه سال گذشته محمدتقی فاضل میبیدی، استاد حوزه علمیه در اظهاراتی گفته بود که «عمدی بودن این ماجرا واقعیت دارد. گفته می‌شود گروهی موسوم به هزاره‌گرا مسئول این مسمومیت‌های سریالی در مدارس هستند. این گروه و تفکر معتقد است که دختران نباید درس بخوانند یا نهایتا باید تا سوم دبستان درس بخوانند. این جریان یک جریان مذهبی و ضد مدرنیته است.»

این مدرس حوزه علمیه توضیح داده بود که «یک جامعه‌شناس که می‌توانم نامش را بگویم در قم پژوهشی در این زمینه انجام داده و در جلسه‌ای این موضوع را برای برخی شرح داده‌است. در این تحقیقاتی که انجام داده به این نتیجه رسیده‌است که هزاره‌گراها این اقدامات را انجام می‌دهند. این مسمومیت‌ها اتفاقی نیست. این جریان شبیه طالبان هستند، گرچه طالبان اجازه نمی‌دهد دختران به دانشگاه بروند اما این گروه می‌گویند دختر نهایتا تا سوم دبستان باید درس بخوانند. من در شکفتم که چرا دولت و نهادهای امنیتی این جریان را دنبال و موضوع برای مردم شفاف نمی‌کند.»

محمدتقی فاضل میبیدی تأکید کرده بود هسته سازماندهی حمله به مدارس در قم و اصفهان است: «در مدارس دخترانه رعب و وحشت حاکم است. جامعه‌شناسی که پژوهشی در این خصوص انجام داده، معتقد است مرکز ثقل این جریان در قم و اصفهان است.»

شیمیایی مسموم شده‌اند؟»
اصغر میرفرهادی جامعه‌شناس نیز در یادداشتی با عنوان «فرزندان مان را دریابید» در روزنامه «اعتماد» با انتقاد از اهمال‌کاری حکومت نوشته که «باز شدن مدرسه‌ها، مسمومیت دانش‌آموزان دختر از سر گرفته شد. چگونه ممکن است اقدامی با این گستره و خطر به آسانی انجام شود و مسوولین از شناخت عوامل ناتوان باشند؟»

در ادامه این یادداشت آمده است: «پس از چند ماه، مسمومیت‌های پیاپی و کوتاهی‌های سازمانی برای پیگیری آنها، هیچ توجهی برای ادامه این مسمومیت‌ها و اهمال‌کاری برای رسیدگی بدان‌ها پذیرفتنی نیست. عموم مردم انتظار دارند به این وضعیت رسیدگی شده و این اقدام پایان پذیرد تا فرزندان این سرزمین در خانه خود احساس امنیت کنند.»
در آنسو اما نشانه‌ها و شواهدی درباره دست داشتن جریان‌های امنیتی و افراد مذهبی وابسته به جمهوری اسلامی در این حملات سازمانیافته به چشم می‌خورد.

در همین رابطه نجات بهرامی روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی که حدود دو دهه سابقه تدریس در آموزش و پرورش را دارد هفته گذشته در گفتگو با «کیهان لندن» درباره ماهیت این حملات گفته بود: «یک مسئله که در مورد مسمومیت‌ها خیلی مهم است و می‌بینیم رسانه‌ها زیاد به آن پرداختند اینست که مسموم کردن دانش‌آموزان با هدف آسیب رساندن به دانش‌آموزان نیست، یعنی یک نقطه و میدانی انتخاب شده که برای خانواده‌ها و والدین و افکار عمومی حساس است و از طرفی انعکاس این مسمومیت‌ها خیلی سریع در تمام کشور پخش می‌شود؛ مثلا شما یک تروریستی را در نظر بگیرید که می‌رود نقطه حساس و پرجمعیت شهر و بازاری را که رفت و آمد زیادی دارد هدف قرار می‌دهد؛ این تروریست هدفش ضربه به بازاربان نیست بلکه تلفات بیشتر بوده است. نظرم این است که شواهد و قرائن در این چند ماه، چه در سال گذشته و چه در روزهای پس از نوروز که از بازگشایی مدارس گذشته، نشان می‌دهد قضیه بسیار سازماندهی شده‌تر از آنست که فکر می‌شد. یعنی می‌شود یک سیستم امنیتی و اداری پشت این حملات نباشد و صرفا یک جمع افراطی خودشان تصمیم گرفته باشند این حملات را انجام دهند.»

نجات بهرامی در ادامه توضیح می‌دهد که «این سازماندهی یا از قبل بسترهایش فراهم بوده، مثل حوزه‌های علمیه و

ویدئوی دیگری از دانش‌آموزان مسموم شده مدرسه دخترانه «ناصری» در شهر هرسین منتشر شده که دانش‌آموزان با وضعیت تنفسی ناپایدار در بیمارستان بستری هستند. پدر یکی از دانش‌آموزان بستری شده در این ویدئو خطاب به مسئولین می‌گوید، «مسئولینی که برای حجاب اجباری دوربین می‌گذارید نمی‌تونید دوربین بگذارید برای بی‌شرف‌هایی که گاز سمی به مدارس می‌زنند؟»

او با اشاره به وضعیت وخیم جسمانی و تنگی نفس دخترش می‌گوید که همه بچه‌های این مدرسه مسموم شده‌اند.

مدرسه دخترانه «قاسم سلیمانی» در خیابان قلم شاهین ویلا کرج، دبیرستان دخترانه «شافعی» در مهاباد، هنرستان دخترانه «۲۳ تیر» ارومیه، دبیرستان دخترانه «معراج» در اردبیل، دبیرستان دخترانه «ستایش» در محله خلیج فارس تهران و دبیرستان دخترانه «طلوع اسلام» در منطقه نارمک تهران از جمله دیگر مدرسی هستند که روز گذشته با حمله بیولوژیک هدف قرار گرفتند.

روز شنبه بیست و ششم فروردین ۱۴۰۲، شانزده دانش‌آموز در چند مدرسه شاهین شهر با علائم مسمومیت راهی بیمارستان شدند.

محمدرضا کاظمی فرماندار شاهین شهر و میمه درباره این حملات گفته که «در پی انتشار گاز مایعی به نام «مرکاپتان» شانزده دانش‌آموز دچار مشکل تنفسی شدند و به بیمارستان انتقال یافتند.»

محمدرضا کاظمی همچنین مدعی شده که «با توجه به اعلام سازمان هواشناسی مبنی بر جهت وزش باد و دیگر مسائل فنی که دادستان اعلام کردند این گاز در سطح شهر منتشر می‌شود و اینگونه نبوده که گاز نامطبوع تنها به مدارس رفته باشد و طبق بررسی‌هایی که داشتیم در مکان‌های دیگری به غیر از مدارس مانند پارک‌ها و برخی ادارات این گاز استشمام شده است!»

او افزوده که «بنابراین طبق تحقیقات دستگاه‌های انتظامی و قضایی سهل‌انگاری دو نفر از مأموران اداره گاز موجب این حادثه شده که اکنون این دو مأمور در زندان هستند.»

واکنش‌ها به مسموم‌سازی سازمانیافته دانش‌آموزان از سوی افکار عمومی و کارشناسان نیز ادامه دارد. شماری از شهروندان در شاهین‌شهر اصفهان روز شنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۲ مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر تجمع کردند. این تجمع اعتراضی با شعارهایی از جمله «حکومت بچه‌کش نمی‌خوایم نمی‌خوایم» و «اینهمه سال جنایت، مرگ بر این ولایت»، مورد حمله نیروهای ضد شورش قرار گرفت. شماری از شهروندان بر اثر ضربات باتوم و اصابت گلوله ساچمه‌ای زخمی شدند.

جمعی از والدین دانش‌آموزان در شهر تاکستان استان قزوین نیز روز گذشته در نامه‌ای سرگشاده خطاب به فرماندار، مدیرکل آموزش و پرورش استان و مدیر آموزش و پرورش تاکستان، نسبت به بی‌توجهی مسئولان در خصوص مسمومیت‌های دانش‌آموزان دختر در این شهر اعتراض کردند. فرماندار تاکستان حمله شیمیایی به دبیرستان دخترانه «یاس نبی» تاکستان در روز شنبه ۲۶ فروردین سال ۱۴۰۲ را تکذیب کرده بود و آن را به شیطنت دانش‌آموزان نسبت داده بود. در نامه والدین دانش‌آموزان آمده است: «اگر مسمومیت با گاز شیمیایی را تکذیب می‌کنید پس توضیح دهید بنا بر چه دلیلی فرزندان ما دچار بی‌حالی، سردرد، سرفه و تنگی نفس شده و به بیمارستان منتقل شده‌اند؟ چه بلایی باید بر سر فرزندان ما بیاید تا شما به نتیجه قطعی برسید که دانش‌آموزان با گاز

دانشگاه «مک‌گیل» کانادا به همکاری تحقیقاتی با دانشگاه یهودستیز در ایران پایان داد



دانشگاه «مک‌گیل» در مونترال کانادا

خطی علوم مختلف اسلامی را پشتیبانی کرده است.»
دانشگاه «مک‌گیل» و مؤسسه مطالعات اسلامی آن از پاسخگویی به سؤالات در مورد زمان پایان همکاری با دانشگاه تهران خودداری کرده است. در ماه مارس، نگارنده و دکتر چارلز اش اسمال مدیر اجرایی مؤسسه مطالعات یهودستیزی و سیاست جهانی (ISGAP)، مقاله‌ای با عنوان «ارتباطات عمیق دانشگاه مک‌گیل با رژیم جنایتکار ایران» در روزنامه کانادایی «نشانی پست» منتشر کردند ولی مشخص نیست که آیا این مقاله نقشی در قطع روابط «مک‌گیل» با دانشگاه تهران داشته است یا نه.

دانشگاه تهران سابقه طولانی در ترویج مرگبار یهودستیزی و همکاری با تروریست‌های تحت تعقیب ایالات متحده دارد. خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بیانیه‌ای از اساتید بسجی دانشگاه تهران منتشر کرده که در آن اعلام شده است آنها برای «نابودی رژیم منحوس صهیونیستی» هر کاری که ممکن است انجام خواهند داد. دولت آمریکا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و زیرمجموعه آن «بسج» را به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی طبقه‌بندی کرده است.

مؤسسه مطالعات اسلامی «مک‌گیل» بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ از بنیاد علوی، موسسه تحت کنترل رژیم ایران مستقر در ایالات متحده، مبلغ ۲۷۰ هزار دلار دریافت کرده است. دولت آمریکا ساختمان بنیاد علوی را به دلیل نقش آن در مقابله با تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ضبط کرده است.

بخش مطالعات اسلامی دانشگاه «مک‌گیل» در سال ۲۰۰۶ به محمدجعفر محلاتی مدرک دکترا اعطا کرد. سازمان عفو بین‌الملل محلاتی را متهم کرده است که در سال ۱۹۸۸ و در حین خدمت در مقام سفیر رژیم جمهوری اسلامی در سازمان ملل، بر جنایت علیه بشریت توسط این رژیم سرپوش گذاشته است. در سال ۱۹۸۸، حاکمان جمهوری اسلامی ۵۰۰۰ زندانی سیاسی را اعدام کردند. محلاتی با ایمیلی به اورشلیم پست در سال ۲۰۲۰، اتهامات عفو بین‌الملل را رد کرده است.

علیرضا نادر مدیر «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) مستقر در ایالات متحده، به اورشلیم پست گفت: «جمهوری اسلامی به شکل قابل توجهی در دانشگاه‌های غرب و آمریکا نفوذ کرده و این امر مستلزم بررسی است. عملیات نفوذ و لابیگری رژیم به‌ویژه در کانادا قوی است و ممکن است بر سیاست‌های اتاوا در قبال جمهوری اسلامی تأثیر گذاشته باشد.»

علیه سلمان رشدی نویسنده انگلیسی هندی تبار که در اوت ۲۰۲۲ در شمال نیویورک روی داد، حمایت کرده است. این حمله تروریستی توسط هادی مطر که حامی رژیم جمهوری اسلامی است، صورت گرفت. بنیانگذار جمهوری اسلامی در ایران، آیت‌الله روح‌الله خمینی، در سال ۱۹۸۸ پس از انتشار کتاب «آیات شیطانی» از سلمان رشدی، فتوای قتل این نویسنده را به بهانه بی‌احترامی و توهین به اسلام صادر کرد.

پژوهشکده رسانه خاورمیانه «MEMRI» مصاحبه صداوسیما جمهوری اسلامی با کوشکی را که وی در آن از فتوای قتل رشدی دفاع و خاطرنشان می‌کند که خمینی «در آن زمان این فتوای خردمندانه را صادر کرد تا دیگر چنین اتفاقی تکرار نشود»، ترجمه کرده است. کوشکی همچنین گفت که رشدی «مردی متحرک بیش نبود».

در وبسایت مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه «مک‌گیل» بخشی به «واحد تهران» اختصاص داده شده است. تاریخ ثبت متن ۳ آوریل ۲۰۲۳ است. در این صفحه نوشته شده: «واحد تهران که ابتدا توسط مک‌گیل تأسیس شد، قبل از تأمین مکان مناسب و تخصیص بودجه سالانه از دانشگاه تهران، در دوره‌ای با مشکلات مالی مواجه شد... مؤسسه مطالعات اسلامی مک‌گیل به ارتباط چهل و چهار ساله آن با واحد تهران و فعالیت‌های پژوهشی آن افتخار می‌کند.» اورشلیم پست از اواخر فوریه ۲۰۲۲ به منظور شفاف ساختن روابط «مک‌گیل» و دانشگاه تهران، پرسش‌های مطبوعاتی متعددی را به دانشگاه «مک‌گیل» و مؤسسه مطالعات اسلامی آن ارسال کرده بود. «مک‌گیل» و مؤسسه مطالعات اسلامی هر دو در یک دوره ۱۳ ماهه از پاسخگویی به پرسش‌های رسانه‌ها خودداری کردند. همچنین این دانشگاه هیچ دلیلی برای غیرفعال کردن برنامه تحقیقاتی با دانشگاه تهران ارائه نکرد.

در دوره همکاری «مک‌گیل» با دانشگاه تهران، این مؤسسه آکادمیک تحت کنترل رژیم ایران به ترویج ایده نابودی اسرائیل می‌پرداخت. خبرگزاری بین‌المللی «قرآن» از کنفرانسی در دانشگاه تهران با عنوان «ظهور اسلام، نابودی اسرائیل» در سال ۲۰۰۸ نوشته است.

حالا دانشگاه «مک‌گیل» در ایمیل روز چهارشنبه خود به اورشلیم پست نوشته است: «مؤسسه مطالعات اسلامی مک‌گیل واحد تهران بیش از پنجاه سال پیش تأسیس شد. تمرکز این مؤسسه بر فعالیت‌های پژوهشی با تأکید بر بازیابی و مطالعه متون تاریخی فارسی بوده و مجموعه‌ای از منابع مرجع از جمله برخی از مهم‌ترین کتب و نسخ

دفت‌روابط رسانه‌ای دانشگاه «مک‌گیل» روز چهارشنبه در ایمیلی به اورشلیم پست نوشت: «در حال حاضر هیچ برنامه پژوهشی فعالی با دانشگاه تهران وجود نداشته و مک‌گیل هیچگونه قرارداد رسمی همکاری با دانشگاه تهران ندارد.»
علیرضا نادر مدیر «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) مستقر در ایالات متحده، به اورشلیم پست گفت: «جمهوری اسلامی به شکل قابل توجهی در دانشگاه‌های غرب و آمریکا نفوذ کرده و این امر مستلزم بررسی است. عملیات نفوذ و لابیگری رژیم به‌ویژه در کانادا قوی است و ممکن است بر سیاست‌های اتاوا در قبال جمهوری اسلامی تأثیر گذاشته باشد.»

بنجامین وینتال (اورشلیم پست) - دانشگاه تهران حامی جریانی یهودستیز است که اسرائیل را هدف قرار می‌دهد و حتی یکی از استادان دانشکده حقوق این دانشگاه از فتوای رهبر جمهوری اسلامی برای قتل سلمان رشدی دفاع می‌کند. در همین ارتباط روزنامه اورشلیم پست خبر داده است که دانشگاه «مک‌گیل» در مونترال کانادا به همکاری تحقیقاتی خود با یکی از یهودستیزترین مؤسسات آموزشی جهان، دانشگاه تهران، پایان داده است.

دفت‌روابط رسانه‌ای دانشگاه «مک‌گیل» روز چهارشنبه در ایمیلی به اورشلیم پست نوشت: «در حال حاضر هیچ برنامه پژوهشی فعالی با دانشگاه تهران وجود نداشته و مک‌گیل هیچگونه قرارداد رسمی همکاری با دانشگاه تهران ندارد.»
به گفته سازمان عفو بین‌الملل، رژیم ایران نیلوفر بیانی فارغ‌التحصیل دانشگاه «مک‌گیل» و از فعالان مدنی حامی حیات وحش را بر اساس اتهام واهی جاسوسی به پنج سال حبس محکوم کرده است.

«جایی برای رژیم صهیونیستی نخواهد بود»
حجت‌الاسلام محمدجواد حاج علی اکبری آخوند حکومتی در «روز قدس» سال ۲۰۲۲ در محوطه دانشگاه تهران اعلام کرد: «رژیم صهیونیستی جایی در آینده جهان نخواهد داشت.»
«روز قدس» آخرین جمعه ماه رمضان است که از سوی روح‌الله خمینی پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران، به عنوان روز مبارزه با اسرائیل و نابودی این کشور اعلام شده است و هر سال نه تنها در شهرهای مختلف ایران راهپیمایی‌های حکومتی برگزار می‌شود بلکه در برخی شهرهای دیگر جهان از جمله در قلب اروپا نیز در این روز از سوی اسلامگرایان تظاهراتی برپا می‌شود.
محمدصادق کوشکی استاد دانشگاه تهران از سوء قصد

با خاورمیانه را بررسی و در آن «بازنگری» می‌کند. نشست وزرای خارجه GV شامل آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان، ایتالیا، ژاپن و کانادا از ۲۶ تا ۲۸ فروردین ماه در ژاپن برگزار خواهد شد.

یک منبع دیپلماتیک به رویترز گفته است خاورمیانه وارد «تحولات جدی» شده که شامل برنامه‌های امنی جمهوری اسلامی و همچنین تغییر موازنه قدرت ژئوپلیتیک در منطقه پس از توافق ایران و عربستان با میانجیگری چین می‌شود. در شرایطی که غربی‌ها نگران تحولات خاورمیانه‌اند منتقدان دولت جو بایدن در داخل آمریکا وی را متهم به ضعف در مقابل چین و جمهوری اسلامی می‌کنند. استناد آنها به افزایش حملات موشکی و راکتی سپاه پاسداران و گروه‌های شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی به

رویترز: غربی‌ها نگران افزایش نفوذ چین و تحركات هسته‌ای روسیه‌اند؛ «گروه هفت» استراتژی خود در خاورمیانه را «بازنگری» می‌کند



نشست وزرای خارجه «گروه هفت» در آلمان / آوریل ۲۰۲۲

منافع آمریکا و متحدانش در منطقه و عدم پاسخ قاطع از سوی آمریکا است.

خبرگزاری «آسوشیتدپرس» می‌نویسد تهدید روسیه برای حمله امنی به اوکراین، تهدیدات چین برای تایوان و آزمایش موشکی بی‌سابقه کره شمالی محور گفتگوی دیپلمات‌ها در نشست «گروه هفت» در شهر کارویزاوا در ژاپن است که چشمه‌های آب گرم آن مشهور است.

برخی بر این باورند که با تضعیف سازمان ملل به علت ناسازگاری روسیه و چین در شورای امنیت، مجامع جهانی مانند GV اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. اما تردید قابل توجه آن است که دیپلمات‌های دموکراسی‌های غربی حتا برای تأثیرگذاری بر حکومت‌های خودکامه که با هر ابزاری از جمله خشونت و جنگ به دنبال دستیابی به منافع خودشان هستند راهی پیدا نکرده‌اند چه برسد به متوقف کردن آنها.

علاوه بر کانون‌های جهانی، انتظار می‌رود وزرای خارجه GV و اتحادیه اروپا درباره راه‌های بهبود حقوق بشر و دموکراسی و همچنین مسائل مهم برای کشورهای فقیرتر بحث کنند. تحلیلگران معتقدند تمرکز گسترده بر مسائل هسته‌ای از اصلی‌ترین محورهای گفتگو در نشست «گروه هفت» خواهد بود. ضمن اینکه بعید نیست ولادیمیر پوتین با ناامیدی از شکست در اوکراین از یک سلاح هسته‌ای تاکتیکی برای پیروزی در جنگ استفاده کند و رسیدگی به این موضوع است که فوریت دارد.

چین به عنوان یکی از معدود کشورهایی تلقی می‌شود که ممکن است بر تحركات روسیه در اوکراین تأثیر بگذارد و همسویی سیاست خارجی بین دو بزرگترین حکومت‌های خودکامه جهان تمرکز اصلی نشست در شهر کارویزاوا خواهد بود.

● یک منبع دیپلماتیک غربی به خبرگزاری رویترز می‌گوید توافق جمهوری اسلامی و عربستان سعودی با میانجیگری چین، غافلگیری آمریکا و متحدان اروپایی واشنگتن را به همراه داشته است.

● یک منبع دیپلماتیک به رویترز گفته است خاورمیانه وارد «تحولات جدی» شده که شامل برنامه‌های امنی جمهوری اسلامی و همچنین تغییر موازنه قدرت ژئوپلیتیک در منطقه پس از توافق ایران و عربستان با میانجیگری چین می‌شود.

● آسوشیتدپرس می‌نویسد تحلیلگران معتقدند تمرکز گسترده بر مسائل هسته‌ای از اصلی‌ترین محورهای گفتگو در نشست «گروه هفت» خواهد بود. ضمن اینکه بعید نیست ولادیمیر پوتین با ناامیدی از شکست در اوکراین از یک سلاح هسته‌ای تاکتیکی برای پیروزی در جنگ استفاده کند و رسیدگی به این موضوع است که فوریت دارد.

یک منبع دیپلماتیک غربی به خبرگزاری رویترز می‌گوید توافق جمهوری اسلامی و عربستان سعودی با میانجیگری چین، غافلگیری آمریکا و متحدان اروپایی واشنگتن را به همراه داشته است.

بسیاری تحلیلگران معتقدند افزایش نفوذ چین در خاورمیانه منابع آمریکا در منطقه را تهدید کرده و توازن امنیتی و اقتصادی را به ضرر ایالات متحده و متحدان آن بهم می‌زند. نگرانی‌ها از «تغییرات اساسی» در وضعیت خاورمیانه، وزیران خارجه کشورهای «گروه هفت» را به بحث در مورد کاهش نفوذ غرب در خاورمیانه سوق داده است. رویترز ۱۳ آوریل (۲۴ فروردین) گزارش داد که گروه هفت در نشست هفته آینده خود در ژاپن، استراتژی خود در ارتباط

→ کانادا تا کنون از قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی خارجی خودداری کرده است.

شینا وجودی دانشیار «موسسه گلد برای استراتژی بین‌الملل» به اورشلیم پست می‌گوید: «اگر طبق اعلام دفتر ارتباطات رسانه‌های مک‌گیل، همکاری رسمی و فعالی بین جمهوری اسلامی و دانشگاه مک‌گیل وجود نداشته باشد، باید به صورت عمومی اعلام شود. این اقدامی درست است، زیرا دانشگاه‌های جمهوری اسلامی هرگز به ادیان دیگر احترام نمی‌گذارند و نسبت به آنها تبعیض قائل می‌شوند. و البته راهپیمایی یهودستیزانه قدس هرگز در دانشگاه‌های زیر نظر جمهوری اسلامی متوقف نخواهد شد.»

وی افزود: «در هر دانشگاهی در ایران بخش‌های امنیتی وجود دارد که با سازمان اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات رژیم همکاری کرده و به آنها کمک می‌کنند تا دانشجویان شرکت کننده در تظاهرات و آنها را که از اسلام برگشته و تغییر دین داده‌اند و همچنین فعالان سیاسی دانشجویی را شناسایی کنند.»

شینا وجودی که به دلیل آزار و شکنجه در ایران به آلمان گریخته، می‌گوید: «موضوع مهم دیگری که باید مورد توجه دانشگاه مک‌گیل قرار گیرد این است که نمایندگان مجلس کانادا به قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که تقریباً تمامی دانشگاه‌های ایران را در اختیار دارد، در لیست سازمان‌های تروریستی رأی داده‌اند. این همکاری چیزی شبیه همکاری با دانشگاه‌های تحت کنترل طالبان است. مهم نیست که دانشگاه مک‌گیل قبل از انقلاب اسلامی همکاری خود را با ایران آغاز کرده است. تنها امر مهم این است که رژیم حاکم بر ایران رژیمی جنایتکار است و به نظر من دانشگاه‌ها نباید محلی برای عادی ساختن یک رژیم دیکتاتوری دینی در جهان باشند.»

دانشگاه مک‌گیل سال‌ها درگیر یکسری رسوایی‌های یهودستیزانه بوده است. در اواخر ماه مارس، سازمان کانادایی «آنست ریپورتینگ» نوشت: «در تاریخ ۸ مارس، کلمر فرانکل یک دانشجوی یهودی در دانشگاه مک‌گیل و یکی از همکاران رسانه‌ای آنست ریپورتینگ، مقاله‌ای را برای انتشار به روزنامه مک‌گیل تریبون ارسال کرد با عنوان: «مک‌گیل کوئیر فضای امنی برای یهودیان نیست. اما روزنامه دانشگاه این نوشته را رد کرد و در ۲۶ مارس (بیش از دو هفته پس از ارسال مقاله) ادعا کرد که این مقاله با ارزش‌های ما مطابقت ندارد، زیرا «صهیونیسم یک جریان شهرک‌نشین - استعمارگر و یک ایدئولوژی است که پاکسازی قومی فلسطین را تداوم بخشیده است.»

سردبیران روزنامه «مک‌گیل تریبون آپینون»، کلوئه کیچنان و کریم ابوعلی، نامه رد مقاله فرانکل را برای او ارسال کردند.

اورشلیم پست در همین ارتباط نیز یکسری پرسش مطبوعاتی به سردبیران این روزنامه ارسال کرد. در پاسخ به دلیل امتناع این روزنامه از انتشار مقاله فرانکل در مورد یهودستیزی در «مک‌گیل»، این دانشگاه به این رسانه اعلام کرد: «مک‌گیل به شدت تمام اشکال نژادپرستی و تبعیض، از جمله یهودستیزی را محکوم می‌کند. مسئولان دانشگاه بارها به صراحت اعلام کرده‌اند که در مک‌گیل برای رفتار، نگرش یا گفتمان تبعیض‌آمیز، که با اصول اصلی ما مغایرت دارد، جایی وجود ندارد.»

*منبع: اورشلیم پست

*نویسنده: بنیامین وینتال

*ترجمه و تنظیم: لادن بازرگان



تکرار عادت به نام سیاست

● فروردین ۱۴۰۲ همزمان با انقلاب ملی: «تکرار»ی که در این مطالب سال‌های پیش از ۹۶ مطرح شده بود، از آن زمان تحت پوشش‌های دیگری از جمله «اعتدالگرایی» و «تحولخواهی» و «جمهوری دوم» و همچنین دوباره به تازگی با علم کردن «مشروطه» ساختن ولایت فقیه با عناوینی مانند «حکمرانی جدید» و «بازسازی حکمرانی» و... همچنان «تکرار» می‌شود! نبرد، همان نبرد قدیمی است: مشروعه علیه مشروطه، جمهوری اسلامی علیه ایران و برعکس!

● اکنون که انقلاب ملی از درون دود و دم ابهامات و انحرافات که چهار دهه به خورد مردم داده شد، شکل و شمایل شاخص و روشنی یافته است، تمام مدافعان انقلاب ارتجاعی ۵۷ و نیروهایی که با وجود نقد و اختلاف با جمهوری اسلامی اما به دنبال رژیم‌های عقیدتی خودشان هستند، نوک پیکان خود را به سوی ملی‌گرایان میهن‌دوست اعم از طرفداران پادشاهی و جمهوری و چپ و راست گرفته‌اند و به تکرار بلاهت‌های خود در نفی دستاوردهای تاریخ معاصر ایران به پشتوانه انقلاب مشروطه و پهلوی می‌پردازند. تکرار، همان تکرار است؛ فقط به جامه دیگری درآمده آنهم در حالی که جامعه در یک زندگی موازی، سال‌هاست خطوط قرمز نظام جمهوری اسلامی را یکی یکی زیر پا می‌گذارد.

● فروردین ۱۳۹۲ همزمان با مقدمات «نرمش قهرمانانه» و روی کار آوردن دولت حسن روحانی جهت رسیدن به توافق اتمی: «تکرار عادت»، این بیماری مزمن جامعه سیاسی ایران به سرکردگی برخی «روشنفکرانش» باز عود کرده است آنهم در حالی که شرایط انجام عملی به نام «انتخابات» در جمهوری اسلامی تا کنون تغییری نکرده است که برخی، که از اطلاق عنوان «بلاهت» بر تکرار عمل‌شان دلخور می‌شوند، انتظار بروز نتیجه‌ای متفاوت را دارند! برای درک این واقعیت لازم نیست ضریب هوشی بالا داشت ولی برای عدم درک آن، ضریب منافع نقشی تعیین کننده بازی می‌کند!

الاهه بقراط - مقدمه برای بازنشر: این مطلب در فروردین ۱۳۹۲ که دولت دوم احمدی نژاد به پایان می‌رسید و حکومت می‌رفت تا با «نرمش قهرمانانه» و در پروژه‌ای سازمانیافته دولت حسن روحانی و کلید معروف‌اش را با هدف رسیدن به توافق اتمی روی کار بیاورد، با ارجاع به مطلبی که شش سال پیش از آن (۱۳۸۶) با عنوان «سال‌های موش صحرایی» تنظیم شده بود، در کیهان لندن منتشر شد. با تجربه‌ی دولت روحانی و اینکه «برجام» نیز بهبودی در زندگی مردم به وجود نمی‌آورد، تنها چند ماه پس از روی کار آمدن دولت دوم روحانی، از پاییز ۱۳۹۶ اعتراضاتی سراسری در جامعه شروع شد که با شعارهای معروف خود به یکی از نقاط عطف جنبش آزادیخواهی علیه جمهوری اسلامی تبدیل گشت.



ابراهیم رئیسی و حسن روحانی و حسن خمینی در مراسم تنفیذ سیدابراهیم رئیسی؛ ۳ مرداد ۱۴۰۰

به نیمه رسیده بود و رژیم برای «انتخابات» هشتمین دوره مجلس اسلامی بازارگرمی می‌کرد، من تلاش کردم نظر خود را درباره «تکرار عادت» به مثابه بیماری مزمن و مهلک جامعه سیاسی ایران در مقاله‌ای زیر عنوان «سال‌های موش صحرایی» مستند سازم.

اینک دور دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد نیز به پایان می‌رسد. اوضاع از همه نظر و به اعتراف همگان بدتر شده که بهتر نشده است. بیماری مزمن جامعه سیاسی ایران به سرکردگی برخی «روشنفکرانش» که غیروطنی‌هایش نیز به شدت دینی هستند، باز عود کرده است. در پاسخ به «تکرار عادت» آنها من بخش‌هایی از آن مقاله را که گویی برای این شرایط «نیز» نوشته شده است، در اینجا «تکرار» می‌کنم تا از این زاویه نیز ثابت شود که شرایط انجام عملی به نام «انتخابات» در جمهوری اسلامی تا کنون تغییری نکرده است که برخی، که از اطلاق عنوان «بلاهت» بر تکرار عمل‌شان دلخور می‌شوند، انتظار بروز نتیجه‌ای متفاوت را دارند! مگر اینکه همه تلاش‌ها به کار گرفته شود تا در این شرایط ثابت که سال‌هاست تکرار می‌شود، تغییری به وجود آید.

نخست بندهایی از مقاله شش سال پیش [۲۰۰۷] را بخوانیم:

«آیا فیلم «روز موش صحرایی» را دیده‌اید؟ شاید در ایران نیز مانند آلمان بجای Gruondhog Day نام دیگری بر این فیلم (۱۹۹۳) که برنده چندین جایزه شده گذاشته باشند. موضوع فیلم از یک جشن محلی گرفته شده است. دوم فوریه هر سال به نام روز موش صحرایی در برخی مناطق کانادا و آمریکا جشن گرفته می‌شود. بنا بر یک سنت نه چندان دیرینه در این روز ادامه فصل زمستان و ←

«تکرار»ی که در این مطالب سال‌های پیش از ۹۶ مطرح شده بود، از آن زمان تحت پوشش‌های دیگری از جمله «اعتدالگرایی» و «تحولخواهی» و «جمهوری دوم» و همچنین دوباره به تازگی با علم کردن «مشروطه» ساختن ولایت فقیه با عناوینی مانند «حکمرانی جدید» و «بازسازی حکمرانی» و... همچنان «تکرار» می‌شود!

نبرد، همان نبرد قدیمی است: مشروعه علیه مشروطه، جمهوری اسلامی علیه ایران و برعکس!

اکنون که پس از کشتار آبان ۹۸ و شلیک موشکی به هواپیمای مسافربری و تحریم انتخاباتی ۱۴۰۰ شمار آرای باطله از اصلاح‌طلبان و تحولخواهان بیشتر شده و انقلاب ملی از درون دود و دم ابهامات و انحرافات که چهار دهه به خورد مردم داده شد، شکل و شمایل شاخص و روشنی یافته است، تمام مدافعان انقلاب ارتجاعی ۵۷ و نیروهایی که با وجود نقد و اختلاف با جمهوری اسلامی اما به دنبال رژیم‌های عقیدتی خودشان هستند، نوک پیکان خود را به سوی ملی‌گرایان میهن‌دوست اعم از طرفداران پادشاهی و جمهوری و چپ و راست گرفته‌اند و به تکرار بلاهت‌های خود در نفی دستاوردهای تاریخ معاصر ایران به پشتوانه انقلاب مشروطه و پهلوی می‌پردازند. تکرار، همان تکرار است؛ فقط به جامه دیگری درآمده آنهم در حالی که جامعه در یک زندگی موازی، سال‌هاست خطوط قرمز نظام جمهوری اسلامی را یکی یکی زیر پا می‌گذارد.

[۲۶ فروردین ۱۴۰۲]

در نخستین روزهای ژانویه سال ۲۰۰۷ (دی ۸۶) هنگامی که دور نخست ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد تازه

Boloh مشاوران سازمان کمک دهنده
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:
۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵
تماس بگیرید.



Believe in children
Barnardo's

آیا نارضایتی‌های عمومی و وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی و در واقع «موج‌سواری آزاد و رقابتی» درون قبيله حاکم را می‌توان به حساب تغییرات لازم برای برگزاری یک «انتخابات آزاد» گذاشت؟

سال‌های گذشته تکرار شده و در ده سال اخیر دامنه‌ای یافته است که حتی کسانی که اساسا با یک حکومت دینی و دخالت دین در حکومت مخالفند، چشم و گوش خود را بر روی تفکر، پیشینه و عملکرد مبلغان این نوع انتخابات

→ رسیدن فصل گرما پیشگویی می‌شود. آنهم به این ترتیب که مردم محل در یک جشن، یک موش صحرایی بیچاره را که به خواب زمستانی فرو رفته از لانه‌اش بیرون می‌کشند تا او به آنها بگوید زمستان کی به پایان خواهد



اصلا این «اپوزیسیون قانونی» که تا کنون بزدلانه در هر شرایطی در رأی‌گیری‌ها شرکت کرده است با کدام برنامه، با کدام ابزار می‌خواهد بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی داخلی و خارجی غلبه کند؟

مجلس اسلامی‌اش چگونه می‌خواهد ابتدا با دولتی که آن را «پادگانی» و «طالبانی» نامیده و سپس با مقامات و مسئولان محلی و کشوری که در دو سال گذشته از بنیاد تعویض شده‌اند، کار کند؟

آیا قرار است آنها باز تعویض شوند؟ در این صورت از همین حالا آنها برای اینکه این تعویض صورت نگیرد، تمام نیروی خود را بسیج کرده‌اند و یا در صورت شکست، باید شاهد یک تعویض سراسری دیگر در سطح مقامات و مسئولان بود و این نه انتخابات بلکه فرسایش دوره‌ای کشور است که کارشناسان کار مفید روزانه دولتی را در آن در بهترین شرایط جمهوری اسلامی تنها هفت دقیقه اعلام کرده‌اند... برای درک این واقعیات لازم نیست ضریب هوشی بالا داشت. ولی برای عدم درک آن، ضریب منافع نقشی تعیین کننده بازی می‌کنند!

و به راستی نیز بر اینهمه چه می‌توان افزود جز آنکه در این سال‌های موش صحرایی که خواب زمستانی را پایانی نیست، باز به قول صادق سرمد باید خواند: «ابلهان تکرار عادت می‌کنند/ در گمان خود عبادت می‌کنند». [پایان نقل قول از مطلب سال ۲۰۰۷]

تا اینجا، همه‌اش بندهایی از مقاله شش سال پیش [۲۰۰۷] بود! می‌بینید، عادت «انتخاباتی» و عادت «اھی» چگونه سال‌هاست تکرار می‌شود؟ حال باید دید کسانی که برای ساختن «حماسه سیاسی» به میدان خواهند آمد به خاطر مردم است یا برای «رهبر» و علیه «تیم احمدی نژاد»؟! تیمی که به نسبت هشت سال پیش و چهار سال پیش قطعا ضعیف‌تر نشده است، و رهبری که هرگز تا این اندازه درمانده نبوده است که مجبور شود دست به دامان اصلاح‌طلبان شود! و مردمی که خسته از هر سه دار و دسته، کاش آنقدر متشکل و هوشیار می‌بودند که بتوانند از این «انتخابات» فرصتی برای خود بسازند.

*مقاله «سال‌های موش صحرایی» سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۶) در کیهان لندن منتشر شده بود و «تکرار عادت به نام سیاست» در ۳ آوریل ۲۰۱۳ (فروردین ۹۲) در همین رسانه منتشر شد.

(مانند رفسنجانی و خاچی) می‌بندند و می‌خواهند این دو نفر رأی‌گیری مجلس اسلامی هشتم را با دولتی که ظاهرا با آن مخالفت می‌ورزند (و همین دولت مسئول برگزاری رأی‌گیریست) این مراسم را برایشان چنان «آزاد» برگزار کنند که نه تنها احمدی نژاد و دولت و همه آنهايي که وی را بر مسند ریاست جمهوری نشانده‌اند، بلکه اصلا جمهوری اسلامی با آن «انتخابات» پی کارش برود!

بعد از مدتی معلوم می‌شود اگر این «انتخابات» آزاد «نسبتا» هم آزاد باشد، قبول است! بعد هم بدون آنکه آن بیست اصل برگزاری انتخابات آزاد را به روی خود بیاورند «به نام خدا» اعلامیه می‌دهند و نسبت به «سلامت انتخابات» و اینکه مبدا برخی نامزدهای «احزاب موجود» رد صلاحیت شوند اظهار نگرانی می‌کنند! صلاحیت کدام نامزدها و توسط کدام نهاد ممکن است رد شود؟! مگر «کمیته انتخابات آزاد» [که از سوی «اصلاح‌طلبان» تشکیل شده بود] آزادی احزاب سیاسی و رد نظریه استصوابی را جزو اصول خود برای برگزاری یک انتخابات آزاد قرار نداده بود؟! پس دیگر چه جای سخن و نگرانی از عدم «سلامت» و رد صلاحیت در یک «انتخابات آزاد» است؟!

باری، وقتی در روزهای موش صحرایی هر بار ساعت شش صبح با تکرار اخبار برنامه اھی و انتخابات آزاد بیدار شدید، سری هم به تکرارهای قبلی بزنید تا ببینید نه این رقابتي که دو سه سال است مجلس و قوه قضاییه و ریاست جمهوری را همراه با جایجایی‌های گسترده در سطوح محلی و کشوری قرق کرده‌اند آمده‌اند که به این آسانی بروند و نه آن رقابتي که برخی به آنها دخیل بسته‌اند از آن موش‌هایی هستند که از سوراخ حکومت اسلامی خود که سال‌هاست زیر پتوی گرم و نرم قانون اساسی آن م داده و به رؤیای زمستانی ۲۲ بهمن فرو رفته‌اند، بیرون بیایند.

تکرار بلاهت

حال باید دید چه تغییرات مثبتی در ساختار و ساز و کار جمهوری اسلامی و «شرایط کشور» پدید آمده که امید برخی را نسبت به «انتخابات آزاد» یا «نسبتا آزاد» بارور کرده است؟

حجت‌الاسلام محمد خاچی رییس جمهوری اسلامی پیشین چه تغییراتی کرده که بتوان وی را کمی «خارج» از جمهوری اسلامی در نظر گرفت؟

رسید. اگر هوا آنقدر صاف و آفتابی باشد که موش صحرایی بتواند سایه خود را ببیند، یعنی زمستان شش هفته دیگر ادامه خواهد داشت، وگرنه تابستان در راه است.

قهرمان فیلم «روز موش صحرایی» که خبرنگار هواشناسی یک فرستنده تلویزیونی است در چنین روزی ساعت شش صبح از خواب بیدار می‌شود و می‌رود تا از این روز و پیشگویی موش صحرایی گزارش تهیه کند. ولی این روز (دوم فوریه برابر با چهاردهم بهمن) برای وی به یک کابوس تکراری تبدیل می‌شود. او که بر اثر تکرار فکر می‌کند از هر آنچه در این روز اتفاق می‌افتد پیشاپیش با خبر است، تلاش می‌کند از این «آگاهی» به سود خود و برای به دست آوردن پول و موقعیت و سکس استفاده کند. ولی موفق نمی‌شود زیرا درست است که همه چیز تکرار می‌شود و درست است که خبرنگار هواشناسی هر بار آنچه را در تکرار پیشین اشتباه کرده، اینبار انجام نمی‌دهد، لیکن هر تکرار توأم با ناکامی‌های جدیدیست که وی را از رسیدن به اهدافش باز می‌دارد و نهایتا این تکرار به کابوسی تبدیل می‌گردد که نمی‌تواند از آن بیدار شود.

تکرار سیاست

حالا نگاه کنید ما ایرانیان چه اندازه از این تکرارها در زندگی سیاسی جامعه داریم که به زندگی روزمره ما تبدیل شده. می‌گویید نه؟ اگر سحرخیز هستید و به رسانه‌های مختلف دسترسی دارید، آنچه را که نه در زمینه آب و هوای کشور، بلکه در مورد سیاست داخلی و خارجی ایران پیش می‌رود، مرور کنید. خیلی زود متوجه می‌شوید نه روز دوم فوریه، بلکه هر روز برای ایرانیان روز موش صحرایی است و تحلیلگران و مفسران و دولتمردان و سیاستمداران در ایران و جهان به زبان‌های مختلف مشغول پیشگویی مسائلی مانند آینده برنامه اھی و به راه افتادن نیروگاه بوشهر و همچنین «انتخابات سالم و آزاد» هستند.

مثلا این خبر را همین امروز مانند یک خبر دست اول که تیتیر همه خبرگزاری‌های فارسی‌زبان داخل و خارج است می‌خوانید: «ایران پیشنهاد توقف غنی‌سازی اورانیوم را رد کرد». در سال‌های گذشته تا کنون چند بار این خبر «دست اول» را خوانده‌اید؟ یا «انتخابات سالم و آزاد» را در نظر بگیرید که هر بار با قیود و صفاتی مانند «نسبتا» آزاد یا «رقابتی» و سالم یا نه تنها «پرشور» بلکه «فعال» در تمام

اعتبار قراردادهای جمهوری اسلامی با کشورهای دیگر از جمله روسیه و چین

بخش دو: اعتبار قراردادها بر اساس منشور ملل متحد



نظارت داشته است. حال معلوم نیست که چگونه این قاعده می‌تواند در مورد قراردادهای بین‌المللی قابل اعمال باشد. پنجمین دلیل این است که قراردادهای پنهان اساساً به عنوان ابزارهایی هستند که از طریق آن دولت‌ها تعهدات بین‌المللی خود را در مورد اصول و قواعد بین‌المللی نادیده می‌انگارند. حال، به عنوان مثال، شرایطی را در نظر بگیریم که به موجب آن دولتی خودکامه برای رسیدن به اهداف جاه‌طلبانه و ماجراجویی‌های خارجی خود، قراردادهای پنهانی را با متحدان خود منعقد می‌کند که در جهت مخالف به عنوان مثال، تعیین سرنوشت مردم خود، و یا ممنوعیت مداخله در امور دیگران (لبنان، عراق، افغانستان)، یا تهدید دیگران به نابودی (اسرائیل، آمریکا، عربستان تا همین روزهای اخیر) باشد.

پرسشی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که آیا با سپری شدن عمر خودکامگی و رسیدن مردم به فضایی دموکراتیک آیا می‌توان اعتبار قراردادهای پنهان را به چالش کشید؟ این پرسش همچنان بر حضور خود در فضای ایران امروز برای وطن‌دوستان مطرح است که آیا آشکار ساختن آن قراردادها در ایران آزاد و دموکراتیک چه سرنوشتی خواهد داشت؟ در این ارتباط مناسب است توضیح داده شود که صرف عدم ثبت یک معاهده در نزد دبیرخانه ملل متحد ضرورتاً به معنی تقابل آن با اصول حقوق بین‌الملل و یا تقابل با ارزش‌های جامعه بین‌المللی نیست. اما این نگرانی همچنان پابرجا خواهد بود که اگر معاهده بر اساس حق حاکمیت برابری کشورها و در راستای منافع ملی آنها و حقوق مردم‌شان تنظیم شده، چرا باید پنهان باقی بماند؟! در اینجا همچنان این نگرانی وجود دارد که اینگونه معاهدات یا در شرایط فراتر - فروتر انعقاد یافته و یا اینکه تهدیدی علیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشند. چند مثال بهتر می‌تواند نقش مخرب اینگونه قراردادها را برای جامعه بین‌المللی

زمینه‌های ابطال آنها را فراهم آورند؟ در بخش نخست به فرآیند و شکل قراردادها پرداخته شد. در این بخش به اعتبار این نوع قراردادها بر اساس منشور ملل متحد نگاهی می‌اندازیم.

بخش دوم: اعتبار شکلی قراردادهای موجب منشور ملل متحد
صرف نظر از اینکه قراردادها انتشار عمومی داشته باشند و یا پنهان باقی بمانند، به موجب حقوق بین‌الملل معاصر می‌توانند و باید مورد نظارت اصول حقوق بین‌الملل قرار گیرند تا رابطه آنها با منافع جامعه بین‌المللی کاملاً روشن باشد. البته به موجب ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد، همه قراردادهای بین‌المللی باید در نزد دبیرخانه ملل متحد به ثبت برسند تا بتوانند در موارد بروز اختلافات قابل ارجاع به نهادهای بین‌المللی حل دعوی باشند. اما اگر چنین قراردادهایی به ثبت نرسند به این معنی نیست که از دامنه شمول حقوق بین‌الملل خارج می‌شوند.

چند دلیل برای این داعیه وجود دارد: اول اینکه به موجب ماده ۱۰۳ منشور اگر تضادی میان آن قرارداد و اهداف منشور شکل بگیرد، منشور بر این قرارداد مقدم است.

دوم اینکه پنهانی بودن یک قرارداد نمی‌تواند بر آثار حقوقی آن تأثیرگذار باشد به گونه‌ای که اگر کشوری به واسطه آن قرارداد آسیب دیده باشد، می‌تواند در خارج از چارچوب ملل متحد در نزد دادگاه‌ها و دیوان‌ها اقامه دعوی کند. سوم اینکه کشورهای آسیب‌دیده ممکن است برای نقض تعهدات معاهده سری به اقدامات متقابل متوسل شده و به عنوان یک اقدام متقابل علیه دولت دیگر، اجرای تعهدات معاهده سری را به حالت تعلیق درآورند. چهارمین دلیل این است که به موجب حقوق بین‌الملل عرفی، و از دیرباز، قاعده حسن نیت بر اجرای قراردادهای بین‌المللی

● به موجب ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد، همه قراردادهای بین‌المللی باید در نزد دبیرخانه ملل متحد به ثبت برسند تا بتوانند در موارد بروز اختلافات قابل ارجاع به نهادهای بین‌المللی حل دعوی باشند. اما اگر چنین قراردادهایی به ثبت نرسند به این معنی نیست که از دامنه شمول حقوق بین‌الملل خارج می‌شوند.

● آیا با سپری شدن عمر خودکامگی و رسیدن مردم به فضایی دموکراتیک آیا می‌توان اعتبار قراردادهای پنهان را به چالش کشید؟ این پرسش همچنان بر حضور خود در فضای ایران امروز برای وطن‌دوستان مطرح است که آیا آشکار ساختن آن قراردادها در ایران آزاد و دموکراتیک چه سرنوشتی خواهد داشت؟

● صرف عدم ثبت یک معاهده در نزد دبیرخانه ملل متحد ضرورتاً به معنی تقابل آن با اصول حقوق بین‌الملل و یا تقابل با ارزش‌های جامعه بین‌المللی نیست. اما این نگرانی همچنان پابرجا خواهد بود که اگر معاهده بر اساس حق حاکمیت برابری کشورها و در راستای منافع ملی آنها و حقوق مردم‌شان تنظیم شده، چرا باید پنهان باقی بماند؟!

محمود مسائلی - به دنبال انعقاد قراردادهایی میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای چین و روسیه، و چه بسا کشورهای دیگری، آیا پنهان کردن متن قراردادها از نقطه نظر حقوق بین‌الملل اعتبار آنها را مورد سؤال قرار می‌دهد؟ اگر چنین است، آن بی‌اعتباری چگونه و به چه طریق می‌تواند احراز شود؟ اساساً اینگونه قراردادها و معاهدات چه جایگاهی در همکاری‌های مسالمت‌آمیز بین‌المللی برای مقاصد صلح‌آمیز و مبتنی بر عدالت بر اساس حقوق بین‌الملل ایفا می‌کنند؟ مردم ایران چه اقداماتی را در رابطه با برملا ساختن اینگونه معاهدات می‌توانند ایفا کرده و یا

«در صورت تعارض بین تعهدات اعضا ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها بر طبق هر موافقتنامه بین‌المللی دیگر تعهدات آنها به موجب منشور مقدم خواهد بود». البته درک این ماده با دشواری‌هایی همراه است زیرا به درستی روشن نیست که آیا دولت‌های عضو سازمان ملل متحد باید حیطه اعمال این ماده را فقط برای بیان تعهدات منشور ملل متحد در نظر گیرند یا اینکه بطور گسترده‌تری باید قراردادهای خود را در انطباق با تعهداتی که بر اساس ماده ۲۵ منشور در نظر گرفته شده است هماهنگ نماید. ماده ۲۵ تصریح می‌دارد که «اعضای سازمان ملل متحد موافقت می‌کنند که تصمیمات شورای امنیت را مطابق با این منشور بپذیرند و اجرا کنند». در اینجا نکته ظریفی باید مورد توجه قرار گیرد به این معنی که از طریق برقرار ساختن ارتباط میان ماده ۲۵ و ماده ۱۰۳ منشور، این فرض را می‌توان به واقعیت نزدیک ساخت که همیشه و در همه حال باید تضمین‌های کافی برای روشن و صریح بودن قراردادهای معاهدات بین‌المللی وجود داشته باشد تا به اعتبار آن بتوان از برقراری صلح پایدار در جهان اطمینان حاصل نمود. در عین حال چنین رابطه‌ای می‌تواند دستورالعمل تفسیری برای کشورهای جهان برقرار سازد تا بر اساس آن به برتری قوانین سازمان ملل که در واقع در حکم قانون اساسی جهان است نیز تمکین نمایند. علت این امر نیز این است که قوانین سازمان ملل متحد، و به ویژه شورای امنیت، حداقل در تئوری، ضامن صلح بین‌المللی است. هرگاه این قوانین نادیده انگاشته شده و قراردادهای به ثبت دبیرخانه سازمان ملل متحد نرسند، گویی آنها مقاصد برخلاف اهمیت حفاظت از صلح بین‌المللی را دنبال می‌کنند. به همین دلیل می‌توان این استدلال را با کمترین تردیدی پذیرفت که ماده ۱۰۳ انسجام نظام حقوقی بین‌المللی را زیر چتر منشور ملل متحد مورد محافظت قرار می‌دهد.

این ماده در واقع انقلابی در مباحث مرتبط با اعتبار حقوق معاهدات بین‌المللی بود. در اینجا پرسشی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه تعهدات مندرج در منشور ملل متحد که بر اساس حقوق بین‌الملل تحت هیچ شرایطی قابل نقض نیستند، چه مواردی را در بر می‌گیرند. ماده یک منشور ملل متحد با صراحت این تعهدات را توضیح می‌دهد:

الف: حفظ صلح و امنیت بین‌المللی... بر اساس عدالت و حقوق بین‌الملل

ب: توسعه روابط دوستانه در میان ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و استقلال ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی

پ: حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستانه است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان.

[ادامه دارد]

*دکتر محمود مسائلی بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] The Secret Treaty of Dover, 1670

[۲] با وجود همه این توضیحات قراردادهای مخفی همچنان بسته می‌شوند. نگاه کنید به قراردادهای مخفیانه میان آمریکا و پاکستان در رابطه با عملیات آمریکا علیه تروریسم و یا قراردادهای مشابه میان آمریکا و لیبی و همچنین تونس

[۳] The UN GA Res. 33/141, 19 December 1978

نزد این سازمان بزرگ جهانی به ثبت برسانند. اما به دلیل پیچیدگی‌های جامعه بین‌المللی، و ضرورت برقراری نظام نوین هنجاری برای فضای بعد از جنگ جهانی دوم، نکته متفاوتی در این شروط گنجانده شد. به ثبت رساندن و یا عدم آن نزد دبیرخانه ملل متحد مانعی بر سر راه اعتبار حقوقی قرارداد نخواهد بود. در حقیقت دولت‌ها می‌بایست



در مدت غیرمعلومی معاهدات خود را به اطلاع دبیرخانه برسانند. حال ممکن است که این مدت به چندین دهه ادامه پیدا کند. در نتیجه عدم ثبت را نمی‌توان با عدم اعتبار حقوقی معاهده برابر دانست. ولی آنانی که مفاد ماده یادشده را در اسرع وقت دنبال نکنند، نمی‌توانند به ارکان قضایی ملل متحد، یعنی دادگاه دادگستری بین‌المللی، برای حل اختلافات خود مراجعه نمایند. با این اوصاف خودداری از ثبت قرارداد و یا معاهده این گمان بسیار قوی را مطرح می‌سازد که شاید محتوای معاهده با اصول و ارزش‌های بین‌المللی و یا منافع ملی در تضاد باشد. این گمان بسیار نزدیک به یقین است زیرا مجمع عمومی سازمان ملل نیز نسبت به وضعیت اینگونه قراردادهای ابراز نگرانی کرده است. به نظر مجمع عمومی افزایش رو به فزون عدم ثبت معاهدات بین‌المللی (در دوران جنگ سرد) ممکن است تمامیت اهداف مندرج در ماده ۱۰۲ را به خطر اندازد. [۳] پس در قاعده شماره (۱) ۹۷ بار دیگر بر اجرای مفاد ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد تاکید شده است. این تصریحات فرآیندی درباره اعتبار قراردادهای و معاهدات بین‌المللی در تعریف مفهوم قراردادهای در مقاله‌نامه حقوق معاهدات نیز مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. مقاله در تعریف قراردادهای بین‌المللی مکتوب آنها را به رعایت مقررات حقوق بین‌الملل منوط می‌سازد به این معنی که هر نوع قرارداد بین‌المللی ارزش حقوقی خود را از متابعت از اصول حقوقی بین‌المللی، که منشور ملل متحد آنها را تعریف کرده است، به دست می‌آورد. برای مسدود ساختن مسیر قراردادهای پنهانی که از حق حاکمیت کشورها برای دفاع از منافع خود سرچشمه می‌گرفت، و همچنین مشروط ساختن اصل دولت‌محور بودن حقوق بین‌الملل، یک شرط جدید دیگر نیز برای اعتبار معاهدات در نظر گرفته شد. بر اساس ماده ۱۰۳ منشور

→ و منافع ملی کشورهای را که به آنها تن داده‌اند، روشن سازد.

معاهده «دوور» بین انگلستان و فرانسه در سال ۱۶۷۰ در برگزیده محتوایی بود که می‌بایست پنهان باقی بماند. چارلز دوم نه تنها به کلیسای کاتولیک می‌گروید بلکه در جنگ فرانسه علیه هلند به آن کشور کمک نظامی کرده و

در ازای آن بطور مخفیانه مبالغی هنگفت دریافت می‌کرد. [۱] معاهدات پنهانی میان فرانسه و ساردینیا، و نیز ایتالیا و پروس به ترتیب در سال‌های ۱۸۵۹ و یا ۱۸۶۶ در فراهم آوردن زمینه‌های بروز جنگ جهانی اول نقش بسزایی داشتند. معاهده سال ۱۹۱۵ لندن توسط متفقین برای وارد ساختن ایتالیا به جنگ جهانی اول، از موارد مشخص قراردادهای بین‌المللی پنهان با اهداف مبتنی بر جنگ بوده است. برای مقابله با این مشکلات، در جریان معاهده ورسای، که پایان جنگ جهانی اول را رقم زد، ویلسون پیشنهاد کرد که معاهدات پنهانی برای همیشه ممنوع شود و برای این منظور همه قراردادهای بین‌المللی باید تحت نظارت جامعه ملل درآیند. در نتیجه ماده ۱۸ میثاق جامعه ملل این هدف را متحقق ساخت: «هر معاهده بین‌المللی که از این پس توسط اعضای جامعه ملل منعقد شود، باید بلافاصله در دبیرخانه جامعه ثبت و در اسرع وقت انتشار یابد. هیچیک از این معاهدات بین‌المللی تا زمانی که به ثبت نرسند نمی‌توانند قدرت اجرایی داشته باشند». در حقیقت معاهدات بین‌المللی مادامی اعتبار خواهند داشت که به شکلی کاملاً شفاف به اطلاع جامعه بین‌المللی برسند.

با تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ این معیار اعتبار معاهدات بین‌المللی در منشور ملل متحد با بنای متفاوت تبلور یافت. ماده ۱۰۲ منشور فراخوانی داوطلبانه بود برای اینکه: اولاً هر عهدنامه و هر موافقتنامه بین‌المللی باید هر چه زودتر در دبیرخانه ثبت و توسط آن انتشار یابد؛

ثانیاً هیچیک از طرفین هر عهدنامه یا موافقتنامه بین‌المللی که طبق مقررات بند اول این ماده به ثبت نرسیده باشد نمی‌توانند در مقابل ارکان ملل متحد به آن عهدنامه استناد جویند. [۲] تا اینجا روال کار طبق همان معیارهای جامعه ملل پیش رفت. یعنی اینکه کشورها می‌بایست قراردادهای خود را در

کاهش حکم متهمان پرونده «اتوبان کرج»؛ محمد مهدی کرمی و محمد (کیان) حسینی قربانی چوبه دار هراس افکنی جمهوری اسلامی



دادگاه «اتوبان کرج» با موضوع قتل روح‌الله عجمیان

به پرونده، عنوان اتهامی ۳ نفر از متهمان به نام‌های بهرام علی کناری، جواد زرگران و رضا شاکر زوردهی از افساد فی الارض به اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام تغییر پیدا کرد. با توجه به اینکه بلافاصله پس از ابلاغ عفو مقام معظم رهبری تمام متهمان پرونده به صورت کتبی ابراز ندامت کرده و تعهد به عدم تکرار جرایم مشابه دادند، با توجه به نوع و عنوان اتهام، این ۳ متهم مشمول عفو رهبری شده و قرار موقوفی تعقیب در مورد آن‌ها صادر و امروز آزاد شدند.

رئیس کل دادگستری استان البرز با اشاره به اجرای حکم اعدام محمد حسینی و محمد مهدی کرمی به اتهام «افساد فی الارض» مدعی شده که «نقش و دخالت مؤثر آن‌ها در شهادت سید روح‌الله عجمیان نیز محرز بوده است.»

این ادعا در حالی مطرح می‌شود که گزارش‌ها حکایت از رد اتهام قتل از سوی این دو جوان در جلسات دادگاه بود. آنها بارها از اعتراف‌گیری اجباری و زیر شکنجه خبر داده و تأکید کرده بودند که مرتکب قتل نشده‌اند. با بازداشت بیش از ۲۰ هزار شهروند در جریان اعتراضات پاییز سال گذشته، اتاق فکر امنیتی جمهوری اسلامی صدور اتهامات و احکام سنگین برای شهروندان بازداشت‌شده را به عنوان راهکاری برای هراس افکنی در سطح جامعه و کاهش سرعت اعتراضات در دستور کار قرار دادند.

طی چند هفته ده‌ها شهروند در شهرهای مختلف با اتهامات سنگینی چون «محرابه»، «بغی» و «افساد فی الارض» روبرو شدند؛ اتهاماتی که دست قاضی برای صدور اشد مجازات یعنی «اعدام» را باز می‌گذاشت. در این میان بیش از ۳۰ شهروند با خطر صدور حکم اعدام روبرو و برای شماری از آنها حکم «اعدام» صادر شد.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به شکلی عجولانه حکم محسن شکاری را در ۱۷ آذرماه ۱۴۰۱ و حکم اعدام مجیدرضا رهنورد را در ۲۱ آذر ۱۴۰۱ در مشهد و ملاءعام اجرا کرد. با وجود اینکه شماری از حقوقدانان صدور حکم اعدام

محمدی به تحمل ۱۰ سال نفی بلد در کرمان محکوم شدند. او افزوده که «در این پرونده دو متهم دیگر نیز به تحمل ۱۰ سال نفی بلد در کرمان و سه متهم دیگر از جمله خانم قره حسنیو به ۵ سال نفی بلد در مشهد و متهمین ردیف نهم الی یازدهم از جمله یکی دیگر از موکلین ما میلاد چارانی به تحمل ۳ سال نفی بلد در قم محکوم شدند.» بابک پانیا در ادامه افزوده که «سه متهم دیگر (ردیف های ۱۲ الی ۱۴) مشمول عفو رهبری شده و در خصوص آنها قرار موقوفی تعقیب صادر شد؛ در خصوص متهمین مندرج در بند ۲ الی ۴ این توییت، قبلاً حکم به تحمل ۲۵ سال حبس صادر شده بود.»

این وکیل دادگستری تأکید کرده که «در خصوص موکلین خود، به حکم دادگاه اعتراض خواهیم کرد؛ زیرا آنها را شایسته چنین حکمی نمی‌دانم؛ اقدامات ایشان نهایتاً در حد ماده ۶۱۰ است و مشمول عفو رهبری شده و باید قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شد؛ ضمناً عنوان تفهیم شده به متهمین فاقد رکن قانونی است و امیدوارم مرجع عالی به این مسائل توجه کند.»

همچنین حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز نیز روز سه‌شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۲ اعلام کرده که دادگاه ۱۶ متهم پرونده در شعبه اول دادگاه انقلاب کرج برگزار و حکم صادر شد که دیوان عالی کشور احکام اعدام ۲ نفر از متهمان به نام‌های محمد حسینی و محمد مهدی کرمی را تأیید و نسبت به بقیه متهمان پرونده را جهت رسیدگی و صدور حکم مجدد به همان شعبه اعاده کرد.

رئیس کل دادگستری استان البرز افزوده که «دادگاه برای ۱۴ متهم با حضور متهمان و وکلای انتخابی آن‌ها برگزار شد و بعد از رسیدگی و اعطای مهلت برای ارسال لوائح تکمیلی از سوی وکلای، در نهایت حکم پرونده صادر و ابلاغ شد که بر اساس آن برای ۱۱ متهم این پرونده حسب مورد ۳، ۵، ۱۰، ۱۵ سال حبس صادر شده است.

به گفته حسین فاضلی هریکندی «در رسیدگی مجدد

● حمید قره‌حسنلو، رضا آریا و حسین محمدی سه متهمی که در این پرونده با حکم اعدام روبرو شده بودند، با شکسته شدن حکم به زندان و تبعید محکوم شدند.

● دیگر متهمان پرونده که پیشتر با زندان‌های طولانی روبرو شده بودند اکنون با کاهش حکم اما همچنان می‌بایست متحمل زندان و تبعید شوند.

● محمد مهدی کرمی و محمد (کیان) حسینی دو متهم دیگر این پرونده که به اعدام محکوم شده بودند دی‌ماه گذشته در روندی ناعادلانه و عجولانه به دار آویخته شدند.

احکام شهروندان معترض بازداشت‌شده در پرونده کشته‌شدن روح‌الله عجمیان بسیجی کشته‌شده در مراسم چهل‌م حدیث نجفی صادر شد. حکم متهمان پرونده از جمله سه متهم محکوم به اعدام در حالی کاهش یافته که دو متهم دیگر محکوم به اعدام در این پرونده دی‌ماه امسال و در روندی غیرعادلانه و عجولانه به دار آویخته شدند.

حمید قره‌حسنلو، رضا آریا و حسین محمدی سه متهمی که در این پرونده با حکم اعدام روبرو شده بودند، با شکسته شدن حکم به زندان و تبعید محکوم شدند. محمد مهدی کرمی و محمد (کیان) حسینی دو متهم دیگر این پرونده که به اعدام محکوم شده بودند دی‌ماه گذشته به دار آویخته شدند. همچنین دیگر متهمان پرونده که پیشتر با زندان‌های طولانی روبرو شده بودند اکنون با کاهش حکم همچنان می‌بایست متحمل زندان و تبعید شوند.

بابک پانیا وکیل پایه یک دادگستری که وکالت چند تن از متهمان این پرونده را بر عهده دارد با انتشار رشته توییتی اعلام کرده که احکام پرونده «اتوبان کرج» به این شرح صادر و ابلاغ شد: سه متهمی که پیش از این حکم اعدام آنها صادر شده بود، پس از ایرادات شعبه سی و نهم دیوان عالی کشور و رسیدگی مجدد به پرونده در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی کرج محکوم شدند به حمید قره‌حسنلو به تحمل ۱۵ سال نفی بلد در زندان یزد، رضا آریا و موکل ما حسین



آشفته بازار اتومبیل؛ قیمت‌های نجومی بار دیگر طرح استیضاح وزیر صمت را فعال کرد



اتوماتیک توربو مدل ۱۴۰۱ به یک میلیارد و ۱۰ میلیون تومان افزایش قیمت داشت.

«بهمن» موتور ریسپکت از جمله اتومبیل‌هایی با تقاضای بالا با بیشترین افزایش قیمت طی روزهای گذشته روبرو شده است. بطوری که قیمت این اتومبیل در نخستین روزهای سال جاری و تنها طی سه هفته از یک میلیارد و ۴۱۰ میلیون تومان به یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

افزایش پرسرعت قیمت اتومبیل در حالی پس از تعطیلات نوروز ادامه دارد که رضا فاطمی امین وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌گوید که «قیمت‌های خودرو کاذب و غیرواقعی است» اما توضیح نمی‌دهد چطور یکی از بزرگترین بازارها و صنایع کشور گرفتار «قیمت‌های کاذب» شده و نقش دولت در این میان چیست؟

بازار اتومبیل ایران با مشکلاتی ساختاری و زیربنایی روبروست و دست مداخله‌گرانه دولت در این بازار بر مشکلات افزوده و صنعت اتومبیل‌سازی را با فساد و مافیای افزوده است. امیرحسین کاکایی عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران درباره وضعیت صنعت اتومبیل‌سازی گفته که «خودروسازی کشور ما بجای اینکه در جایگاه صنعتی باشد تمام وقت در فضای سیاسی و انحصار دولتی بسر می‌برد که نتیجه این نوع سیاست‌کاری در یک صنعت ارزآور همین وضعیت فعلی است. از وزیری که از ابتدا به دنبال ارائه برنامه‌هایی برای جلب رضایت جهت کسب رأی اعتماد از نمایندگان مجلس است و از ضعف مدیریتی و مشکلات خودروسازی بطور کامل مطلع است، اما باز با وعده می‌خواهد کرسی ریاست در وزارت صمت را حفظ نگه دارد، چه توقعی می‌توان داشت جز تخریب بیشتر صنعت و گرانی غیر واقعی قیمت‌ها در بازار خودرو!»

به گفته کاکایی، «امروز همه می‌دانند که وعده‌های جناب وزیر با برنامه‌های اجرای وزارت صمت کاملاً مغایرت دارد و این تناقض به دلیل ضعف مدیریتی است که سینه به سینه از یک وزیر به وزیر دیگری رسیده است. اکنون ←

● قیمت اتومبیل «سمنند» ساخت شرکت «ایران خودرو» به یک میلیارد تومان رسیده و البته «پراید» اتومبیل بی‌کیفیت داخلی و معروف به «ارابه مرگ» نیز به ۴۰۰ میلیون تومان افزایش قیمت داشته است.

● وزیر صمت می‌گوید که «قیمت‌های خودرو کاذب و غیرواقعی است» اما توضیح نمی‌دهد چطور یکی از بزرگترین بازارها و صنایع کشور گرفتار «قیمت‌های کاذب» شده و نقش دولت در این میان چیست؟

● افزایش قیمت اتومبیل در کنار تصمیمات ناکارآمد وزارت صمت سبب شده بار دیگر طرح استیضاح رضا فاطمی امین توسط شورای نمایندگان مجلس شورای اسلامی به جریان بیفتد.

بازار اتومبیل از ابتدای امسال با افزایش پر سرعت قیمت‌ها روبرو بوده و سیاست‌های دولت برای ساماندهی به این بازار بی‌اثر بوده است. تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طرح استیضاح وزیر صمت را با محور التهايات بازار اتومبیل در کمیسیون صنعت و معدن به جریان انداخته‌اند.

بازار اتومبیل سال‌هاست با مشکلات مختلفی از انحصار در تولید و قیمت‌گذاری، پیشبرد روند بازار توسط مافیایها و عدم کیفیت در تولیدات روبروست. در هفته‌های گذشته بار دیگر افزایش قیمت‌ها در این بازار سرعت گرفته و قیمت بسیاری از مدل‌های معمولی اتومبیل در ایران «میلیاردی» شده است. از جمله اتومبیل «سمنند» ساخت شرکت «ایران خودرو» به یک میلیارد تومان رسیده و البته «پراید» اتومبیل بی‌کیفیت داخلی و معروف به «ارابه مرگ» نیز به ۴۰۰ میلیون تومان افزایش قیمت داشته است.

همچنین اتومبیل «دنا» معمولی مدل ۱۴۰۱ از ۷۰۰ میلیون تومان در ابتدای هفته گذشته، طی پنج روز و تا پنجشنبه با ۵۰ میلیون تومان افزایش به ۷۵۰ میلیون تومان رسید؛ در همین پنج روز، اتومبیل «دنا توربوپلاس» دنده‌ای مدل ۱۴۰۱ از ۸۷۰ میلیون تومان به بیش از ۹۰۰ میلیون تومان، و «دنا پلاس»

→ و اجرای عجولانه آن را حتی مغایر با قوانین جمهوری اسلامی اعلام کردند اما دو شهروند دیگر در ۱۷ دی ۱۴۰۱ اعدام شدند؛ محمدمهدی کرمی و محمد(کیان)حسینی در کرج و هر دو از متهمان پرونده عجمیان معروف به پرونده «اتوبان کرج»!

اکنون در حالی دیگر متهمان محکوم به اعدام در این پرونده در بررسی دوباره پرونده به زندان محکوم شدند و از دید قاضی «اعدام» حکم عادلانه‌ای برای آنها نبود، بی‌گناهی محمدمهدی کرمی و محمد(کیان)حسینی بیش از پیش ثابت می‌شود.

یکی از نکات مهم درباره محمدمهدی کرمی و محمد(کیان)حسینی که توسط حکومت به قتل رسیدند، عدم دسترسی آنها به افراد و جریان‌های صاحب‌نفوذ بوده است تا برای نجات آنها از زیر حکم اعدام تلاش کنند. هر دو آنها از اقشار ضعیف جامعه بودند. محمدمهدی کرمی ورزشکار و قهرمان کاراته، فرزند یک دستفروش بود. ماشالله کرمی، پدر محمدمهدی، در گفتگو با «اعتماد» گفته بود که در نظرآباد استان البرز دستفروش دستمال کاغذی است و دو فرزند دارد: محمدمهدی و فرزند دیگری که معلول و خانه‌نشین است.

محمدمهدی کرمی از روز چهارشنبه ۱۴ دی در اعتصاب غذای خشک بود و در حال اعتصاب غذا اعدام شد. محمد آقاسی وکیل پایه یک دادگستری که در آخرین روزهای منتهی به اعدام او به عنوان وکیل تعیینی (اختیاری) محمدمهدی در حال تلاش برای پذیرش وکالتش بر این پرونده از سوی قوه قضاییه بود خبر داد که محمدمهدی از چهارشنبه پیش از اعدام و در اعتراض به اینکه قوه قضاییه از پذیرش وکیل او خودداری کرده، اعتصاب غذای خشک کرده بود.

جمهوری اسلامی حتی این دو جوان را از آخرین دیدار حضور با خانواده پیش از اعدام محروم کرد. پدر و مادر محمدمهدی و تعدادی دیگر از اعضای خانواده از شامگاه مقابل ورودی زندان بودند و برای دیدار او التماس می‌کردند اما نگذاشتند آنها فرزندشان را ببینند و حتی خبر اعدام را هم به آنها ندادند.

محمدمهدی کرمی پیشتر در ملاقات با خانواده خود از آزار جسمی و روانی «شدید» خود توسط مأموران خبر داده بود. به گفته محمدمهدی هنگام بازداشت او را طوری کتک زده‌اند که بیهوش شده بود و نیروهای حکومتی فکر کردند که او مُرده و «جنازه‌اش» را اطراف دادگاه نظرآباد انداختند، اما موقع ترک آنجا متوجه شدند که هنوز زنده است.

شکنجه محمدمهدی فقط به ضرب و جرح در هنگام بازداشت خلاصه نشده و پس از انتقال به بازداشتگاه هم ادامه یافته است. مأموران حکومتی هر روز اندام جنسی‌اش را لمس و او را تهدید می‌کردند که به او تجاوز خواهند کرد. درباره محمد(کیان)حسینی شهروند ۳۹ ساله‌ای که همزمان با محمدمهدی به دار آویخته شد اطلاعات زیادی منتشر نشده است. پیشتر فعالان مدنی و روزنامه‌نگاران در ایران اطلاع داده بودند که پدر و مادر محمد حسینی پیشتر درگذشته‌اند و این جوان کسی را ندارد تا پیگیر پرونده‌اش باشد. او کارگر یک مرغداری در حاشیه کرج و ورزشکار و مربی ورزشهای رزمی بود.

محمد (کیان)حسینی حتی کسی را نداشت که پیکر اعدام‌شده او را از زندان بگیرد و به خاک بسپارد. او در همان آرامستانی که پیکر محمدمهدی کرمی به خاک سپرده شد، توسط سازمان زندان‌ها خاکسپاری شد اما بعدها شهروندان زیادی از جمله خانواده محمدمهدی کرمی بر مزار او حاضر شدند و برایش مراسم یادبود گرفتند.

اختصاصی؛ دیپلمات وزارت خارجه آمریکا به کیهان لندن: برجام در دستور کار ما نیست و تجارت نفت ایران را زیر نظر داریم

● یک دیپلمات وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به پرسش کیهان لندن در مورد اینکه «اکنون مذاکرات با جمهوری اسلامی در چه مرحله‌ای قرار دارد؟» می‌گوید: «از وقتی که ایران فرصت بازگشت سریع به اجرای کامل توافق را رد کرد، برجام ماه‌ها در دستور کار ما نبوده و هیچ مذاکره‌ای بین ایالات متحده و ایران وجود ندارد.»

● با اینکه رابرت مالی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران اوایل بهمن ۱۴۰۱ به بلومبرگ گفت واشنگتن چین را تحت فشار گذاشته تا از خرید نفت ایران منصرف شود اما با وجود تحریم‌ها صادرات نفت ایران به ۴/۱ میلیون بشکه در روز رسیده است.

● مهدی نصیری مدیر مسئول پیشین «کیهان تهران» در جریان یک سخنرانی گفته «فرزند علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی که در مذاکرات نقش اول را دارد، صادر کننده اول نفت ایران هست و روزی یک میلیون دلار سود می‌برد.»

● دیپلمات وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به کیهان لندن در مورد نظارت آمریکا به اجرای تحریم‌های ایران به ویژه بخش کشتیرانی و نفتکش‌ها می‌گوید: «ما دائماً تجارت نفت ایران را زیر نظر داریم و اقداماتی را جهت مقابله با تلاش‌ها برای تجارت نفت و فرآورده‌های پتروشیمی ایران در دریاهای آزاد انجام می‌دهیم، اما همه راه‌های انجام این کار را به تفصیل شرح نمی‌دهیم.»

● نه فقط منتقدان بایدن در آمریکا بلکه نیروهای سیاسی و مخالفان جمهوری اسلامی در داخل و خارج از ایران هشدار می‌دهند اصرار دولت آمریکا بر ادامه مذاکرات اتمی به امید «احیای برجام» یا حتا انفعال ایالات متحده در مقابل جمهوری اسلامی نه تنها به منافع خارجی واشنگتن صدمه می‌زند بلکه باعث تقویت رژیم ملاحه برای تضعیف جنبش آزادیخواهان مردم ایران می‌شود.

بر اساس گزارش برخی منابع بین‌المللی دولت جو بایدن با وجود افزایش حملات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به پایگاه‌های آمریکا در سوریه و همچنین پشتیبانی از حملات موشکی به اسرائیل و عملیات تروریستی علیه شهروندان یهودی، همچنان به دنبال «احیای برجام» است.

در مقابل ابوالقاسم دلفی سفیر پیشین جمهوری اسلامی در فرانسه به وبسایت «انتخاب» گفته «احیای برجام راکد مانده و هیچیک از طرفین انگیزه‌ای برای توافق ندارند.» جو بایدن اواخر آذرماه ۱۴۰۱ بطور غیررسمی به خبرنگاران گفت که «برجام مُرده است اما ما نمی‌توانیم این را اعلام کنیم.»

تقاضای بیان می‌شود. افزایش قیمت اتومبیل در کنار تصمیمات ناکارآمد وزارت صمت سبب شده بار دیگر طرح استیضاح رضا فاطمی امین وزیر صنعت، معدن و تجارت توسط شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به جریان بیفتد.

لطف‌الله سياهکلی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با اشاره به تلاش شماری از نمایندگان برای استیضاح فاطمی امین گفته که «استیضاح وزیر صمت به مهار تورم بازار خودرو کمک می‌کند. امیدواریم وزیر توانمند جایگزین فاطمی امین شود تا بتواند مسائل را حل و فصل کند.» عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس توضیح داده که «وزارت صمت از تجمیع چند وزارتخانه ایجاد شده است از این‌رو یک فرد توانمند باید آن را اداره کند؛ به نظر می‌رسد می‌رسد دولت می‌خواهد با کوچک کردن وزارت صمت و ایجاد سازمان بازرگانی صندلی وزارت را برای فاطمی امین حفظ کند این در حالیست که قبض و بسط وزارتخانه‌ها نباید با هدف نگه داشتن افراد تعریف شود.»

او با اشاره به افزایش قیمت پراید در حالی که ارزش پول ملی کاهش یافته گفت که «ثروت دارنده پراید نه تنها افزایش نیافته بلکه حداقل ۴ برابر تحلیل رفته است چراکه اگر خودرواش نیازمند قطعه باشد به سختی می‌تواند آن را تعمیر کند. امسال سال مهار تورم نامگذاری شده است و نباید به افزایش قیمت‌ها دامن بزنیم وظیفه اصلی دولت تنظیم‌گری، سیاست‌گذاری و نظارت است نه تصدی‌گری؛ کاری که هم اکنون به آن مشغول است.»

پیش از این در اوایل اسفند نیز موج دیگری از افزایش قیمت اتومبیل رخ داد و آن زمان نیز شماری از نمایندگان مجلس معتقد بودند باید طرح استیضاح رضا فاطمی امین به صورت جدی پیگیری شود. بار دیگر طرح استیضاح فاطمی امین در اوایل پاییز در دستور کار قرار گرفته بود اما لابی پرنفوذ دولت رئیسی در مجلس به بهانه طرحی موازی برای تفکیک وزارت صمت به دو وزارتخانه «صنعت و معدن» و «بازرگانی»، استیضاح فاطمی امین را به حاشیه راند.

همچنین وزیر صمت دولت سیزدهم تا کنون دو کارت زرد از مجلس شورای اسلامی دریافت کرده است. رضا فاطمی امین وزیر صنعت، معدن و تجارت صبح امروز سه‌شنبه ۲۲ آذر ۱۴۰۱ برای پاسخ به سوال جلال رشیدی کوچی نماینده مرودشت درباره «علت نابسامانی بازار خودرو» در صحن مجلس شورای اسلامی حاضر شد و با قانع نشدن اکثر نمایندگان از پاسخ وزیر، او دومین کارت زرد خود از مجلس شورای اسلامی را دریافت کرد.

رضا فاطمی امین پیشتر در خرداد ۱۴۰۱ نیز نخستین کارت زرد نمایندگان به کابینه ابراهیم رئیسی را دریافت کرده بود. علت دریافت کارت زرد پیشین «عملکرد ضعیف وزیر صمت در کنترل قیمت‌ها و عدم پشتیبانی از صاحبان صنایع و معادن» بود.

رضا فاطمی امین اواخر سال ۱۴۰۰ طی سخنانی از واقعی نبودن قیمت اتومبیل گفت و وعده داد قیمت تمامی اتومبیل‌ها در سال آینده یعنی ۱۴۰۱، ۱۵ درصد کاهش یابد؛ اما این اتفاق نه تنها در طول این مدت نیفتاد که حتی از آن زمان تا کنون قیمت خودرو سر به فلک کشیده و خرید اتومبیل حتی اتومبیل دست دوم هم برای بسیاری از خانوارها به آرزوی محال تبدیل شده است.

رضا فاطمی امین همچنین در خردادماه پاسال در گفتگویی اعلام کرده بود که منظورش این بوده که قیمت تمام شده تولید اتومبیل در سال جاری ۱۵ درصد کمتر از افزایش نرخ تورم خواهد بود. اما تا پایان سال گذشته نه تنها این وعده تحقق نیافت بلکه افزایش قیمت‌ها همچنان در نخستین هفته‌های سال جدید خورشیدی نیز ادامه دارد.

→ شرکت‌های اتومبیل‌سازی بزرگ کشور با زیان انباشته کلانی روبرو هستند و برای حفظ ظاهر چراغ کارخانه‌ها را روشن نگه داشته‌اند، اما وزارت صمت نسبت به این قضیه کاملاً منفعل عمل می‌کند و با دستور افزایش تولید به خودروسازان تولید زیان‌ده را به بیش از ۱۰۰ درصد رسانده است؛ در چنین تناقضی هم زیان‌دهی افزایش یافته و هم تولید آسیب دیده است و نتیجه این اهمال‌کاری‌ها وضعیت فعلی تولید و بازار خودرو است؛ یکی از مشکلات بازار اتومبیل که پس از تعطیلات نوروزی نیز ابعاد جدیدی پیدا کرده، قیمت‌گذاری دستوری از سوی دولت است. اواخر سال گذشته، منوچهر منطقی معاون وزیر صمت، در یک نشست خبری اعلام کرد که متوسط افزایش قیمت انواع خودروها بین ۳۰ تا ۷۰ درصد است که البته این موضوع بلافاصله بعد از اعلام این مقام مسئول، توسط وزارت صمت تکذیب شد.

روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین نیز شورای رقابت بعد از «چندین ماه کار کارشناسی» افزایش قیمت اتومبیل را تصویب کرد اما قبل از اعلام رسمی قیمت‌ها، مصوبه افزایش قیمت با واکنش محمد مخبر دزفولی معاون اول رئیسی مواجه شد.

محمد مخبر در نامه‌ای خطاب به رئیس شورای رقابت خواستار تجدیدنظر در قیمت‌گذاری اتومبیل در «شرایط فعلی» شد. در مقابل شورای رقابت معتقد بود عدم افزایش قیمت اتومبیل، متناسب با نرخ تورم و افزایش هزینه‌های تولید، سبب ورشکستگی شرکت‌های اتومبیل‌سازی خواهد شد. در نهایت و پس از کشمکش میان دولت و شورای رقابت، قیمت خودروها نیز به صورت غیررسمی اعلام شد و مشخص شد که حداکثر افزایش قیمت خودرو ۴۲ درصد و حداقل افزایش قیمت نیز ۱۰ درصد بوده است. پس از اعلام این موضوع و در روزهای گذشته قیمت اتومبیل‌های پرتقاضا در بازار که با بودجه بخش بیشتری از مصرف‌کنندگان هماهنگ بود با سقف افزایش، یعنی ۴۲ درصد، روبرو شد.

از سوی دیگر از مدت‌ها پیش طرح واردات اتومبیل برای از بین بردن انحصار چند تولیدکننده داخلی و رقابتی شدن بازار اتومبیل و در نهایت کنترل قیمت‌های نجومی اتومبیل‌های بی‌کیفیت و مونتاژی داخلی مطرح بود اما اظهارات یکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نشان می‌دهد حاشیه‌ها درباره این طرح همچنان در میان مافیاهای اقتصادی حکومتی در جریان است.

غلامرضا مصباحی مقدم عضو هیئت نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته که «مجمع تشخیص به هیچ وجه با اصل واردات خودرو مخالفتی ندارد ولی در مورد واردات خودروهای کارکرده موضوع اصلی این است که قانون‌گذاری مجلس نباید ذیل تصویب بودجه سنواتی صورت گیرد.»

مصباحی مقدم افزوده که اگر نمایندگان بخواهند خارج از بودجه در رابطه با واردات خودروهای کارکرده، قانون‌گذاری کنند، مجمع تشخیص در صورت تأیید شورای نگهبان ایرادی به آن وارد نمی‌کند. عضو هیئت نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام افزوده که «دولت این اختیار را دارد که بدون اخذ مجوز از هیچ یک از مراجع از جمله مجمع تشخیص مصلحت نظام آیین‌نامه واردات خودرو را تدوین و اجرایی کند و هیچ مانعی در این رابطه وجود ندارد.»

در مقابل اظهارات مصباحی مقدم، یک نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید در صورت عدم واردات اتومبیل، قیمت پراید به زودی به بیش از ۶۰۰ میلیون تومان خواهد رسید. لطف‌الله سياهکلی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس گفته که اگر واردات انجام نشود بدون تردید متقاضیان باید پراید را بالای ۶۰۰ میلیون تومان خریداری کنند این سخن بر اساس تحلیل‌های سیاسی بیان می‌شود بلکه نگاه کارشناسی است و باتوجه به شرایط بازار و میزان

مورد نظارت آمریکا به اجرای تحریم‌های ایران به ویژه بخش کشتیرانی و نفتکش‌ها می‌گوید: «ما دائماً تجارت نفت ایران را زیر نظر داریم و اقداماتی را جهت مقابله با تلاش‌ها برای تجارت نفت و فرآورده‌های پتروشیمی ایران در دریاهای آزاد انجام می‌دهیم، اما همه راه‌های انجام این کار را به تفصیل شرح نمی‌دهیم.»

در منطقه و سرکوب مردم در داخل ایران را با ارزانفروشی نفت به چین و یا سایر مشتریان حتا در آمریکای لاتین تأمین می‌کند. تمام شواهد نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در ابعاد مختلف فشار بر مردم ایران را افزایش داده است. این یعنی حکومت با ادامه وضعیت فعلی گستاخ‌تر شده است. به گزارش بلومبرگ آمده است که بر اساس رصدهای شرکت

نه فقط منتقدان بایدن در آمریکا بلکه نیروهای سیاسی و مخالفان جمهوری اسلامی در داخل و خارج از ایران هشدار می‌دهند اصرار دولت آمریکا بر ادامه مذاکرات اتمی به امید «احیای برجام» یا حتا انفعال ایالات متحده در مقابل جمهوری اسلامی نه تنها به منافع خارجی واشنگتن صدمه می‌زند بلکه باعث تقویت رژیم ملاماها برای تضعیف



رژه نیروهای سپاه پاسداران در راهپیمایی حکومتی «روز قدس» / تهران / ۲۵ فروردین ۱۴۰۲

پیش از این پایگاه خبری آکسیوس ۳ آوریل (۱۴ فروردین) به نقل از منابع آگاه گزارش داده بود دولت بایدن در هفته‌های گذشته با شرکای اروپایی و مقامات اسرائیل درباره «توافق موقت» با مقامات جمهوری اسلامی صحبت کرده است.

طرح کاخ سفید شامل برداشت برخی تحریم‌ها در ازای توقف برخی فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی از جمله توقف غنی‌سازی ۶۰ درصدی است اما گفته شد جمهوری اسلامی این طرح را نپذیرفته است.

برجام توانست مانع توسعه اتمی جمهوری اسلامی شود. محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی اخیراً در یک مصاحبه در پاسخ به اینکه «افزایش غنی‌سازی اورانیوم تا ۶۰ درصد چه تأثیری در مذاکرات اتمی داشت؟» گفت «تأثیر آن بسیار محسوس بود. وقتی شما دارای یک ابزار قابل ملاحظه هستتید طبیعی است که در کیفیت مذاکره تأثیرگذار است. این تأثیر که باور کردند که شما هسته‌ای هستتید و خیلی راحت دیگر نمی‌توانند این را از بین ببرند.»

وی همچنین تأکید کرده بود «می‌توانیم غنی‌سازی اورانیوم را هر وقت اراده کنیم با هر غنایی انجام دهیم؛ این یک قدرت است.»

هرچند افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران نتوانست باعث پیشرفت مذاکرات اتمی شود و به «احیای برجام» نینجامید اما دست‌کم به ابزاری برای جمهوری اسلامی تبدیل شده تا در سایه انفعال غربی‌ها نفت بفروشد و حداقل نیازهای خود را برای بقا تأمین کند.

پیش از این یک منبع آگاه که نخواست نامش فاش شود در گفتگو با رویترز برجام را به تغذیه مصنوعی از طریق سرم به بیمار مقایسه کرده و گفته بود «غرب نمی‌خواهد سرم را از دست بیمار بکشد... اما انتظار اینکه راه بهتری وجود داشته باشد کم است.»

«ورتکسا» که اطلاعات کشتیرانی را تحلیل می‌کند، صادرات نفت ایران به حدود ۴/۱ میلیون بشکه در روز رسیده که بالاترین میزان در چهار سال اخیر است.

همچنین بر اساس همین گزارش، داده‌های شرکت اطلاعات کالا «کپلر» نشان می‌دهد ایران در ماه فوریه (بهمن و اسفند ۱۴۰۱) رکورد روزانه صادرات نفت به چین از سال ۲۰۱۷ را شکسته و ۲/۱ میلیون بشکه نفت تحویل پالایشگاه‌های چینی داده است.

چین مقصد اصلی صادرات غیرقانونی ایران است و واشنگتن از این قضیه کاملاً آگاه است. با اینکه رابرت مالی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران ۲۳ ژانویه (سوم بهمن ۱۴۰۱) به بلومبرگ گفت واشنگتن چین را تحت فشار گذاشته تا از خرید نفت ایران منصرف شود. اقدامات آمریکا در عمل دستاوردی به همراه نداشته است و چین خرید نفت از ایران را ادامه می‌دهد هرچند به دلیل ترس از مجازات تحریم‌ها از سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز ایران خودداری می‌کند.

از سوی دیگر، مهدی نصیری مدیر مسئول پیشین «کیهان تهران» در جریان یک سخنرانی گفته «فرزند علی شمعانی دبیر شورای عالی امنیت ملی که در مذاکرات نقش اول را دارد، صادرکننده اول نفت ایران هست.»

وی افشا کرد «۴۰ درصد نفت ایران را پسر شمعانی صادر می‌کند و روزی یک میلیون دلار سود می‌برد.»

مخالفان جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند چشم بستن به روی ادامه صادرات نفت از ایران با دور زدن تحریم‌ها، جمهوری اسلامی و بطور ویژه سپاه پاسداران را خطرناک‌تر کرده است. **ادامه نظارت بر اجرای تحریم‌های ایران**
با اینهمه اما ایالات متحده ادعا می‌کند برای مقابله با دور زدن تحریم‌ها توسط جمهوری اسلامی در حال اقدام است! دیپلمات وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به کیهان لندن در

جنبش آزادیخواهانه مردم ایران است و زمینه‌ساز افزایش سرکوب‌ها خواهد شد. بعلاوه به جمهوری اسلامی این امکان را می‌دهد که به پشتیبانی نظامی خود از روسیه در جنگ علیه اوکراین ادامه دهد.

برجام در دستور کار نیست

یک دیپلمات وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به پرسش کیهان لندن در مورد اینکه «اکنون مذاکرات با جمهوری اسلامی در چه مرحله‌ای قرار دارد؟» می‌گوید: «از وقتی که که ایران فرصت بازگشت سریع به اجرای کامل توافق را رد کرد، برجام ماه‌ها در دستور کار ما نبوده است. اما یقیناً پرزیدنت بایدن متعهد است هرگز اجازه دستیابی ایران به سلاح اتمی را ندهد و اعتقاد ما این است که دیپلماسی بهترین راه برای دستیابی به این هدف است.»

وی تأکید کرد: «هیچ مذاکره‌ای بین ایالات متحده و ایران وجود ندارد، اما همانطور که قبلاً روشن کرده‌ایم، ما ابزاری برای ارائه پیام‌های مشخص و محکم به ایران در صورتی که به نفع آمریکا باشد در اختیار داریم.»

مقامات جمهوری اسلامی مدام ادعا می‌کنند که از طرف آمریکا برای ادامه مذاکره برای آنها «پیام ارسال شده» اما مقامات کاخ سفید و وزارت خارجه آمریکا بعد از آغاز خیزش ضدحکومتی در ایران از اواخر شهریور ۱۴۰۱ چندین بار رسماً اعلام کردند دیگر مذاکرات اتمی در اولویت آنها نیست و روی اعتراضات مردم ایران متمرکز شده‌اند.

افزایش فروش نفت

مسئله فقط راکد ماندن «مذاکرات اتمی» با جمهوری اسلامی نیست. تعلیق مذاکرات به تنهایی فقط وقت‌کشی است زیرا جمهوری اسلامی در سایه همین تعلیق و بلاتکلیفی خود را با شرایط تطبیق می‌دهد و با دور زدن تحریم‌ها بخشی از منابع مالی برای تأمین بودجه تروریسم

گذشته مطرح شده که سهمیه بنزین آزاد از ۲۵۰ لیتر به ۱۵۰ لیتر کاهش یابد. بنابراین پس از اتمام دو سهمیه ۶۰ لیتری ۱۵۰۰ تومانی و ۱۵۰ لیتری ۳۰۰۰ تومانی، فرد بایستی بنزین را با قیمت بیشتر خریداری کند. برخی خبرهای غیررسمی نیز از احتمال افزایش قیمت بنزین آزاد به لیتری ۷۵۰۰ تومان حکایت دارد. از سوی دیگر همچنان شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطمئن نیستند دولت تصمیمی برای افزایش قیمت بنزین نداشته باشد. شهریار حیدری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که اگر دولت مخفیانه قیمت بنزین را افزایش دهد، با طرح سه فوریتی آن را لغو می‌کنیم. شهریار حیدری توضیح داده که «اگر تیم تصمیم‌گیرنده دولت بخواهد یواشکی تصمیمی بگیرد و قیمت بنزین را بالا برد و مجلس را در برابر عمل انجام شده قرار دهد، قطع به یقین مجلس با یک طرح سه فوریتی و ابزاری که در اختیار دارد می‌تواند هم قیمت را به قبل برگرداند و هم برخوردی قاطع در این زمینه با دولت داشته باشد.»

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی افزوده که «چون افزایش قیمت سوخت بر همه مسائل دیگر اثرگذار است، از این جهت در شرایط فعلی اصلاً به صلاح نیست که قیمت سوخت افزایش پیدا کند. در شرایط کنونی به اندازه کافی مردم مشکلات اقتصادی و معیشتی دارند و الان قدرت خرید مردم کاهش زیادی پیدا کرده است.»

برخی اظهارات مقامات وزارت نفت در روزها و هفته‌های گذشته نیز بار دیگر احتمال افزایش قیمت بنزین را مطرح کرده بود. برای نمونه علی اکبر نژادعلی مدیرعامل شرکت نفت گفته بود که «از ابتدای فروردین ماه تا ۱۹ فروردین ماه، به‌طور میانگین ۱۱۱ میلیون و ۳۰۰ هزار لیتر بنزین در سراسر کشور مصرف شده است که این عدد نسبت به مدت مشابه پارسال با ثبت میانگین مصرف روزانه ۱۰۲ میلیون لیتر بنزین، ۹ درصد افزایش مصرف را نشان می‌دهد.»

همزمان موضوع کمبود بنزین در کشور و حتی واردات بنزین از روسیه نیز گزارش شده است. خبرگزاری رویترز سه‌شنبه گذشته در گزارشی از واردات ۳۰ هزار تن بنزین و گازوئیل به ایران از روسیه طی ماه‌های فوریه و مارس خبر داد. بر اساس این گزارش دو منبع آشنا با داده‌های صادراتی به رویترز گفتند که در فوریه و مارس سال جاری روسیه بیش از ۳۰ هزار تن گازوئیل و بنزین به ایران صادر کرده است. منبع سومی نیز این صادرات را تأیید کرده اما اطلاعاتی درباره میزان صادرات نداشته است. یک تاجر در بازار نفتی خاورمیانه هم به رویترز گفته که ایران علی‌رغم دارا بودن پالایشگاه‌های نفت، به علت افزایش مصرف بنزین داخلی ملزم به واردات شده است. اینهمه در حالیست که افزایش قیمت بنزین به دلیل اثر سریع و فراگیر در گران شدن انواع کالاها و خدمات در کشور، موجی از تورم را ایجاد خواهد کرد که مشخص نیست چه پیامدهایی داشته باشد. دولت حسن روحانی در آبان ۹۸ بنزین را یک‌شبه گران کرد و همین موضوع به جرقه آغاز اعتراضات سراسری آبان ۹۸ تبدیل شد.

اکنون نیز برخی چهره‌های حکومتی نسبت به هزینه‌های سیاسی افزایش قیمت بنزین برای حکومت هشدار می‌دهند. در همین رابطه محمد شاهی عربلو رئیس پیشین کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفته که «دولت باید تلاش کند تا مدیریت خاصی در قبال ارزاق مردم داشته باشد. مخصوصاً معتمد که نان و بنزین نباید دست بخورد و نباید این‌ها را تکان دهند، حداقل این است که تا حل مشکلات ریشه‌ای اقتصاد به قیمت این دو قلم دست نزنند. بعد از حل ریشه‌ای مسائل اقتصادی می‌شود این‌ها را بهینه کرد اما الان در وضعیت فعلی اصلاً نباید به این دو قلم دست بزنند که قطعاً مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی ایجاد می‌کند.»



عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «با افزایش قیمت بنزین منابع جدیدی حاصل می‌شود که باید برای آن مصارف در نظر گرفته شود. اگر بنا بود که دولت قیمت بنزین را تغییر دهد در لایحه بودجه این موضوع را پیش‌بینی می‌کرد و آن را به مجلس ارائه می‌داد؛ اما در لایحه بودجه ۱۴۰۲ نیز قیمت بنزینی افزایشی نداشته است. عده‌ای با پخش این شایعات سعی در ملتهب کردن جامعه دارند.»

پرویز محمدنژاد عضو دیگر کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی اما تأکید کرده «بحث نحوه سهمیه‌بندی بنزین در اختیار دولت است. بر اساس برنامه‌هایی که دولت طراحی می‌کند می‌تواند تغییراتی در سهمیه‌ها اعمال کند. از طرف دیگر به جهت حساسیتی که بر روی بنزین وجود دارد. کاهش سهمیه و یا افزایش قیمت آن موضوع حساسی است.»

پرویز محمدنژاد نماینده لنگرود در مجلس شورای اسلامی افزوده که بحث کاهش سهمیه سوخت بار دیگر مطرح شده است. بر این اساس سهمیه بنزین آزاد موجود در کارت‌های سوخت کاهش خواهد یافت و قیمت بنزین آزاد نیز گران‌تر از ۳۰۰۰ تومان خواهد بود. سخنان پرویز محمدنژاد نشان می‌دهد دولت می‌تواند بدون اعلام رسمی افزایش قیمت بنزین، با کاهش سهمیه بنزین آزاد برای کارت‌های سوخت، نرخ جدید و گران‌تری را برای بنزین آزاد در نظر بگیرد و درآمد از فروش بنزین را به سود خود افزایش دهد.

پرویز محمدنژاد با تأکید بر اینکه افزایش قیمت بنزین به هر شکل نیازمند موافقت مجلس شورای اسلامی است گفته که «ما نیز چند روزی است صرفاً در فضای مجازی این مطالب را می‌بینیم اما نگاه ما این است که شایعه است مگر اینکه مسئولان روز شنبه [۲۶ فروردین] اعلام کنند چنین چیزی است و آنگاه کمیسیون انرژی به موضوع ورود خواهد کرد.»

او البته به نقش «سران قوا» در تصمیم‌گیری‌های اینچنینی اشاره کرده که می‌تواند نقش قانونی مجلس را دور بزند: «در دولت گذشته نیز که قیمت بنزین تغییر کرد مجلس را خیلی در جریان قرار ندادند. سران سه قوا این کار را کردند. افزایش قیمت بنزین دو راه دارد. یا سران قوا بنشینند در مورد آن تصمیم بگیرند یا اینکه در اصل مجوز افزایش قیمت دهد. در دوره قبل این قدرت را از مجلس گرفتند. اکنون نیز تذکرات لازم در مجلس داده شده است.» و بسایت «اعتماد آنلاین» در مطلبی با عنوان «بنزین گران می‌شود اما با این روش سخیفانه؟!؛ سخنان پرویز محمدنژاد را بازتاب داده است. بر اساس آمارهای اعلام شده در حال حاضر به صورت ماهانه ۶۰ لیتر بنزین ۱۵۰۰ تومانی در کارت‌های سوخت شارژ می‌شود. پس از اتمام این سهمیه، فرد می‌تواند با کارت سوخت خود تا سقف ۲۵۰ لیتر بنزین ۳۰۰۰ تومانی دریافت کند. در روزهای

تکذیب و انکارهای افزایش قیمت بنزین؛ دولت با تغییر سهمیه‌بندی به دنبال افزایش درآمد است؟

● شهریار حیدری عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که «اگر دولت مخفیانه قیمت بنزین را افزایش دهد، با طرح سه فوریتی آن را لغو می‌کنیم.»
● برخی چهره‌های حکومتی نسبت به هزینه‌های سیاسی افزایش قیمت بنزین برای حکومت هشدار می‌دهند.

در حالی که خبرهای ضدونقیضی از احتمال افزایش قیمت بنزین در روزهای آینده منتشر شده، رئیس صنف جایگاه‌داران سوخت از جمع‌آوری کارت سوخت آزاد پمپ بنزین‌ها خبر داده است. اسدالله قلی زاده رئیس صنف جایگاه‌داران کشور روز گذشته از جمع‌آوری پر سرعت کارت‌های آزاد بنزین از جایگاه‌های سراسر کشور خبر داد. این خبر بار دیگر گمانه‌زنی‌ها درباره احتمال افزایش قیمت بنزین را برجسته کرده است.

اسدالله قلی زاده با بیان اینکه جمع‌آوری کارت‌های آزاد بنزین «قانونی» است گفته که «اینکه چرا در قانون بودجه به الزام استفاده از کارت سوخت شخصی تأکید شده است برای ما مشخص نیست و تناسبی بین این دو نمی‌بینیم.»

رئیس صنف جایگاه‌داران افزوده که اگر این روال ادامه یابد طی ماه‌های آینده در هر جایگاه نهایت دو تا چهار کارت آزاد باقی می‌ماند، به عبارت دیگر تعداد کارت‌های آزاد تا ۷۰ درصد در جایگاه‌ها کمتر می‌شود، لازم است مسئولان به تمام کسانی که کارت سوخت دریافت نکرده‌اند، کارت بدهند و کارت‌های المثنی نیز صادر و ارائه شوند.

به گفته این فعال صنفی، زمانی که مسئولان بدون حق نظر مشورتی از متخصصان تصمیماتی در مورد توزیع سوخت می‌گیرند و چون خودشان در میدان عمل قرار ندارند، طبیعی است که مردم و جایگاه‌داران با مشکلاتی روبرو می‌شوند.

اسدالله قلی زاده تأکید کرده که «قطعاً همه متخصصان مخالف روش‌های اجباری تند و بدون مشورت در این حوزه هستند و مشخص است که در موضوع سوخت راحت‌ترین راه حل لزوماً بهترین راه‌حل نیست و این جمع‌آوری سریع کارت‌های آزاد مورد اعتراض مجموعه صنفی ما است و مشکلاتی را ایجاد می‌کند که بار اصلی آن روی دوش جایگاه‌داران است نه مسئولان تصمیم‌گیر، لذا در حال پیگیری موضوع هستیم.» در هفته‌های گذشته بارها احتمال افزایش قیمت از سوی رسانه‌های داخلی مطرح شده اما هر بار مقامات حکومتی هرگونه افزایش قیمت بنزین را تکذیب کردند. تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز اطمینان دادند که بر اساس لایحه بودجه ۱۴۰۲ دولت برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین ندارد.

رمضانعلی سنگدوینی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی با «شایعه» خواندن احتمال افزایش قیمت بنزین تأکید کرده که تاکنون دولت هیچ برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین نداشته است.

نایبری ناهایتیان نویسنده ایرانی- ارمنی: من به تغییر باور دارم

فرهنگ آن تفاوت‌هایی با فرهنگ فرانسه دارد و نظام سیاسی آن کاملاً مخالف و متفاوت است، کتاب‌های شما امکان فروش بیشتری پیدا می‌کنند؟

- من مطمئناً از طریق کتاب‌هایم در جستجوی دوران کودکی ایده‌آل و ازدسترفته‌ای هستم که در ایران قبل از انقلاب داشتم، یعنی زمانی که در میان خانواده و تمام بستگانم زندگی می‌کردم. همه ما با انقلاب از هم جدا شدیم. مهمتر از همه من از پدرم جدا شدم که به دلیل ممنوع‌الخروج شدن در ایران ماند.

اما در مورد امکان دوم که گفتید، باید بگویم که رمان‌های من خیلی سریع در فرانسه موفقیت کسب کردند. بنابراین حدس می‌زنم این موفقیت مرا بیشتر متقاعد کرد که در آن مسیر ادامه دهم و رمان‌های دیگری درباره‌ی ایران بنویسم. بیشتر کتاب‌های من رمان‌های جنایی هستند، اما آخرین کتابم، Quitter Téhéran «ترک تهران» زندگینامه است و در آن خاطرات دوران کودکی‌ام را در ایران به یاد می‌آورم.

● چقدر با اتفاقات جاری ایران درگیر هستید؟ از چه زاویه‌ای به وقایع جنبش مهسا نگاه می‌کنید؟ شما تا چه اندازه با زنان و جوانان ایرانی که برای حقوق و آزادی مبارزه می‌کنند هم‌ذات‌پنداری می‌کنید؟ آیا این اتفاقات هم به شما انگیزه می‌دهد که درباره اتفاقات جاری زمانی بنویسید و از این طریق صدایی به زنان و نسل جوان پیشرو و لیبرال ایران بدهید؟

- من هر روز اتفاقات جاری ایران را دنبال می‌کنم. جنبش «زن، زندگی، آزادی» بسیار مرا تحت تاثیر قرار داده. درست مانند جنبش سبز در سال ۲۰۰۹ ابتدا به خودم می‌گفتم که این پایان جمهوری اسلامی است و به زودی می‌توانم به ایران برگردم. اما متأسفانه، ما سرکوب بسیار سختی را تجربه می‌کنیم. اما من به تغییر باور دارم. هر بار که به ایران می‌رفتم تحت تاثیر مدرنیته جامعه ایران قرار می‌گرفتم و به خودم می‌گفتم جمهوری اسلامی نمی‌تواند زیاد دوام بیاورد. من دوست دارم درباره «زن، زندگی، آزادی» بنویسم و بلندگوی دیگری به دست این جنبش در فرانسه برای زنان و نسل جوان پیشرو و لیبرال ایران بدهم.

● آیا در رمان‌هایتان به زندگی مدرن و جاری در فرانسه یعنی آنچه مستقیم و روزانه تجربه می‌کنید نیز می‌پردازید؟
- Quitter Téhéran «ترک تهران» به دوران کودکی من در ایران و سفرهایم به فرانسه و همچنین به مسائل زیادی در مورد تبعید و مهاجرت به این کشور می‌پردازد. یکی از رمان‌های جنایی من، «روزی روزگاری، رومینا واگتر»، عمدتاً در فرانسه اتفاق می‌افتد، هرچند شخصیت‌های ایرانی نیز در آن حضور دارند. این یک رمان جاسوسی در یک شرکت بزرگ پارانوئید است. اما فکر می‌کنم آنچه در رمان‌هایم مردم دوست دارند این است که کشف می‌کنند که جامعه ایران و به ویژه نسل جوان ایران- و نه رژیم دیکتاتوری خشن و عقب‌مانده و وابستگان آن- تفاوت چندانی با جامعه فرانسه ندارد.

● فکر می‌کنید با آثار خود کمک کرده اید که خوانندگان فرانسوی درباره‌ی ایران اطلاعات بیشتری کسب کنند و فرهنگ و زندگی آنجا را عمیق‌تر درک کنند؟

- من که امیدوارم به خوانندگان فرانسوی کمک کرده باشم تا درباره ایران بیشتر بدانند و فرهنگ و زندگی آنجا را درک کنند! اساساً یکی از انگیزه‌های اصلی من در نوشتن رمان و فعالیت مطبوعاتی در فرانسه همین بوده است.



نایبری ناهایتیان

شدم. بعدها نویسنده‌ی رمان شدم و نخستین کتابم را در سال ۲۰۰۹ با عنوان «چه کسی آیت‌الله کانونی را کُشت» منتشر کردم.

● داستان‌ها و رویدادهای رمان‌های شما یا در ایران کنونی رخ می‌دهد، یا در گذشته‌ای که در کودکی در ایران زندگی می‌کردید. آیا می‌دانید چه پیوندهای عاطفی و فکری شما را به ایران و آن پیوند می‌دهد؟

- با نوشتن درباره‌ی ایران روزنامه‌نگار شدم. چند سفر انجام دادم و آنچه را در ایران کشف کردم به صورت آزاد در مجلات و روزنامه‌های مختلف گزارش کردم. سپس، وقتی شغل ثابتی در نشریه Alternatives économiques پیدا کردم، عمدتاً شروع به نوشتن درباره‌ی موضوعات داخلی ایران کردم. در این دوره بود که رمان «چه کسی آیت‌الله کانونی را کُشت» منتشر کردم؛ رمانی که رویدادهای آن در ایران اتفاق می‌افتد. این رمان مانند یک گزارش تخیلی است. سپس رمان «آخرین آهنگ در اصفهان» را نوشتم. این دو نخستین رمان‌های من از همه موفق‌تر بوده‌اند. البته آخرین اثرم «ترک تهران» که خاطرات دوران کودکی من در ایران است همین آوریل منتشر شده و هنوز میزان فروش آن معلوم نیست. امروز برای من به عنوان یک روزنامه‌نگار و نویسنده با این کارنامه ادبی رفتن به ایران امکان‌پذیر نیست. بنابراین وقتی کتاب‌هایم را می‌نویسم با تخیلم به ایران سفر می‌کنم.

● فکر نمی‌کنید که شاید دوران خوش کودکی خود را در ایران گم کرده‌اید و در داستان‌های خود به دنبال آن هستید؟ و یا فکر می‌کنید با گفتن در مورد کشوری که

● «جنبش «زن، زندگی، آزادی» بسیار مرا تحت تاثیر قرار داده. درست مانند جنبش سبز در سال ۲۰۰۹ ابتدا به خودم می‌گفتم که این پایان جمهوری اسلامی است و به زودی می‌توانم به ایران برگردم. اما متأسفانه، ما سرکوب بسیار سختی را تجربه می‌کنیم. اما من به تغییر باور دارم. هر بار که به ایران می‌رفتم تحت تاثیر مدرنیته جامعه ایران قرار می‌گرفتم و به خودم می‌گفتم جمهوری اسلامی نمی‌تواند زیاد دوام بیاورد. من دوست دارم درباره «زن، زندگی، آزادی» بنویسم و بلندگوی دیگری به دست این جنبش در فرانسه برای زنان و نسل جوان پیشرو و لیبرال ایران بدهم.»

● «فکر می‌کنم آنچه در رمان‌هایم مردم دوست دارند این است که کشف می‌کنند که جامعه ایران و به ویژه نسل جوان ایران- و نه رژیم دیکتاتوری خشن و عقب‌مانده و وابستگان آن- تفاوت چندانی با جامعه فرانسه ندارد.»

نایبری ناهایتیان نویسنده ایرانی ارمنی است که مدتی کوتاه بعد از انقلاب اسلامی در کودکی همراه با مادرش ایران را ترک گفته و در فرانسه اقامت گزیده‌اند. تحصیلات نایبری ناهایتیان در زمینه‌ی تاریخ بوده و او در نظر داشت دوره‌ی دکترای خود را با پژوهشی در زمینه‌ی تاریخ ایران ادامه دهد اما بعد از چندی تغییر عقیده داد و کار حرفه‌ای خود را به عنوان روزنامه‌نگار شروع کرد.

این نویسنده پس از تثبیت جایگاه خود به عنوان روزنامه‌نگار حرفه‌ای، به سراغ تحقیق آرزویی که از دوران کودکی در سر داشت می‌رود و در سال ۲۰۰۹ نخستین رمان خود را منتشر می‌کند. در فاصله بین ۲۰۰۹ تا آوریل ۲۰۲۳ او ۹ کتاب منتشر کرده که آخرین آن با عنوان «ترک تهران»، خاطرات دوران کودکی وی تا ۹ سالگی در ایران و سپس زندگی به عنوان مهاجر در فرانسه را در بر می‌گیرد. این کتاب به تازگی در آوریل ۲۰۲۳ انتشار یافته است.

هرچند نایبری ناهایتیان در کودکی ایران را ترک گفته و تنها چند بار امکان مسافرت کوتاه به ایران برایش پیش آمده اما پیوندهای عاطفی و فکری او با این کشور بریده نشده و با اینکه ارتباط وی با مادرش در خانه به زبان ارمنی بوده ولی فارسی را از یاد نبرده و با تقویت آن در فرانسه قادر فارسی را به خوبی حرف می‌زند. مهم‌تر از همه اینها، رویدادهای بیشتر رمان‌های او در ایران کنونی و یا گذشته رخ می‌دهد. کتاب‌های او هنوز به زبان فارسی ترجمه نشده‌اند. کیهان لندن به مناسبت انتشار کتاب تازه‌ی وی با نایبری ناهایتیان گفتگو کرده است.

● خانم ناهایتیان، آیا خود را بیشتر روزنامه‌نگار می‌دانید یا نویسنده؟

- هر دو در زندگی من بسیار مهم هستند. من سه روز در هفته برای مجله‌ام Alternatives économiques «اقتصاد آلترناتیو»، و دو روز در هفته روی رمان‌هایم کار می‌کنم. آخر هفته، با خانواده‌ام وقت می‌گذرانم و مطالعه می‌کنم، هم به عنوان روزنامه‌نگار و هم به عنوان نویسنده.

● از چه زمانی علاقه و انگیزه خود را برای نویسنده شدن پیدا کردید؟

- من همیشه دوست داشتم نویسنده باشم. وقتی ده ساله بودم آگاتا کریستی را بسیار تحسین می‌کردم و می‌خواستم از او تقلید کنم ولی برای نیاز به کسب درآمد روزنامه‌نگار

Ir@n؛ ایرانی‌ها نیز از «آلگوسپیک» برای فرار از سانسور و الگوریتم‌های رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند



و یا کسانی که با اختلال آسیب رساندن به خود یا خودکشی دست و پنجه نرم می‌کنند، می‌توانند از کمک محافل آنلاین که آنها را مورد حمایت قرار می‌دهند بهره‌مند شوند. اما الگوریتم‌ها ممکن است چنین محتواهایی را به عنوان نقض مقررات پلتفرم مربوطه شناسایی کرده و حذف کنند. در این میان، کاربرانی که بطور مکرر مقررات و خط‌مشی‌های یک پلتفرم را نقض می‌کنند، ممکن است متوجه شوند که پست‌ها و مطالب آنها طبقه‌بندی شده و کمتر دیده می‌شوند؛ فرآیندی که به آن «ممنوعیت در سایه» یا Shad-owban می‌گویند. نقض مکرر مقررات پلتفرم‌های سوشیال مدیا می‌تواند به تعلیق موقت یا دائمی حساب‌های کاربری منجر شود.

بر اساس چنین واقعیتی است که کاربران فضای مجازی برای عبور از فیلترهای واژگان و محتوا و فرار از دست الگوریتم‌ها، بجای اصطلاحات ممنوعه از زبان کدگذاری شده یا «آلگوسپیک» استفاده می‌کنند. برای نمونه، جهت اشاره به رابطه جنسی، ممکن است از کلمه‌ای بی‌ضرر مانند «ریمل» استفاده شود و یا کلمه «Unalive» (بی‌جان) به یک واژه مورد توافق برای اشاره به مرگ یا خودکشی تبدیل شده. برای روسپی یا کارگر جنسی از کلمه «حسابدار» استفاده می‌شود و واژه جایگزین پورن نیز «بلال» است! Leg booty نیز که حروف LGBTQ در آن به کار رفته، برای دگرپاشان جنسیتی استفاده می‌شود و ده‌ها واژه دیگر که الگوریتم‌ها نمی‌توانند آنها را مستقیم به موضوع مورد نظر کاربران ربط دهند.

پیشینه‌ی واژگان پنهان

اگرچه دور زدن فیلترهای واژگان و محتوا در پلتفرم‌های سوشیال مدیا یک پدیده نسبتاً جدید است، اما استفاده از اصطلاحات رمزگذاری شده برای پنهان کردن منظور و معنای کلمات بسیار قدیمی‌تر است. میخائیل سالتیکوف-شچدرین طنزپرداز روسی قرن نوزدهم از زبان «ازوپیا» یا تمثیلی و استعاری استفاده می‌کرد. او و دیگر اهل هنر و ادبیات

کرده به رواج این روش بین کاربران فضای مجازی با اهداف مختلف و همچنین کاربران ایرانی در جریان اعتراضات علیه جمهوری اسلامی پرداخته است.

یک مسابقه تسلیحاتی زبانی در فضای مجازی و به شکل آنلاین در جریان است در حالی که مشخص نیست چه کسی در آن پیروز خواهد شد. در یکسو شبکه‌های اجتماعی مانند فیس بوک، اینستاگرام و تیک‌تاک قرار دارند؛ این پلتفرم‌ها در شناسایی و حذف واژگان و محتوایی که مقررات آنها را رعایت نمی‌کنند، بطور فزاینده تکامل یافته‌اند.

در سوی دیگر، کاربران این رسانه‌های اجتماعی قرار دارند که اصطلاحات کدگذاری شده‌ی خود را برای فرار از تشخیص الگوریتم‌های سانسور طراحی کرده‌اند. منظور از «آلگوسپیک» همین روش دور زدن الگوهای شکار واژگان و محتوا توسط پلتفرم‌های سوشیال مدیاست.

روش‌های جدیدی مانند «آلگوسپیک» تازه‌ترین روند در تاریخ استفاده از زبان برای پنهان‌سازی هستند. بطور معمول، چنین کدهایی توسط گروه‌های کوچک استفاده می‌شود. ولی با توجه به گستردگی رسانه‌های اجتماعی، «آلگوسپیک» این پتانسیل را دارد که بطور وسیع بر زبان روزانه‌ی جوامع تأثیر بگذارد.

با توجه به حجم انبوه محتوای منتشرشده در فضای مجازی، پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی از الگوریتم‌هایی برای نشانه‌گذاری و یا حذف مطالبی که در تناقض با مقررات آنها قرار دارند استفاده می‌کنند. هدف البته کاهش انتشار اطلاعات نادرست و جعلی یا «فیک نیوز» و همچنین مسدود کردن راه‌ها برای انتشار محتوای توهین‌آمیز یا نامناسب است. با این حال، بسیاری از شهروندان دلایل موجهی برای بحث در مورد موضوعاتی دارند که ممکن است از نظر این پلتفرم‌ها حساسیت‌برانگیز باشد. برای مثال، قربانیان تجاوز جنسی ممکن است صحبت و گفتگو در مورد تجربیات خود با دیگران را روشن‌گری و آگاهی‌رسانی و همچنین درمان بدانند.

● یک مسابقه تسلیحاتی زبانی در فضای مجازی و به شکل آنلاین در جریان است؛ در یکسو شبکه‌های اجتماعی مانند فیس بوک، اینستاگرام و تیک‌تاک قرار دارند که برای شناسایی و حذف واژگان و محتوایی که مقررات آنها را رعایت نمی‌کنند در تلاش‌اند؛ در سوی دیگر، کاربرانی که اصطلاحات کدگذاری شده‌ی خود را برای فرار از تشخیص الگوریتم‌های سانسور طراحی کرده‌اند. روش‌های جدیدی مانند «آلگوسپیک» تازه‌ترین روند در تاریخ استفاده از زبان برای پنهان‌سازی هستند.

● کاربران فضای مجازی برای عبور از فیلترهای واژگان و محتوا و فرار از دست الگوریتم‌ها، بجای اصطلاحات ممنوعه از زبان کدگذاری شده یا «آلگوسپیک» استفاده می‌کنند. برای نمونه، جهت اشاره به رابطه جنسی، ممکن است از کلمه‌ای بی‌ضرر مانند «ریمل» استفاده شود و یا کلمه «Unalive» (بی‌جان) به یک واژه مورد توافق برای اشاره به مرگ یا خودکشی تبدیل شده. برای روسپی یا کارگر جنسی از کلمه «حسابدار» استفاده می‌شود و واژه جایگزین پورن نیز «بلال» است!

● اگرچه از «آلگوسپیک» عمدتاً درباره روابط جنسی و واژگان مربوطه استفاده می‌شود اما در زمینه‌های دیگر از جمله سیاسی و اجتماعی نیز کاربرد دارد. در سال ۲۰۲۲ معترضان ایرانی از همین روش برای اطلاع‌رسانی و فرار از مقررات پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند که نسبت به کلمات و محتواهای مربوط به خشونت که در عمل برای سرکوب مخالفان توسط حکومت ایران اعمال می‌شود، حساسیت به خرج می‌دهند. غلط‌املائی خلاقانه مانند Ir@n برای فرار از سانسور به کار گرفته شد.

● همچنین با ایموجی میوه‌ها و سبزیجاتی که بطور مبهم به بخش‌هایی از اندام انسان شباهت دارند برای دور زدن مقررات منع محتوای جنسی استفاده می‌شود و ایموجی بادنجان و هلو معنای کاملاً جدیدی در دنیای مجازی پیدا کرد. در سال ۲۰۱۹ فیسبوک و اینستاگرام اقداماتی را برای جلوگیری از استفاده از این ایموجی‌ها در ارتباط با معنای جنسی انجام دادند.

● به نظر می‌رسد پلتفرم‌های مختلف رسانه‌های اجتماعی مرتب و بطور فزاینده با کاربران خود درگیر هستند. آنها ممکن است هربار عباراتی را مسدود کنند، اما همین کار منجر به ظهور معادل‌های تازه در «آلگوسپیک» می‌شود تا جای آنها را بگیرند.

آلگوسپیک Algospeak از نظر لغوی، ترکیب «الگوریتم» یا «الگو» با واژه انگلیسی «صحبت» است و روشی است که بر اساس آن می‌توان الگوهای رایج پلتفرم‌های سوشیال مدیا را دور زد تا دچار حذف و سانسور الگوریتم‌های آنها نشد. کاربران فضای مجازی با استفاده از غلط‌های عمدی املائی و یا خطای عمدی در شنیده‌ها و همچنین ایموجی و کاراکترهای خاص تلاش می‌کنند از چنگ این الگوریتم‌ها که به خاطر کلمات و محتوای توهین‌آمیز و یا ممنوعه‌ی سیاسی و جنسیتی و... در کمین آنها نشسته‌اند، فرار کنند. تیلور لورنس روزنامه‌نگار «واشنگتن پست» این روش را «آلگوسپیک» نامید. وبسایت TheConversation در گزارشی که کیهان لایف (کیهان لندن به زبان انگلیسی) آن را به نقل از رویترز منتشر

تعیین جایزه ۱۵ میلیون دلاری آمریکا برای دریافت اطلاعات درباره شبکه مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



رزمایش نیروی زمینی سپاه پاسداران / مهر ۱۴۰۱

وابسته به وزارت خارجه آمریکا، تولید اطلاعات سودمند برای محافظت از مردم و تقویت امنیت ملی آمریکا است. این اطلاعاتی که دو هفته پس از کشته شدن دو نفر از نیروهای آمریکایی در سوریه در حمله موشکی شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی منتشر شد. در هفته‌های اخیر حملات موشکی و پهپادی گروه‌های نیابتی به پایگاه‌های آمریکا در سوریه افزایش پیدا کرد. نهادهای امنیتی و همچنین شماری از مقامات نظامی و سیاسی آمریکا بارها گفته‌اند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از این حملات پشتیبانی می‌کند. اخیراً گلودیا تنی عضو جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا گزارشی مستند به کنگره ارائه داده که در آن بر اساس اسناد و مدارک آمده رژیم ایران در اولین سال روی کار آمدن دولت بایدن ۷۵۰ حمله به کارکنان و متحدان آمریکا و بیش از ۶۰۰ حمله در سال ۲۰۲۲ انجام داد که تعداد این حملات حدود ۵۰۰ مورد نسبت به سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ بیشتر بوده است. در این گزارش گفت شده است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حدود ۶۵۰ هزار نیرو و سالانه حدود پنج میلیارد دلار بودجه در اختیار دارد.

● دفتر برنامه «پاداش برای عدالت» وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد «سپاه پاسداران همچنان در حال تأمین مالی تروریسم با استفاده از سازوکارهای مالی غیرقانونی است و ثبات منطقه و امنیت جهان را به مخاطره می‌اندازد».

● در توییت وزارت خارجه ایالات متحده آمده «به ما کمک کنید خط شبکه مالی سپاه پاسداران را مختل کنیم. به ما کمک کنید تا تروریست‌ها را متوقف کنیم».

دفتر برنامه «پاداش برای عدالت» وزارت خارجه آمریکا برای دریافت اطلاعات در مورد شبکه مالی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی جایزه ۱۵ میلیون دلاری تعیین کرده است. وزارت خارجه آمریکا ۱۵ آوریل (۲۶ فوروردین) اعلام کرد «سپاه پاسداران همچنان در حال تأمین مالی تروریسم با استفاده از سازوکارهای مالی غیرقانونی است و ثبات منطقه و امنیت جهان را به مخاطره می‌اندازد».

در توییت وزارت خارجه ایالات متحده آمده «به ما کمک کنید خط شبکه مالی سپاه پاسداران را مختل کنیم. به ما کمک کنید تا تروریست‌ها را متوقف کنیم».

مأموریت اعلام‌شده از سوی دفتر برنامه «پاداش برای عدالت»

بگیرند! اما در واقعیت جمعیت عبارت بسیار متفاوتی را علیه جو بایدن فریاد می‌زد: «فاک جو بایدن!» عبارتی که آن زمان در بازی‌های فوتبال آمریکایی به فراوانی تکرار می‌شد. همین وبسایت در گزارش مفصل دیگری درباره این اتفاق می‌نویسد، گویا مخابره‌ی نادرست عمدی از شعار جمعیت، نوعی خطای ماهرانه از سوی گزارشگر ورزشی «ان بی سی» بود و اگرچه خود وی در این مورد توضیحی علنی نداده است، اما به نظر می‌رسد که او با این کار آن عبارت زشت سیاسی را خنثی می‌کند تا به حامیان مالی و بینندگان شبکه «ان بی سی» توهین نکند. با این حال، این عبارت که به سرعت وارد زندگی مجازی و واقعی شد نشان می‌دهد که چگونه زبان و سیاست، همراهم عجیب و غریبی برای هم محافظه‌کاران و هم لیبرال‌ها به وجود می‌آورند.

*منبع: وبسایت TheConversation
*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

به نظر می‌رسد با تداوم این وزن‌کشی زبانی، چنین سوء تفاهم‌هایی بیشتر و بیشتر شوند ضمن اینکه برخی اصطلاحات «آلگوسپیک» خواه‌ناخواه به زبان رایج خارج از فضای مجازی نیز سرایت کرده و رایج می‌شوند. از این گذشته، زبان‌کدگذاری شده و با ابهام در هر حال زنده می‌ماند زیرا مفید است و گاهی از این اصطلاحات می‌توان در سیاست نیز برای طعنه زدن به رقبای سیاسی استفاده کرد.

این گزارش TheConversation با عبارت «بیا بریم براندون، کسی میاد؟!»، تمام می‌شود. و اما ماجرای این عبارت چیست؟ در اکتبر ۲۰۲۱ هنگامی که گزارشگر ورزشی شبکه «ان بی سی» با «براندون براون» از رانندگان «نسکار» انجمن اتومبیلرانی آمریکا مصاحبه می‌کرد، تماشاگران شعاری می‌دادند که این خبرنگار آن را «بیا بریم براندون» مخابره کرد یعنی اینکه از «براندون براون» دعوت می‌شد تا بروند پیروزی وی را جشن

→ از آن برای دور زدن سانسور در روسیه تزاری استفاده می‌کردند. برای نمونه بجای عبارت ممنوعه‌ی «انقلاب» از عبارت «کار بزرگ» استفاده می‌شد.

بسیاری از خرده‌فرهنگ‌ها نیز کدهای مخصوص خود را به وجود آورده‌اند که فقط توسط اعضای خود آنها قابل درک است. برای مثال، «پولاری» یک زبان خصوصی بین مردان همجنسگرا در اوایل قرن بیستم در بریتانیا و در دورانی بود که احساسات عمومی علیه همجنسگرایی افزایش می‌یافت. در همین ارتباط، عبارت «معامله زمخت» به شریک جنسی از طبقه کارگر اشاره داشت.

در این روش از قافیه‌های عامیانه هم برای ابهام و پنهان کردن معنا بین باند‌های بزهدار نیز استفاده می‌شد تا بتوانند بدون برانگیختن شک و تردید حتا در حضور پلیس با هم پیام رد و بدل کنند.

همچنین زبان «لیتسپیک» Leetspeak که از عدد و علامت بهره می‌گیرد، در دهه هشتاد میلادی همزمان با همگانی شدن کامپیوتر و به میدان آمدن اینترنت شکل گرفت. پیشگامان باهوش اینترنت به استفاده از سیستم‌های تابلو اعلانات در فضای مجازی پرداختند. برخی از روش‌هایی که آنها برای دور زدن مقررات ایجاد کردند، امروزه هنوز در شبکه‌هایی مانند TikTok استفاده می‌شود. در این روش از اعداد بر اساس شباهت آنها به حروف استفاده می‌شود. مثلاً عدد ۱ بجای الف و ۰ یا علامت بین‌المللی دلار \$ بجای حرف اس در انگلیسی و غیره. به این ترتیب خود کلمه Leet در ترکیب «لیتسپیک» با عدد ۱۳۳۷ نوشته می‌شود.

در ایران

اگرچه از «آلگوسپیک» عمدتاً درباره روابط جنسی و واژگان مربوطه استفاده می‌شود اما در زمینه‌های دیگر از جمله سیاسی و اجتماعی نیز کاربرد دارد. در سال ۲۰۲۲ معترضان ایرانی از همین روش برای اطلاع‌رسانی و فرار از مقررات پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی استفاده کردند که نسبت به کلمات و محتوای مربوط به خشونت که در عمل برای سرکوب مخالفان توسط حکومت ایران اعمال می‌شود، حساسیت به خرج می‌دهند. غلط املائی خلاقانه مانند Ir@n برای فرار از سانسور به کار گرفته شد.

حدود یک دهه پیش، زمانی که ایموجی به روشی محبوب و مختصر برای تقویت پیام‌های نوشتاری تبدیل شد، ابزار جدیدی برای دور زدن سانسور محتوا متولد شد. به این ترتیب، با ایموجی میوه‌ها و سبزیجاتی که بطور مبهم به بخش‌هایی از اندام انسان شباهت دارند برای دور زدن مقررات منع محتوای جنسی استفاده می‌شود و ایموجی بدنجان و هلو معانی کاملاً جدیدی در دنیای مجازی پیدا کرد. در سال ۲۰۱۹ فیسبوک و اینستاگرام اقداماتی را برای جلوگیری از استفاده از این ایموجی‌ها در ارتباط با معانی جنسی انجام دادند.

به نظر می‌رسد پلتفرم‌های مختلف رسانه‌های اجتماعی مرتب و بطور فزاینده با کاربران خود درگیر هستند. آنها ممکن است هربار عباراتی را مسدود کنند، اما همین کار منجر به ظهور معادل‌های تازه در «آلگوسپیک» می‌شود تا جای آنها را بگیرند. ضمن اینکه این پلتفرم‌ها هر کدام مقررات متفاوتی دارند که عبارات مختلفی را ممنوع می‌کنند و آنچه قابل قبول تلقی می‌شود همواره در حال تغییر است! تداوم این وضعیت می‌تواند به یک مشکل بزرگ برای صاحبان این پلتفرم‌ها تبدیل شود.

در ژانویه ۲۰۲۳ جولیا فاکس هنرپیشه در سخنانی از عبارت «ریمل» در تیک‌تاک استفاده کرده بود بدون آنکه ظاهراً از معنی آن در «آلگوسپیک» (آزار جنسی) اطلاع داشته باشد. او به دلیل این اظهار ناپسند مجبور به واکنش و عذرخواهی شد.



دفن روایات زنان در تاریخ:

حذف برای

«حیثیت»؛

از «شهر نو» تا

«جنگ هشت ساله»

زنان از تاریخچه جنگ ایران و عراق می‌نویسد و در مقاله ای که نهال تابش در وبسایت «راديو زمانه» منتشر کرده، از تجاوز به عنوان سلاح جنگی یاد می‌شود.

سرنوشت زنان ساکن «شهر نو» از این جهت برایم پررنگ شد که وقتی در شبکه‌های اجتماعی درباره روزی که «قلعه» به دست انقلابیون به آتش کشیده شد نوشتم، خیلی‌ها نوشتند که درباره این ماجرا اطلاعی نداشته‌اند و بسیاری هم با اینکه از وجود منطقه‌ای به نام «شهر نو» مطلع بودند، نمی‌دانستند که پس از انقلاب چه بر سر هزاران زن و کودکی که در آلودگی‌های قلعه زندگی می‌کردند آمده است. زنان ساکن «شهر نو» شاید به دست سربازان بعثی آزار ندیدند و مورد تجاوز قرار نگرفتند، ولی آنها هم قربانی همان سیستم فکری بوده‌اند که بدن زن را ملک مرد می‌دانسته و «لکه‌دار شدن» دامن زن را دلیلی موجه برای طرد شدن و حذف از جامعه.

برای مقایسه میان حذف روایات زنانی که دست سرنوشت آنها را به «شهر نو» رساند و به کارگر جنسی تبدیل‌شان کرد و حذف خاطرات زنانی که قربانی تجاوز در دوران جنگ ایران و عراق شدند به خاطر در دسترس نبودن منابع و اطلاعات کافی از بحث دوم، بر آنم که از تجربه‌ای متفاوت بنویسم؛ از سرنوشت زنان «آسایشگر» کراهی که در طول جنگ جهانی دوم توسط ارتش امپراتوری ژاپن در ایستگاه‌های آسایش مستقر شدند تا خدمات جنسی به سربازان ژاپنی ارائه دهند. این مقایسه مطمئناً از بسیاری جهات ناکافیست. ولی شباهت‌های فرهنگی میان جامعه ایران و کره «جنوبی»، به‌خصوص سیستم ساختاری مردسالارانه و تنزل جایگاه زن به شخصیتی وابسته به «مرد» می‌تواند به پیشبرد این مقاله کمک کند. بخش مربوط به تاریخچه زنان آسایشگر مقدمه‌ای خواهد بود به نگاهی عمیق‌تر به سرنوشت زنان «شهر نو» (قلعه) که در متن انقلاب اسلامی، سرنوشتی شوم‌تر از زنان آسایشگر داشتند. بین این دو گروه تفاوت‌های بسیاری وجود دارد، چه از نظر جغرافیایی، چه از نظر تاریخی و مدنی. ابتدا سعی خواهیم کرد به شباهت‌هایی که میان این دو گروه وجود دارد بپردازم و در نهایت با استفاده از تفاوت‌ها، نگاهی خواهیم داشت به سرنوشت آنها.

ایستگاه‌های آسایش: جنایت علیه بشریت

ما‌ها‌ها پس از سقوط ارتش امپراتوری ژاپن در

مثال، در کنیا از ۱۹۲ قربانی سومالیایی تجاوز جنسی از فوریه تا مارس سال ۱۹۹۳، ۱۸۷ قربانی زن بوده‌اند، چهار کودک و یک مورد تجاوز به مرد گزارش شده است. تجاوز جنسی نه یک آزار تک‌نفره است و نه اقدامی توسط چند خرده‌سرباز دون‌پایه. مستندات زیادی از سیستماتیک بودن تجاوز جنسی و آزارهای فیزیکی علیه زنان در دوران جنگ جهانی دوم وجود دارد. برای مثال می‌توان به تجاوزات جنسی سربازان نازی به زنان یهودی اشاره کرد؛ این در حالیست که سربازان نازی نگران «آلودگی نژادی» یهودیان بودند، با این حال از فرماندهان خود دستور داشتند تا از تجاوز برای ارباب و شکست روحیه دشمن استفاده کنند. تجاوزات سربازان رایش سوم در حمله به اتحادیه جماهیر شوروی نمونه دیگری از این شکل جنایت جنگی‌ست. آزارهای جنسی و تجاوز سربازان ارتش سرخ به زنان آلمانی پس از سقوط برلین را هم می‌توان فراموش کرد. روایات از تجاوز گروهی به زنان و دخترکان آلمانی پس از شکست رایش سوم آنقدر سیاه است که مقاله روزنامه گاردین در سال ۲۰۰۲ با این جمله آغاز می‌شود: «سربازان روس به همه زنان آلمانی بین سنین ۸ تا ۸۰ سال تجاوز کردند.»

این روزها که خواندن تاریخ مهمتر از همیشه به نظر می‌آید، مروری داشتم بر سال‌های پایانی سلطنت محمدرضا پهلوی، وقایعی که به انقلاب اسلامی منجر شد و نخستین سال‌های استقرار رژیم جمهوری اسلامی. در این بین، بارها از زنان ساکن «شهر نو» خواندم و بارها از خودم پرسیدم که چرا به این بخش از تاریخ معاصر، نسبت به دیگر وقایع، کمتر پرداخته شده است؟ یا ورق زدن تاریخ و خواندن روایاتی که بر سر زنان ایرانی در طول جنگ ایران و عراق رفته است و سکوت عامدانه حکومت و جامعه در برابر خاطرات و اسناد برجای مانده، بر آنم داشت که چند سطر (شما بخوانید چند صفحه‌ای) درباره سیستم فکری که حول محور «حیثیت» مرد می‌چرخد و از زن به عنوان طفیلی وجود مرد سخن می‌گوید بنویسم.

از تجاوز سربازان عراقی به زنان ایرانی در دوران جنگ منابع زیادی در دسترس نیست. جامعه مردسالاری که با چاشنی ایدئولوژی مذهبی درآمیخته، با بدن زن به مثابه «ملک مرد» برخورد می‌کند و شاید همین دلیل کافیتست تا مصائبی که زنان در دوران جنگ از سر گذراندند به دست فراموشی سپرده شود. مقاله سارا محمدی در «بی بی سی» فارسی از فاجعه سوسنگرد روایت می‌کند و به دلایل حذف

● از تجاوز سربازان عراقی به زنان ایرانی در دوران جنگ منابع زیادی در دسترس نیست. جامعه مردسالاری که با چاشنی ایدئولوژی مذهبی درآمیخته، با بدن زن به مثابه «ملک مرد» برخورد می‌کند و شاید همین دلیل کافیتست تا مصائبی که زنان در دوران جنگ از سر گذراندند به دست فراموشی سپرده شود.

● در این میان، زنان ساکن «شهر نو» شاید به دست سربازان بعثی آزار ندیدند و مورد تجاوز قرار نگرفتند، ولی آنها هم قربانی همان سیستم فکری بوده‌اند که بدن زن را ملک مرد می‌دانسته و «لکه‌دار شدن» دامن زن را دلیلی موجه برای طرد شدن و حذف از جامعه.

● سرنوشت زنان شهر نو و روایات زنان در دوران جنگ متأسفانه در سایه رژیم جمهوری اسلامی بطور سیستماتیک خاک شد و جامعه هم تلاشی برای شکست سکوت خود نکرد. با این حال این امیدواری وجود دارد که جنبش «زن، زندگی، آزادی» مقدمه‌ای باشد برای یک آشتی ملی، برای اینکه روزی بتوانیم از جنایاتی که بر سر زنان ایرانی آمده سخن بگوییم و تاریخ را آنطور که اتفاق افتاده است روایت کنیم، نه با سانسور و حیثیت‌محوری.

● حذف از تاریخ دامن روایات زنان در دوران جنگ ایران و عراق را هم گرفت. چهره مردانه جنگ جایی برای حضور زنان نداشت و در اکثر روایات بجا مانده از هشت سال جنگ، نقش زنان کلیشه‌ایست: بدرقه مردان‌شان به جبهه، کمک‌رسانی در پس‌زمینه. در همان سال‌های جنگ روایات بسیاری از تجاوز سربازان بعثی به زنان ایرانی در روزنامه‌ها چاپ شد. از فاجعه سوسنگرد، که بارها در طول تاریخ تکذیب شده، تا سال‌ها حتی شاهد زنده هم وجود داشت.

گلناز فخاری - تجاوز جنسی در تاریخ مدون پشوری به عنوان اهرم فشار، ارباب و سلاح در کشمکش‌های اجتماعی و جنگ استفاده شده است. در قرن گذشته تحلیلگران بر این باور بودند که «تجاوز با اینکه بسیار وحشتناک است، ولی به عنوان عارضه‌ای جانبی و اجتناب‌ناپذیر در فرستادن مردان به جنگ، آنچنان اهمیتی هم ندارد.»

بین همه جنایاتی که در متن جنگ اتفاق می‌افتد، تجاوز جنسی در مقیاسی بسیار بزرگ علیه زنان استفاده می‌شود. گرچه مردان هم مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، اما اسناد و مدارک بجا مانده از دوره‌های مختلف جنگ در دنیا نشان می‌دهد که عمدتاً زنان قربانی این جنایت هستند. برای

جنگ جهانی دوم و اعلام رسمی پایان جنگ در سال ۱۹۴۵، وقتی سربازان آمریکایی وارد خاک سنگاپور شدند تا آخرین سنگرهای اشغالگران ژاپنی را بطور کامل از بین ببرند، با تعداد زیادی پرستار زن مواجه شدند که نه علم پزشکی داشتند و نه شوقی برای کمک‌رسانی به سربازان زخمی. نیاز به تحقیقات گسترده‌ای نبود، چرا که فقط در گفتگو با تنی چند از این «پرستاران»، سربازان آمریکایی و انگلیسی با حقیقتی مواجه شدند که خیلی زود به یکی از سیاه‌ترین روایات دوران جنگ تبدیل شد. ایستگاه‌هایی که متفقین به راحتی از چنگ سربازان ژاپنی درآورده بودند نه بیمارستان بود و نه خوابگاه. اینان ایستگاه‌های «آسایش» بودند و دخترکان و زنانی که به شکل پرستار درآمده بودند «زنان آسایشگر»؛ زنانی که توسط ارتش امپراتوری ژاپن با وعده‌های دروغین از شهر و دیار خود دور می‌شدند تا به سربازان ژاپنی خدمات جنسی ارائه دهند.

«بعد از خودکشی ناموفقم فکر کردم شاید باید زنده مومنم تا داستانم رو به بقیه بگم.» این حرف‌های کیم بوک-دانگ است. زنی اهل کره جنوبی که تا پیش از مرگ در ژانویه سال ۲۰۱۹، یکی از آخرین بازماندگان زنان آسایشگر بود که در طول جنگ جهانی دوم توسط ارتش ژاپن در ایستگاه‌های مختلف اسکان داده شد و بارها و بارها مورد تجاوز جنسی قرار گرفت.

«وقتی وارد اولین ایستگاه آسایش شدم فقط ۱۴ سال داشتم. وقتی از کشتی که ما رو به چین رسانده بود پیاده شدیم با جمعی از ژنرال‌های ژاپنی مواجه شدیم. یکی از اونا از من پرسید چند سالمه، وقتی فهمیدم که فقط ۱۴ سالم هست، بین خودشون پیچ پیچ کردن که «خیلی بچه نیست؟» ولی من نمی‌فهمیدم منظورشان چیه.»

کیم یکی از هزاران زنی بود که با وعده‌های دروغین و برای اینکه بتواند کمک خرج خانواده‌اش در دوران سخت جنگ باشد، وارد مسیری شد که تا آخر عمر، زخمی کاری بر روح و جسم‌اش گذاشت. هشت سال بعد پس از پایان رسمی جنگ وقتی به شهر کوچکشان، یانگ سن، بازگشت، زنی ۲۱ ساله بود که جای جای بدن‌اش نشانگر ظلمی بود که روح‌اش را می‌خراشید.

«آخر هفته تمام وقت کار می‌کردیم. شیفت من گاهی از هشت صبح بود تا پنج یا شش عصر. روزهایی بود که دیگه بدمن رو حس نمی‌کردم. نمی‌فهمیدم کجا هستم.»

پایان جنگ، اما، پایانی بر رنج این زنان نبود. بر اساس تحقیقات آسوشیتدپرس در سال ۲۰۰۷، مشخص شد که مقامات آمریکایی تا ماه‌ها پس از پایان جنگ به این ایستگاه‌ها اجازه فعالیت دادند و هزاران زن آسایشگر مجبور شدند تا به سربازان آمریکایی خدمات جنسی ارائه دهند. سرنوشت زنان آسایشگر در دوران جنگ، که بیشترشان از کره، چین و فیلیپین دستچین شده بودند و در میان‌شان زنانی هم از تایوان، برمه، تایلند و گینه نو حضور داشتند، شاید یکی از غم‌انگیزترین جنایات جنگی باشد که تا سال‌ها رازی مگو میان جامعه آسیا بود.

مسئله زنان آسایشگر تا همین امروز یکی از دلایل تیرگی رابطه میان توکیو و سئول است. دولت ژاپن که در تلاش است تا بر روی بسیاری از جنایات جنگی خود سرپوش بگذارد، نمی‌خواست با عذرخواهی و پرداخت جریمه به ارتکاب این جنایت اذعان کند و دولت کره جنوبی هم در اثر فشار گروه‌های مدنی و زنانی که از ایستگاه‌های آسایش جان سالم به در برده و دادخواه بودند، در پی کشف حقیقت بود.

در این بین، تحلیلگران بسیاری سعی در سفیدنمایی این جنایت داشتند (و دارند) که سعی کرده‌اند ثابت کنند این

زنان نه از روی «اجبار» بلکه به اختیار و با انعقاد قرارداد وارد این ایستگاه‌ها شده بودند.

جان مارک رامسایر، متخصص حقوق و قوانین ژاپن، یکی از کسانیست که جنایت علیه زنان آسایشگر را داستانی «خیالی» می‌داند و در مقاله‌ای که در دسامبر ۲۰۲۰ منتشر شده ادعا می‌کند که این زنان «خودخواسته» وارد این ایستگاه‌ها شده‌اند. او می‌نویسد: «کارگران جنسی برای ارائه خدمات همه جا به دنبال ارتش‌ها گسیل می‌شدند، درباره ارتش ژاپن هم همین اتفاق افتاده. این زنان کارگر جنسی بودند و با انعقاد قرارداد وارد این ایستگاه‌ها می‌شدند و مواجب می‌گرفتند.»

رامسایر تنها کسی نیست که منکر وجود زنان آسایشگر می‌شود. گروه‌ها و اشخاص دیگری هم طی سال‌ها گذشته ادعاهایی مشابه کرده‌اند. در این میان گروه‌های مدنی حامی حقوق زنان آسایشگر و بازماندگان مجبورند در کنار مبارزه با دولت ژاپن با مدعیان «نکوهش قربانی» هم بجنگند. یکی از شباهت‌ها میان زنان آسایشگر و زنان ساکن شهر نو، در همین نکوهش قربانیست. ادبیاتی که زن را به یک موجود ناتوان و آسیب‌پذیر تقلیل می‌دهد و ناگهان در مواجهه با زشتی تجاوز و آزار جنسی، زن تبدیل به یگانه بازیگر اصلی این معادله می‌شود که نه تنها می‌بایست از خودش دفاع کند، که باید به دفاع از حیثیت اجتماع هم بپردازد.

بالاخره پس از فراز و نشیب‌های بسیاری، در سال ۲۰۱۵ قرارداد میان ژاپن و کره جنوبی منعقد شد. طبق این قرارداد، ژاپن نه تنها به ماهیت این جنایت جنگی اذعان کرد، بلکه قول عذرخواهی داد و قول داد که مبلغ یک میلیارد (۳/۸ میلیون دلار) برای برپایی سازمانی تحت کنترل دولت کره جنوبی جهت کمک به زندگی قربانیان و بازماندگان اختصاص دهد.

کیم بوک-دانگ در اینباره می‌گوید: «سیاستمدارها بدون اینکه از ما نظر بخوان نشستند پای میز مذاکره و اصلا نپرسیدند که این همون چیزیه که شما می‌خواهید؟ بدون ما خودشون مذاکره کردن و تصمیم گرفتند.»

کیم بوک-دانگ از طردشدگی اجتماعی می‌گوید. از اینکه پس از برگشت از جهنم جنگ و ایستگاه‌های آسایش، تا سال‌ها سکوت کرده و به هیچکس، حتی خانواده‌اش هم نگفته که چه بلایی بر سرش آمده است.

«بالاخره بعد از مدتی به مادرم گفتم که در این مدت دوری کجا بودم و چه اتفاقاتی برام افتاده. چون نمی‌خواستم ازدواج کنم و مادرم بهم فشار می‌آورد تا دلیلش رو بفهمه. بالاخره بهش گفتم که چه بلایی به سرم آوردن. اونم نمی‌توانست درباره این ماجرا با کسی صحبت کنه. برای همین خیلی بهش فشار روحی وارد شد و دچار سکنه قلبی شد. همون سکنه جونش رو از دست گرفت.»

طردشدگی اجتماعی از دیگر مواردیست که قربانیان تجاوز و اجبار رابطه جنسی را بهم نزدیک می‌کند. این نکته به خصوص در جوامع سنتی و مردسالار بیشتر به چشم می‌خورد. برای درک بهتر ساختار اجتماعی کره جنوبی، به ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم و در چند دهه اخیر، با پروفسور دانولد بیکر، استاد تاریخ و تمدن‌شناسی کره جنوبی از دانشگاه بریتیش کلمبیا به صحبت نشستیم.

او می‌گوید کره جنوبی بطور کلی یک سیستم مردسالار و سنت‌گرا دارد و با اینکه طی دو دهه اخیر سنت‌گرایی کم‌رنگ‌تر شده، اما سیستم خانواده و جامعه هنوز هم مردسالار است.

«جامعه کره هنوز هم از بلایی که به سر زنان آسایشگر آمده زخم خورده است. به چند دلیل. یکی از مهمترین دلایل این است که ارتش ژاپن دایرکننده این ایستگاه‌ها

بوده و زنان کره‌ای را با دروغ و اجبار به آنجا می‌کشاندند. کره‌ای‌ها هنوز هم از اینکه کشورشان سال‌ها تحت استعمار ژاپن بوده خشمگین هستند. دلیل مهم دیگر این است که این زنان با مردان «ژاپنی» هم‌خواه می‌شدند. تا همین سال‌های اخیر کره‌ای‌ها به زنانی که شریک جنسی غیرکره‌ای داشتند با تحقیر نگاه می‌کردند. حالا تصور کنید که این هم‌خواهی با ژاپنی‌ها بوده و آنهم به اجبار.»

زنان آسایشگر کره‌ای دو بار مورد ظلم قرار گرفتند. اولین بار وقتی که با وعده‌های دروغین کار در کارخانه‌ها به بردگی جنسی وادار شدند و یا توسط اعضای خانواده‌شان به دلالتان فروخته می‌شدند و در نهایت سر از ایستگاه‌های آسایش در می‌آوردند. دومین بار هم از طرف جوامع خود مورد ظلم قرار گرفتند. جامعه‌ای که سال‌ها آنها را طرد کرد، روایات‌شان را دروغ خواند و آنها را مجبور کرد تا به تنهایی وارد مسیر دادخواهی شوند.

زنان آسایشگر کره‌ای و زنان شهر نو هر دو به اجبار و بعضاً با وعده‌های دروغین مجبور به تن‌فروشی می‌شدند. هر دو گروه از بین آسیب‌پذیرترین اقشار جوامع خود دستچین شده و مجبور به زندگی در کیلومترها دورتر از خانه و کاشانه‌ی خود می‌گشتند. بین هر دو گروه زنانی بودند که توسط خانواده‌های خود معامله شدند تا در شرایط سخت اقتصادی «نانخور» کمتری سر سفره خانواده باشد. بسیاری از زنان آسایشگر پیش از پایان جنگ تلف شدند، بسیاری ایستگاه‌های آسایش خودکشی کردند و گروهی هم که جان سالم به در بردند و توانستند به شهر خود برگردند سرنوشتی بهتر از هم‌قطاران خود نداشتند.

کیم بوک-دانگ می‌گوید: «گاهی فکر می‌کنم کاش همونجا، در همون ایستگاه اول مرده بودم.»

یکی از مهمترین تفاوت‌ها میان سرنوشت زنان آسایشگر کره‌ای و زنان شهر نو، شکست سکوت جامعه است. کره‌ای‌ها در همان مت‌مردسالارانه که هم‌خواهی زن کره‌ای با اجنبی را با تحقیر نگاه می‌کرد، بالاخره روزی تابو را شکستند و دولت وقت را مجبور به واکنش کردند.

سرنوشت زنان شهر نو و روایات زنان در دوران جنگ متاسفانه در سایه رژیم جمهوری اسلامی بطور سیستماتیک خاک شد و جامعه هم تلاشی برای شکست سکوت خود نکرد. با این حال این امیدواری وجود دارد که جنبش «زن، زندگی، آزادی» مقدمه‌ای باشد برای یک آشتی ملی، برای اینکه روزی بتوانیم از جنایاتی که بر سر زنان ایرانی آمده سخن بگوییم و تاریخ را آنطور که اتفاق افتاده است روایت کنیم، نه با سانسور و حیثیت‌محوری.

زنان شهر نو، گمشدگان تاریخ

می‌گویند زنان و کودکان از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه در شرایط بحرانی هستند. در زمستان سال ۱۳۵۷ و در بحبوحه روزهای انقلاب، گروهی از انقلابیون در تهران به یکی از مفلوک‌ترین و اسرارآمیزترین نقاط شهر حمله کردند و محله‌ای را که سال‌ها تنها پناهگاه و مأمن زنانی بود که دست روزگار آنها را به آنجا رسانده بود، به آتش کشیدند. در تمامی روایت‌هایی که از «آتش زدن قلعه» بجا مانده، پاسخی مستقیم به چرایی این عمل داده نشده است. یا شاید چرایی آنقدر برای روایتگران و مخاطبان روشن بوده که دیگر دلیلی برای تأکید دوباره وجود نداشته است. مگر غیر از این است که انقلابیون می‌خواستند «فساد» را از کشور ریشه‌کن کنند و بی‌شک در چشم آنان، زنان شهر نو از مفسدترین‌های فی الارض بودند.

دوشنبه ۹ بهمن ۱۳۵۷، دو هفته پس از خروج محمدرضا شاه پهلوی از ایران و در روزهایی که التهاب انقلاب

→ بر سر هر کوی و برزنی شعله‌ور بود، حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر، جماعتی در اطراف قلعه تجمع کردند. نیروی انتظامی از آنها خواست متفرق شوند، ولی اینان همان جماعتی بودند که ساعتی قبل آبجوسازی «شمس» را به آتش کشیده و در روزهای پیش از آن نیز به خدمت کاباره شکوفه و برخی اماکن معروف دیگر در جنوب شهر تهران رسیده بودند. ساعتی بعد، تنی چند از جوانان هیجانزده و انقلابی به دیوارها و در ورودی قلعه هجوم بردند، پلیس و شهروندانی را که سعی داشتند آنها را آرام کنند کنار زدند و به داخل کوچه‌های قلعه که تا آن روز از دید شهر پنهان بود یورش بردند. به تبعیت از آنها جمعیت بزرگتری به داخل شهرک گسیل شد و روایتی سیاه رقم خورد.

کامران شیردل، فیلمساز، مترجم و عکاس، در اینباره می‌گوید: «... تا اینکه یک موتور آمد، گفتم این دودی که از پایین می‌آید، این دود مال کجاست؟ گفت مگر خبر نداری؟ شهر نو را آتش زده‌اند. من اصلاً باور نمی‌کنید، گر گفتم، از شدت ناراحتی و هم شوکه شدم.»

به گفته کامران شیردل، در میانه بلبشو نیروهای ارتش برای جلوگیری از خشم مردم وارد محدوده قلعه شدند، ولی آنها نیز خیلی زود عقب‌نشینی کردند.

«آن موقع روزهایی بود که فکر می‌کنم ارتش هم فهمیده بود دیگر کاری از دستش بر نمی‌آمد. روزهای شکست بود، روزهای فروپاشی بود. به هرحال من که اصلاً وقتی نداشتم بخواهم دنبال این قضیه را بگیرم. دنبال خود مسئله می‌رفتم و بیشتر وحشت از آن داشتم که حالا چه اتفاقی خواهد افتاد. و آن اتفاق افتاد.»

منظور کامران شیردل از «آن اتفاق» حمله مردم به زنان ساکن شهر نو است.

شهرنو در سال‌های نخستین حکومت پهلوی شکل گرفت. با انقراض سلسله قاجاریه و رها شدن زنان بی‌شماری که در حرمسرای قاجاری چند صباحی همسری می‌کردند و به دست فراموشی سپرده می‌شدند، ناگهان شمار زنان «روسی» در تهران زیاد شد، چرا که اکثر این زنان بجز فعالیت جنسی کار دیگری بلد نبودند. برخی از زنانی که خوشبخت‌تر بودند به عقد شاهزاده‌های قاجار درآمدند، بسیاری از بیماری و فقر هلاک شدند و اکثریت به تن فروشی در نقاط مختلف شهر محکوم شدند.

در فیلم مستندی که به سفارش سازمان زنان ایران در سال ۱۳۴۵ درباره زنان ساکن شهر نو ساخته شد، از زبان تنی چند از زنان شهر نو می‌شنویم که دست سرنوشت چگونه آنها را به قلعه رسانده است.

اکثر زنان با لهجه‌ها و گویش‌های مختلف صحبت می‌کنند و بیشترشان حتی نمی‌دانند که دقیقاً چند سالشان است. فقر و بی‌سوادی نقطه اتصال همه آنهاست. برای یکی از زنان معنی فقر این بوده که در سن پایین به زور و با مردی که هیچ شناختی از وی نداشته ازدواج کند، مردی که بجز او دو همسر دیگر هم داشته و با کرایه دادن همسر سوم به مردان دیگر، از او بهره‌برداری مالی می‌کرد. دیگری را پدرش با چند کیسه برنج طاق زده و به دستان زنی «خبر» سپرده که قرار بوده او را به شهری بزرگتر ببرد و دستش را در کارخانه ریسافتی بند کند. کارخانه‌ای که در واقع آلونکی کثیف در پس کوچه‌های قلعه بود. زنی که از صدایش مشخص است که در زمان مصاحبه بچه‌سال است می‌گوید: «مرا دزدیدند.» دیگری طلاق گرفته و برای گذران زندگی در خانه‌ها کارگری می‌کرده. یکی از صاحبکارها آنقدر مقروض‌اش کرده که در نهایت برای پس دادن بدهی‌های خود چیزی جز بدنش برای فروش نداشته است.

کوروش برزی در یادداشتی به نام «سرگذشت محله غم»

درباره شکل‌گیری شهر نو می‌نویسد: «تا پیش از رضاشاه دولت‌های قاجاریه موفق به جمع‌آوری زنان روسپی نشده بودند و قلدری رضاشاه بود که باعث به سرانجام رسیدن این مهم شد! قوام دفتر خیابانی جدید به موازات خیابان حاج عبدالمحمود ساخت و یک فرد زرتشتی خیر به نام ارباب جمشید که از پارسیان هند و تاجر مقیم این کشور بود هزینه ساخت ده‌ها خانه در این محل به منظور اسکان زنان فریب خورده و بی‌سرپرست رو داد و همچنین به منظور تامین مخارج این زنان و فرزندان آنها ده‌ها دهنه دکان در این محله ساخته شد تا از کرایه اونها به زنان بی‌سرپرست یا گمراه حقوق ماهیانه داده بشه تا به این ترتیب از پیوستن دوباره اونها به فساد جلوگیری به عمل بیاد که البته چنین اتفاقی هرگز نیافتاد و این محل از این پس به صورت رسمی معروف به محله فساد شد.»

غم‌انگیزترین بخش داستان زنان شهر نو، کودکانی بودند که در این محله به دنیا می‌آمدند، در همان محله بزرگ می‌شدند و بیشترشان در سنین پایین مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گرفتند. دخترکان قربانی اصلی بودند، ولی به گفته کوروش برزی، پسران هم توسط «مشتری‌ها» و مردانی که به قلعه رفت و آمد داشتند مورد آزار جنسی قرار می‌گرفتند. سرنوشت اکثر این کودکان با مادرانشان یکی بود و بیشتر آنها وقتی به سن بلوغ می‌رسیدند تبدیل به کارگر جنسی می‌شدند. ریشه فقر و فساد هر روز در محله غم عمیق‌تر می‌شد.

وقتی درباره واقعه آتش زدن شهرنو نوشتم و به خودداری آتش‌نشانی از خاموش کردن آتش خشم مردم گفتم، یکی از مخاطبین در توییتر نوشت: «البته از بدترین جنایاتی که شهرنو در تاریخ انجام داد اقدام اهالی شهرنو علیه دولت مصدق و کشتار کودتای ۲۸ مرداد بود... کاش یاد بگیریم پای مجازات اعمالمون بایستیم.»

کنمان حقیقت و یا پیدا کردن دلیل برای جنایت قدمتی دیرینه در جامعه ما دارد. این همان طرز فکریست که به جمهوری اسلامی اجازه داد که بلافاصله بعد از انقلاب و در دهه ۶۰، بدترین جنایات را رقم زند.

کسانی که با چوب و چماق در روز ۹ بهمن ۱۳۵۷ وارد شهر نو شدند، زنان را کتک زدند، شیشه‌ها و درهای آلونک‌ها و مغازه‌ها را شکستند، وسایل ارزان و شکسته خانه‌ها را وسط کوچه‌ها تلبار کردند و در نهایت، چند نفری را هم آتش زدند، برای دادخواهی از کودتای ۲۸ مرداد نیامده بودند! اینان مسلمانان دواتشه و بعضاً جوژده‌هایی بودند که تا دیروز مشتری پروپاقرص قلعه بودند و حالا می‌خواستند با آتش زدن دیوارهای مفلوک شهر نو و کشتن ساکنین‌اش، جامعه را برای استقرار «تقوا» آماده کنند؛ و چه دیواری کوتاه‌تر از مشت زنی و کودک که از جامعه هم طرد شده بودند و کسی برای دادخواهی از آنها سینه ستبر نمی‌کرد.

رژیم جمهوری اسلامی روش قهری و حذفی را در برابر زنان شهر نو اجرا کرد. در تابستان ۱۳۵۸ تنی چند از معروف‌ترین زنان شهر نو، پری بلنده، ثریا ترکه و اشرف چهارچشم، اعدام شدند. با فروپاشی شهرنو، زنانی که تنها «خانه» برایشان همان اتاقک‌های محقر بود، سرگردان کوچه و خیابان‌های شهر شدند. خیلی از آنها روانه شهرستان‌های خودشان شدند و به دست همشهری‌های خود سنگسار گشتند.

در خاطرات علی اکبر هاشمی رفسنجانی چنین می‌خوانیم: «در مجلس جلسه‌ای با حضور نمایندگان تهران و وزرای ارشاد، مسکن، بهداشتی، دادگستری و شهرداری و استانداری تهران درباره بررسی طرح اصلاح محله جمشید و انتقال زنان فاسد به جای دیگر برای اصلاح و تربیت داشتیم. به نتیجه روشنی نرسیدیم و پیشنهاد تشکیل اردوگاه‌ها و قانونی کردن

ازدواج موقت با همین زنان منحرف و جذب تدریجی آنها به خانواده‌های دائم، مورد قبول واقع نشد.»

زنان و اقلیت‌های مذهبی، قومی، جنسیتی و اعتقادی از زمان استقرار جمهوری اسلامی تحت ظلم و شدیدترین شکل سرکوب بوده‌اند. خاصیت دیکتاتوری همین است؛ حمله به آسیب‌پذیرترین گروه‌ها، برای تضعیف جامعه بطور کل، چرا که وقتی گروه اول مورد ظلم قرار می‌گیرد و دیگر گروه‌ها سکوت می‌کنند، در خیلی مواقع خود تبدیل به چماق سرکوب می‌شوند، دیکتاتور به محض سرکوب گروه اول به سراغ دیگر گروه‌ها هم می‌رود؛ اتفاقی که در ۴۴ سال گذشته افتاده است.

زنان شهر نو چندین بار مورد ظلم قرار گرفتند. اولین بار وقتی بود که به خاطر فقر مجبور به تن‌فروشی شدند، بعد توسط کسانی که آنها را می‌فروختند و می‌خریدید طرد شدند. انقلاب اسلامی که نوید استقرار یک حکومت مستضعف محور را می‌داد و با شعار «کوخ‌نشین را کاخ‌نشین می‌کنیم» قاپ عموم مردم را دزدید و هنوز به قدرت کامل نرسیده دست به حذف آنان زد. در نهایت وجود آنها در تاریخ به دست فراموشی سپرده شد.

حذف از تاریخ دامن روایات زنان در دوران جنگ ایران و عراق را هم گرفت. چهره مردانه جنگ جایی برای حضور زنان نداشت و در اکثر روایات بجا مانده از هشت سال جنگ، نقش زنان کلیشه‌ایست: بدرقه مردان‌شان به جبهه، کمک‌رسانی در پس‌زمینه. در همان سال‌های جنگ روایات بسیاری از تجاوز سربازان بعثی به زنان ایرانی در روزنامه‌ها چاپ شد. از فاجعه سوسنگرد، که بارها در طول تاریخ تکذیب شده، تا سال‌ها حتی شاهد زنده هم وجود داشت. ولی همان ایدئولوژی که روزی تنها برخورد با زنان مفلوک شهر نو را حذف آنها می‌دانست، با بلایی که بر سر زنان در دوران جنگ هم آمد برخورد قهری کرد.

مریم کاظم‌زاده، عکاس و خبرنگار جنگ در نشست «زنان در جنگ هشت ساله ایران و عراق» می‌گوید: «بسیاری از واقعیت‌های جنگ درباره زنان را از تاریخ حذف کردند. سال ۶۵ در منطقه بستان، عراقی‌ها به زنان تجاوز کردند و آنها را کشتند. در بخش‌هایی از منطقه یادواره‌ای را برای زنان ساخته بودند و نوشته‌هایی را بالای تپه‌ها زده بودند مبنی بر اینکه یادتان را گرامی می‌داریم. برای تهیه گزارش به آن منطقه رفتم. زمانی که عکس‌ها در مجله زن روز منتشر شد، برخورد کردند که چرا آنها را منتشر کردم. برای بار دوم که به آن منطقه رفتم، تمامی نشانه‌ها را از آن منطقه برداشته بودند و انگار لکه ننگینی بر آن سرزمین بود. اینها نشان می‌دهد که ما نمی‌خواهیم واقعیت‌ها را بیان کنیم و حس مالکیت جامعه مردسالارانه منجر به کم‌رنگ کردن عامدانه این ستم جنسی شده است.»

کلام نهایی

خیزش «زن، زندگی، آزادی» از خیلی جهات حائز اهمیت است. چرا که برای اولین بار در تاریخ ۴۴ ساله رژیم جمهوری اسلامی، بار اول است که جامعه به دادخواهی از حقوق پایمال شده زنان و اقلیت‌هایی که سال‌ها سرکوب شده‌اند بپا خاسته است. ولی شاید یکی از مهمترین دستاوردهای خیزش مردمی ۱۴۰۱ این است که جامعه بالاخره گوش‌های خود را برای شنیدن رازهای مگوی تاریخ تیز کرده است. بی‌شک جامعه‌ای که برای حقوق دیگری دل می‌سوزاند، خود را عضوی از یک جمع بزرگتر می‌داند و توفیق شخصی را در گروی کامروایی جمع می‌بیند، می‌تواند به پویایی و قدرت اتحاد خود اتکا کند.

*گلناز فخاری نویسنده و روزنامه‌نگار ساکن کانادا است.

واکنش خانواده قربانیان «پرواز ۷۵۲» به حکم دادگاه نظامی تهران: روزی خواهد رسید که جنایتکاران اصلی در دادگاه محاکمه شوند



تصویری از جلسه دادگاه متهمان شلیک به هواپیمای اوکراین اینترنتشنال

جواد سلیمانی که همسرش از مسافران این پرواز بود نیز در توییتی نوشت «دادگاهی که علی خامنه‌ای، فرماندهان ارشد سپاه و اعضای شورای عالی امنیت ملی در آن شب را محاکمه نکند، حکمش مورد قبول خانواده‌های هواپیمای اوکراینی نیست.»

وی تأکید کرده «دادخواهی در مجامع بین‌المللی و با تلاش برای برقراری دادگاهی در ایران آزاد در دادگستری تهران پیگیری می‌گردد.»

انجمن خانواده‌های جانباختگان پرواز PSV۵۲ با انتشار بیانیه‌ای حکم دادرسی نظامی را محکوم و اعلام کرد: «ما به هیچ عنوان صلاحیت این دادگاه را نپذیرفتیم و نخواهیم پذیرفت، چه برسد که بر حکم آن تن دهیم.»

این انجمن از اوکراین، کانادا، بریتانیا و سوئد خواست تا شکایت از جمهوری اسلامی را در دیوان لاهه رسماً ثبت کنند.

حامد اسماعیلیون از اعضای هیئت مدیره انجمن خانواده‌های جانباختگان که همسر و دخترش مسافر آن هواپیما بودند نیز در واکنش به حکم دادگاه نظامی تهران در صفحه شخصی خود در اینستاگرام نوشت: «دادگاه واقعی پرواز PSV۵۲ روزی با نشست علی خامنه‌ای، حسین سلامی، امیرعلی حاجی‌زاده، علی شمخانی، باقری، جواد ظریف و دیگر شرکای جرم بر نیمکت متهمین برگزار خواهد شد.»

محمود زیبایی که پسرش مسافر پرواز بی‌بازگشت «اوکراین اینترنتشنال» بود در توییتی نوشت «بیش از ۳ سال روی ابعاد مهم جنایت هواپیمای اوکراینی به دور از هیاهوی رسانه‌ای کار کرده‌ایم و با دستیابی به منابع متعدد، نقش تصمیم‌سازان این جنایت که اسامی‌شان در لیست متهمان نیست را یافته‌ایم. به زودی یافته‌هایمان را با مردم در میان خواهیم گذاشت.»

در دادنامه صادر شده متهم ردیف اول به عنوان فرمانده دفاعی «تور ام یک» آمده وی به تصور ویژگی‌های هدف شبیه به موشک کروز بوده، برخلاف دستور پست فرماندهی و بدون اخذ مجوز و مغایر با دستورالعمل‌های مربوط اقدام به شلیک دو فروند موشک به سمت هواپیمای اوکراینی کرده است.

بر اساس رای صادره از سوی دادگاه، متهم ردیف اول پرونده، به اتهام مباشرت در قتل شبه‌عمد سرنشینان هواپیمای اوکراینی مستند به مواد قانونی به تحمل سه سال حبس تعزیری محکوم شده است.

این متهم همچنین به دلیل لغو دستور ابلاغی و با توجه به گستردگی آثار و تبعات این اقدام به حداکثر مجازات (۱۰ سال حبس تعزیری) محکوم شده است.

متهمان ردیف دوم تا دهم این پرونده نیز پاسدارانی هستند که هر کدام به یک تا سه سال حبس محکوم شدند.

طبق حکم دادگاه «با توجه به درخواست برخی از شاکیان از دادگاه، دادرسی نظامی مکلف شده است تا تحقیقات در مورد این پرونده را ادامه داده و نسبت به تعقیب مقصر یا مقصرین احتمالی دیگر، اقدام قانونی را معمول انجام دهد.»

خرگزاری‌های حکومتی گزارش دادند «برای هر جانباخته این حادثه مبلغ ۱۵۰ هزار دلار یا معادل یورویی آن نیز به عنوان پرداخت‌های دلجویانه فارغ از رسیدگی‌های قضایی در نظر گرفته شده است.»

شاهین مقدم که همسر و فرزندش از قربانیان آن پرواز هستند در رشته توییتی نوشت در دادگاه‌های جمهوری اسلامی جرم آتش زدن سطل آشغال و بستن خیابان، اعدام است و جرم شلیک به هواپیمای مسافربری و قتل ۱۷۶ نفر ۱۰ سال زندان اما قاتلان اصلی مثل علی خامنه‌ای، حسین سلامی، باقری، جواد ظریف، حسن روحانی، امیرعلی حاجی‌زاده و علی شمخانی آزادند.

● در دادنامه صادر شده متهم ردیف اول به عنوان فرمانده سامانه دفاعی «تور ام یک» آمده وی به تصور اینکه ویژگی‌های هدف شبیه به موشک کروز بوده، برخلاف دستور پست فرماندهی و بدون اخذ مجوز و مغایر با دستورالعمل‌های مربوط اقدام به شلیک دو فروند موشک به سمت هواپیمای اوکراینی کرده است.

● بر اساس رای صادره از سوی دادگاه، متهم ردیف اول پرونده، به اتهام مباشرت در قتل شبه‌عمد سرنشینان هواپیمای اوکراینی مستند به مواد قانونی به تحمل سه سال حبس تعزیری محکوم شده است.

● شاهین مقدم که همسر و فرزندش از قربانیان آن پرواز هستند در رشته توییتی نوشت در دادگاه‌های جمهوری اسلامی جرم آتش زدن سطل آشغال و بستن خیابان، اعدام است و جرم شلیک به هواپیمای مسافربری و قتل ۱۷۶ نفر ۱۰ سال زندان اما قاتلان اصلی مثل علی خامنه‌ای، حسین سلامی، باقری، جواد ظریف، حسن روحانی، امیرعلی حاجی‌زاده و علی شمخانی آزادند.

● جواد سلیمانی که همسرش از مسافران این پرواز بود در توییتی نوشت «دادگاهی که علی خامنه‌ای، فرماندهان ارشد سپاه و اعضای شورای عالی امنیت ملی در آن شب را محاکمه نکند، حکمش مورد قبول خانواده‌های هواپیمای اوکراینی نیست.»

● انجمن خانواده‌های جانباختگان پرواز PSV۵۲ با انتشار بیانیه‌ای حکم دادرسی نظامی را محکوم و اعلام کرد: «ما به هیچ عنوان صلاحیت این دادگاه را نپذیرفتیم و نخواهیم پذیرفت، چه برسد که بر حکم آن تن دهیم.»

● حامد اسماعیلیون از اعضای هیئت مدیره انجمن خانواده‌های جانباختگان که همسر و دخترش مسافر آن هواپیما بودند نیز در واکنش به حکم دادگاه نظامی تهران در صفحه شخصی خود در اینستاگرام نوشت: «دادگاه واقعی پرواز PSV۵۲ روزی با نشست علی خامنه‌ای، حسین سلامی، امیرعلی حاجی‌زاده، علی شمخانی، باقری، جواد ظریف و دیگر شرکای جرم بر نیمکت متهمین برگزار خواهد شد.»

شعبه دوم دادگاه نظامی یک تهران روز یکشنبه ۲۷ فروردین پس از سه سال با برگزاری ۲۰ جلسه دادگاه رأی نهایی پرونده متهمان شلیک به هواپیمای «اوکراین اینترنتشنال» را که ده‌ماه ۱۳۹۸ با موشک‌های سپاه پاسداران سرنگون شد صادر کرد. در واکنش به احکام صادره برای متهمان خانواده قربانیان پرواز آن را «دادگاه نمایشی» خواندند و اعلام کردند قاتلان اصلی هنوز آزادند.

هرچند گفته شد این پرونده ۱۱۷ شاکی ثبت شده داشت اما فقط ۵۵ نفر از شاکیان در جلسات دادگاه صحبت کردند و ۲۰ وکیل به وکالت از شاکیان شکایت و ادله مربوطه را بیان نمودند. با این حال خانواده شماری از قربانیان «پرواز ۷۵۲» از همان ابتدا صلاحیت دادگاه را نپذیرفتند و اعلام کردند «نمایشی» است و جنایتکاران خودشان برای رسیدگی به شکایات دادگاه برگزار کرده‌اند و شمار دیگری از خانواده نیز در طول این سه سال در اعتراض به بی‌عدالتی‌ها شکایتشان را پس گرفتند.

دو کشته و سه زخمی در پی حمله مأموران حکومتی به مردم روستای دانیال مازندران

● سیامک کلاری و میرزا کلاری دو شهروندی هستند که توسط مأموران انتظامی جمهوری اسلامی کشته شدند. سه شهروند دیگر زخمی شدند که حال مصطفی اسماعیلی که از ناحیه لگن زخمی شده وخیم گزارش شده است.

● اداره اوقاف با ارائه یک وقفنامه جعلی قصد مصادره چندین هکتار از زمین و خانه‌های مردم این منطقه را داشت که با اعتراض مردم محلی روبرو شد.

حمله مسلحانه نیروهای جمهوری اسلامی به تجمع اعتراضی مردم در روستای دانیال مازندران بر سر اختلاف در املاک موقوفه «امامزاده دانیال» سبب جان باختن دست‌کم دو شهروند و مجروح شدن سه تن دیگر شد.

مردم روستای دانیال مازندران روز شنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۲ در اعتراض به اقدام اداره اوقاف مازندران برای مصادره زمین‌ها و املاک مردم محلی، تجمع اعتراضی برگزار کردند. مأموران حکومتی اما به مردم حمله‌ور شدند و بر اثر شلیک گلوله نیروهای سرکوب دو شهروند جان باخته و سه تن دیگر مجروح شدند.

بر اساس گزارش‌ها، سیامک کلاری و میرزا کلاری دو شهروندی هستند که توسط جمهوری اسلامی کشته شدند. از سه شهروند دیگر که زخمی شده‌اند حال مصطفی اسماعیلی که از ناحیه لگن صدمه دیده وخیم گزارش شده است.

نیروهای امنیتی مازندران که قصد دزدیدن و گروگان گرفتن پیکر جانبختگان روستای دانیال متل قو را داشتند، با مقاومت شدید مردم روبرو شدند. شهروندان در نهایت توانستند پیکر عزیزانشان را تحویل بگیرند.

بر اساس گزارش منابع محلی، این درگیری صبح روز شنبه و پس از آن رخ داد که اداره اوقاف با ارائه یک وقفنامه جعلی قصد مصادره هزاران هکتار از زمین و خانه‌های مردم این منطقه را داشت. مردم منطقه نیز با تجمع اعتراضی می‌خواستند مانع از فنس‌کشی و تسخیر زمین‌هایشان شوند که مأموران به معترضان حمله‌ور شدند و آنها را به صورت مسلحانه سرکوب کردند.

خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی گزارش داده که ساعت ۹ صبح روز ۲۶ فروردین ۱۴۰۲ «معاونت تولید موقوفه عام دانیال برای مالکیت زمینی در این روستا اقدام به فنس و جامنایی کانکس می‌کند که با واکنش اهالی روبرو می‌شود.»

مردم در اعتراض به تصرف اراضی‌شان و سندسازی جعلی به دست اوقاف به خیابان آمدند و با نیروهای

فاکس‌نیوز: حملات شیمیایی به مدارس دختران بدون چراغ سبز حکومت ممکن نیست!



تجمع ایرانیان در برلین در اعتراض به مسمومیت دختران در ایران / بهمن ۱۴۰۱ / عکس: کیهان لندن

و مسبب آن به اشد مجازات برسند.» علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی هم گفته بود «مسمومیت دانش‌آموزان یک جنایت بزرگ است.»

سردار پاسدار مجید میراحمدی معاون امنیتی وزارت کشور جمهوری اسلامی با انکار واقعیت عنوان کرده بود «بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان عزیز ما بر اثر اضطراب و استرس دچار برخی عوارض می‌شوند که در نتیجه مسئله خیلی بزرگتر از اندازه واقعی آن جلوه می‌کند.»

به گفته این مقام امنیتی «طراحان مسمومیت دختران و طراحان شعار زن زندگی و آزادی و جنگ ترکیبی دو روی یک سکه‌اند؛ هدف اصلی آنها ناامنی روانی خصوصاً برای دختران دانش‌آموز، به تعطیلی کاشاندن مدارس و سپس اتهام‌زنی به نظام است تا بتوانند مجدداً شعله خاموش شده اغتشاشات را روشن کنند.»

ناظران معتقدند حملات شیمیایی به دانش‌آموزان بخشی از پروژه سرکوب معترضان توسط جمهوری اسلامی همزمان با شکنجه و بازداشت و اعدام معترضان است.

ند پرایس سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اخیراً در توییتی نوشت: «این اعدام‌ها یکی از اجزای اصلی تلاش رژیم برای سرکوب اعتراضات است. ما به همکاری با شرکای خود ادامه می‌دهیم تا پاسخگوی سرکوب وحشیانه در ایران باشیم.» اما برخی معتقدند غربی‌ها با وجود شعارهایی که در حمایت از مردم ایران سر داده‌اند اقدام عملی قابل توجهی در پشتیبانی از آنها نکرده‌اند. فاکس‌نیوز در گزارش خود می‌نویسد با وجود اذعان به اینکه رژیم ایران مرتکب سرکوب شدید و «وحشیانه» علیه اعتراضات شده اما دولت بایدن همچنان خود را پایبند به برجام می‌داند. گزارش‌ها حاکی از آن است که بازگشت به این توافق تنها در همان سال اول به تهران امکان دسترسی به ۲۷۵ میلیارد دلار منافع مالی را می‌دهد.

در همین ارتباط، یک دیپلمات وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به پرسش کیهان لندن در مورد اینکه «اکنون مذاکرات با جمهوری اسلامی در چه مرحله‌ای قرار دارد؟» گفته است: «از وقتی که که ایران فرصت بازگشت سریع به اجرای کامل توافق را رد کرد، برجام ماه‌ها در دستور کار ما نبوده و هیچ مذاکره‌ای بین ایالات متحده و ایران وجود ندارد.»

● سعید قاسمی نژاد مشاور ارشد اقتصاد ایران در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) به فاکس‌نیوز گفت: «این حملات به احتمال زیاد برای تنبیه و ترساندن مردم ایران به دلیل اعتراضات گسترده‌ای است که از شهریور ۱۴۰۱ پس از قتل مهسا امینی آغاز شد.»

● وی معتقد است با توجه به ماهیت تمامیت‌خواه رژیم ایران و هزینه سنگین برای افزایش سطح نظارت بر جامعه، تصور اینکه چنین حملاتی بدون چراغ سبز نهادهای امنیتی و اطلاعاتی انجام شده باشد، مضحک است.

بیش از ۳۰۰ مورد مسمومیت در مدارس سراسر ایران رخ داده است و مردم و مخالفان جمهوری اسلامی می‌گویند محال است چنین اتفاقی بدون دخالت حکومت باشد.

سعید قاسمی نژاد مشاور ارشد اقتصاد ایران در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) به فاکس‌نیوز گفت: «این حملات به احتمال زیاد برای تنبیه و ترساندن مردم ایران به دلیل اعتراضات گسترده‌ای است که از شهریور ۱۴۰۱ پس از قتل مهسا امینی آغاز شد.»

برآوردهای «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» مستقر در واشنگتن نشان می‌دهد تا ۱۴ آوریل (۲۵ فروردین) دست‌کم ۳۲۸ مورد حمله شیمیایی به مدارس و خوابگاه‌های دانشجویی در کل ایران اتفاق افتاده است.

قاسمی‌نژاد می‌گوید حکومت در این اقدامات دست دارد و استدلال می‌کند که اگر پشتیبانی حکومت نمی‌بود چنین حملاتی با این گستردگی امکان نمی‌داشت.

قاسمی‌نژاد می‌افزاید: «حملات شیمیایی مداوم، پیچیده و گسترده علیه مدارس که عمدتاً دختران را هدف قرار می‌دهند، اثر انگشت رژیم روی آنهاست.» وی معتقد است با توجه به ماهیت تمامیت‌خواه رژیم ایران و هزینه سنگین برای افزایش سطح نظارت بر جامعه، تصور اینکه چنین حملاتی بدون چراغ سبز نهادهای امنیتی و اطلاعاتی باشد، مضحک است.

ابراهیم رئیسی چند هفته پیش دستور تشکیل کارگروه برای «تحقیق، بررسی و ارزیابی» مسمومیت‌ها را صادر کرد و گفت: «این موضوع یک جنایت بزرگ و غیرقابل اغماض است و اگر کسانی در این ماجرا دست داشته باشند، باید عوامل



ملاقات علی خامنه‌ای با تعدادی از فرماندهان ارشد نیروهای مسلح / ۲۷ فروردین ۱۴۰۲

توصیه علی خامنه‌ای به فرماندهان ارشد نیروهای مسلح: تهدید از بین نمی‌رود؛ مراقب طراحان پشت صحنه حوادث و هوشیار باشید!

جریان‌های قدرتمند درون نیروهای مسلح زیر فشار قرار گرفته است، علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی است. وی و خانواده‌اش با طیفی از اتهامات از فساد مالی گسترده و ارتباط با دولت‌های خارجی روبرو هستند. یکی از مسائل اصلی که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با آن درگیرند، موضوع نفوذ و لو رفتن اطلاعات محرمانه و سری از نهادهای امنیتی و حتا فراتر از آن، از واحدها و ارگان‌های مختلف نظام است.

در همین ارتباط مهدی طائب رئیس قرارگاه امنیتی «عمار» ۲۷ بهمن ۱۴۰۱ در مصاحبه با خبرنگاری اینلا گفته بود «قبول کنیم یک سلسله نفوذی‌ها هستند که به محض اینکه توصیه‌ای از آقا می‌آید و آنها متوجه می‌شوند که این توصیه اگر عمل شود، حرکت انقلاب بهتر و سریع‌تر می‌شود تلاش می‌کنند که این اتفاق رخ ندهد و لذا باید مراقب نفوذی‌ها باشیم».

از سوی دیگر، سردار پاسدار سعید محمد مشاور رئیس «بنیاد مستضعفان» به تازگی در توثیتی نوشت که سازمان جاسوسی آمریکا (CIA) «برای فروپاشی یکی از کشورهای بلوک شرق در جنگ سرد، یک جاسوس را در بالاترین سطح در سیستم انتصابات آن کشور نفوذ داده بود که ماموریت وی بکارگیری افراد ناکارآمد و غیرمتخصص در پست‌های کلیدی بود».

وی با هشتمگ «#تحول_نخبگانی» بدون نام بردن از کسی تأکید کرده «جا دارد نهادهای مسئول جهت جلوگیری از این واقعه در کشور مراقبت ویژه نمایند».

اغلب کسانی که به این توییت سردار محمد واکنش نشان داده‌اند به نوعی حامیان نظام و از طیف‌های مختلف هستند. از جمله کیانوش جهانپور رئیس سابق روابط عمومی وزارت بهداشت جمهوری اسلامی با اشاره به سوابق «تیتو» رئیس جمهوری سابق یوگسلاوی و همکاری وی با کاکب نوشت «با توجه به نوع تعامل تیتو با مسکو، بشنو و به راحتی باور نکن سردار!».

کاربری به اسم «حاج ابراهیم» نیز خطاب به سعید محمد نوشته «نفوذ دیگه به صورت جریانی شده کار از موردی گذشته است.» برخی کاربران نیز خود را به پرسش کشیده و نوشته‌اند که «تحول پخمگانی» را باید از خود سعید محمد شروع کرد.

یکی دیگر از کاربران به اسم «سیمرغ» توییت سردار محمد را در ارتباط با اقبال پهلوی‌ها در ایران تفسیر کرده و می‌گوید منظورش افرادی مثل دکتر محسن بهرامی ارض اقدس عضو شورای رقابت و دبیر کارگروه تنظیم بازار بود که سال ۱۳۹۶ در سفر به مصر با لباس دیپلماتیک در مسجد «الرفاعی» در قاهره کنار مقبره شاه و پرچم شیروخورشید عکس گرفت.

● رهبر جمهوری اسلامی در دیدار با شماری از فرماندهان ارشد نیروهای مسلح خطاب به آنها هشدار داد «تهدید، هیچگاه بطور کامل از بین نمی‌رود بنابراین باید هرچه می‌توانید بر آمادگی‌های مختلف بیفزایید».

● وی از فرماندهان خواسته برای مقابله با «طراحان پشت صحنه حوادث» هوشیار باشند و در هیچ مرحله‌ای از «مکر و طراحی دشمنان» غافل نشوند» و تأکید کرده «عناصر فکری نیروهای مسلح به صورت دائم و مبتکرانه باید راهبردها و سیاست‌های قوی، عقلایی و راهگشا طراحی کنند».

● یکی از مسائل اصلی که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با آن درگیرند، موضوع نفوذ و لو رفتن اطلاعات محرمانه و سری از نهادهای امنیتی و حتا فراتر از آن، از واحدها و ارگان‌های مختلف نظام است.

● مهدی طائب رئیس قرارگاه امنیتی «عمار» در مصاحبه با خبرنگاری اینلا گفته «قبول کنیم یک سلسله نفوذی‌ها هستند که به محض اینکه توصیه‌ای از آقا می‌آید و آنها متوجه می‌شوند که این توصیه اگر عمل شود، حرکت انقلاب بهتر و سریع‌تر می‌شود تلاش می‌کنند که این اتفاق رخ ندهد و لذا باید مراقب نفوذی‌ها باشیم».

رهبر جمهوری اسلامی یکشنبه ۲۷ فروردین‌ماه در دیدار با شماری از فرماندهان ارشد نیروهای مسلح خطاب به آنها هشدار داد «تهدید، هیچگاه بطور کامل از بین نمی‌رود بنابراین باید هرچه می‌توانید بر آمادگی‌های مختلف بیفزایید».

وی با تأکید بر ضرورت «آمادگی» برای مقابله با دشمنان به فرماندهان تأکید کرد هوشیاری «مقابل طراحان پشت صحنه حوادث» ضروری است.

خامنه‌ای در بخشی از سخنانش گفت: «فراموش نکنیم محاسبات دشمن قابل شکست خوردن است و این را جزئی از محاسبات خودمان قرار دهیم. درست است که دستگاه اطلاعاتی و محاسباتی دشمن قوی است و نیروهای مسلح‌شان خوب است و پول زیاد دارند اینها بجای خود محفوظ اما کاملاً امکان‌پذیر است که محاسبات آنها را می‌شود به شکست کشاند اگر کار را رها نکنیم و عقلایی عمل کنیم».

وی در بخش دیگری از این سخنان با اشاره به لزوم «غافل نشدن از دشمن به موازات باور به شکست پذیری او» تأکید کرد «در هیچ مرحله‌ای نباید از مکر و طراحی دشمنان غافل شد... و مراکز و عناصر فکری نیروهای مسلح به صورت دائم و مبتکرانه باید راهبردها و سیاست‌های قوی، عقلایی و راهگشا طراحی کنند».

یکی از نظامیان رده بالای حکومت که اخیراً به شدت از سوی

سرکوبگر درگیر شدند. بعد از تیراندازی و خشونت ناچا، درگیری‌ها به شهر کشیده شده و معترضان ساختمان اوقاف را آتش زدند و با امام جمعه درگیر شدند. خبرنگاری «رکنا» که اخبار حوادث را پوشش می‌دهد گزارش داده که سرهنگ مصطفی بابایی فرمانده انتظامی عباس‌آباد با اعلام این خبر گزارش داده که «در پی ایجاد آتش‌سوزی عمدی در کانکس نگهبانی و منزل هیئت امنای دفتر موقوفه عام «دانیال» در منطقه سلمان‌شهر و مراجعه نماینده حقوقی دفتر موقوفه به پلیس، مراتب در دستور کار ماموران انتظامی این فرماندهی قرار گرفت».

سرهنگ مصطفی بابایی مدعی شده که «با عنایت به وجود اختلافات ملکی در این منطقه از سوی اهالی روستا بر سر موقوفه فوق، ماموران با هماهنگی و دستور قضائی سریعاً به منطقه مورد نظر اعزام شدند».

فرمانده انتظامی شهرستان عباس‌آباد ادعا کرده که «پس از حضور ماموران در منطقه بیش از ۶۰ نفر از افراد اغلب از اهالی روستا که در یکی از املاک مورد اختلاف تجمع کرده بودند با مشاهده ماموران ضمن سنگ‌پرانی و تیراندازی با سلاح غیرمجاز به سمت مأموران حمله‌ور و اقدام به تخریب ۴ دستگاه خودروی پلیس و خودروی نماینده اوقاف کردند».

سرهنگ بابایی افزوده که «مأموران برای کنترل اوضاع ضمن دعوت تجمع‌کنندگان به آرامش به دلیل عدم توجه برخی از متصرفان و اقدامات هنجارشکنانه آنان به ناچار با استفاده از قانون به کارگیری سلاح اقدام به تیراندازی کردند که منجر به مصدومیت ۵ نفر از این افراد شد».

فرمانده انتظامی شهرستان عباس‌آباد با تأیید جان باختن دو نفر از مصدومان گفته که «در پی بروز این حادثه با حضور عوامل اورژانس مصدومان سریعاً به مرکز درمانی منتقل شدند و مابقی افراد محل تجمع را ترک کردند».

خبرگزاری «تسنیم» گزارش داده که پیگیری‌ها نشان می‌دهد متولی موقوفه دانیال روز گذشته در ملک خود با اعضای شورای روستا درگیر می‌شود که منجر به آتش‌سوزی منزل برادر متولی شده و امروز نیز در دفتر متولی درگیری رخ می‌دهد که در نهایت این درگیری و حمله برخی افراد به مأموران پلیس منجر به بروز حادثه و کشته شدن دو نفر در جریان این زد و خورد شده است.

سردار مرتضی میرزایی فرمانده انتظامی استان مازندران در گفتگو با خبرنگار تسنیم گفته که «وقوع این حادثه در پی اختلاف ملکی در شهرستان عباس‌آباد رخ داد و در درگیری پیش آمده پلیس بر اساس وظیفه ذاتی اقدام به حضور در این محل برای متفرق کردن طرفین درگیری بوده که اقدام برخی افراد منجر به آتش زدن کانکس نگهبانی موقوفه و آسیب به ماشین پلیس شد».

فرمانده انتظامی استان مازندران افزوده «با توجه به نقض قوانین و مقررات و بروز جرم از سوی عده‌ای از افراد که منجر به این حادثه شد، تیم ویژه‌ای از کارشناسان پلیس با اعزام به محل حادثه مأمور بررسی این اتفاق شدند».

خبرگزاری «هرانا» نیز گزارش داده که اعتراض اهالی روستای دانیال به مصادره زمین در این روستا از سوی معاونت تولیت موقوفه عام دانیال بود که در نهایت، با سرکوب خشونت‌بار از سوی مأموران انتظامی مواجه شد.

کمپین دفاع از حقوق زندان سیاسی نیز با انتشار توثیتی گفته است درگیری در روستای دانیال «سلمان‌شهر» (متل قو) بین مردم و اداره اوقاف پس از آن صورت گرفت که این نهاد حکومتی با درست کردن یک «وقف‌نامه جعلی قصد مصادره هزار هکتار زمین مردم روستا» را داشته است.

الهه توکلیان: من شاهد زنده جنایت‌های این رژیم هستم



الهه توکلیان در بیمارستان

درد تمام وجودم را گرفته بود. پسر ده ساله‌ام فریاد می‌زد مادرم را کشتند، و خواهر دوقلویش هم جیغ می‌زد و گریه می‌کرد. دور و برم را مردم گرفته بودند و می‌خواستند مرا به بیمارستان برسانند، ولی ماشین‌ها تا وضعیت من و خونی را که از سر و صورتم می‌چکید می‌دیدند درهایشان را قفل می‌کردند و با سرعت دور می‌شدند تا اینکه بالاخره زوجی بسیار مهربان من، دو فرزندم و خواهرم را سوار کردند و ما را به بیمارستان رساندند.»

وی سپس می‌افزاید: «در بیمارستان هم پرستاران بلافاصله به کمک من شتافتند، صورتم را از خون پاک کردند و چشمم را موقتاً پانسمان کردند، ولی دکتری که آنجا بود گفت تیرخورده‌ها به من ربطی ندارند و رفت. آن بیمارستان البته نه چشم‌پزشک داشت و نه «آم‌آز آی» و بعد از حدود دو ساعت بلا تکلیفی بالاخره خودمان توانستیم راهی بیمارستانی در مشهد بشویم.» الهه می‌افزاید در آن وضعیت نیز نگران فرزندان خود بود که شاهد تیر خوردن او بودند و احتمالاً آن صحنه دلخراش سال‌ها آنها را همراهی خواهد کرد. در مشهد الهه را در بیمارستان «خاتم‌الانبیا» دو بار عمل کردند و امیدوار بودند که بدون خارج ساختن تیر بتوانند بینائی را به او باز گردانند. الهه می‌گوید «در ابتدا امیدوار بودم ولی با گذشت زمان امیدم هر روز به باز یافتن بینائی کاهش پیدا می‌کرد. بالاخره دکتری گفت که در ایران امکان معالجه بیش از آنچه انجام داده بودند نیست و برای ادامه معالجات باید به خارج بروم. از اینجا بود که به فکر خروج از کشور افتادم.»

البته قبل از خروج از کشور و بعد از دست دادن یک چشم، زندگی را بر الهه سخت کردند: «بلافاصله پس از آنکه اولین پست را در مورد آنچه برآیم اتفاق افتاده بود در اینستاگرام گذاشتم، با من تماس گرفتند و خواستند که جریان را رسانه‌ای نکنم و آن پست را حذف کنم، که البته این کار را نکردم. پس از آن هر بار چیزی در این مورد منتشر می‌کردم با زبان تهدید با من تماس می‌گرفتند و بالاخره احضاریه اول را برآیم فرستادند و به عنوان یکی از لیدرهای اغتشاشات، متهم به تخریب اموال عمومی و تشکیل گروهکی با بیش از ۵ نفر برای اقدام علیه امنیت ملی و کلی داستان دیگر کردند. بعد احضاریه‌های بعدی رسیدند ولی من تنها یکبار به دادگاه رفتم و آنهم برای ثبت شکایت خودم بود که خواهان دریافت پاسخ برای تیراندازی بودم. در

مجریان این برنامه تلویزیونی در همکاری با میکله مورلی مترجم ایتالیائی که برخی از رمان‌های نویسندگان ایرانی را به زبان ایتالیائی برگردانده، توانستند مقدمات سفر الهه توکلیان را آماده سازند و او را که پس از خروج از ایران به ترکیه رفته بود به شهر میلان برده و در بیمارستان سن رافائل San Raffaele معروف‌ترین کلینیک این شهر، برای ادامه معالجات بستری کنند. در این روزها الهه در شهر رم بسر می‌برد. جراحی چشم او در میلان با موفقیت به پایان رسیده؛ گلوله را چشم‌پزشکان ایتالیائی توانستند از سر او خارج کرده و وی در انتظار پروتز نهائی است. الهه توکلیان در گفتگوی تلفنی در مورد ۲۹ شهریوری که زندگی او را کاملاً زیر و رو کرد به کیهان لندن می‌گوید: «دو روز بود که از زیارت کربلا به مشهد برگشته بودم که برای دادن سوغاتی‌ها و ملاقات با خانواده به اسفراین رفتم. با دختر و پسر دوقلویم و خواهرم رفتیم مرکز شهر تا برای فرزندانم وسایل مدرسه بخرم. اصلاً فکر نمی‌کردم که در اسفراین هم تظاهراتی باشد، اگرچه برای آنروز فراخوان سراسری داده بودند و کم و بیش در تمام شهرها مردم برای اعتراض قرار بود به خیابان بیایند. من که قبل از مشهد، شهری که در آن کار می‌کردم و ساکن بودم، در تظاهراتی شرکت کرده بودم، وقتی دیدیم در میدان اصلی اسفراین، میدان «امام خمینی»، مردم تجمع کرده‌اند، ما هم رفتیم. هنوز ده دقیقه‌ای از آغاز تجمع و دادن شعار گذشته بود که تیراندازی به سمت مردم را با شات‌گان آغاز کردند. می‌دیدم چند نفر که تیر به پا و کتفشان خورده بود به زمین افتادند که ناگهان درد و سوزشی را در سراسر بدن و سرم احساس کردم و افتادم. غرق در خون بودم و در ابتدا فکر می‌کردم که سرم در پیامد افتادن شکسته و اگر چیزی را نمی‌بینم به خاطر حالت نیمه‌بیهوشی است. تنها چند دقیقه بعد متوجه شدم که تیر به یکی از چشم‌هایم اصابت کرده است.»

الهه در ادامه می‌گوید «کسی که با شات‌گان تیراندازی می‌کرد از مامورین نیروی انتظامی بود و چون کشتی‌گیر بوده، بسیاری او را می‌شناختند؛ نامش امین قلی‌زاده است.» البته این فرد انکار می‌کند که ۲۹ شهریور در خیابان حضور داشته و شلیک کرده، اگرچه تأیید می‌کند که در روزهای بعد با شات‌گان مردم بی‌سلاح را نشانه گرفته است.» الهه در ادامه در مورد آن لحظه می‌افزاید «لحظات وحشتناکی بود.

● الهه توکلیان که برای معالجه به دعوت و با کمک یک برنامه تلویزیونی به ایتالیا سفر کرده در روزهای گذشته در شهرداری رم جایزه بخش «زنان در جهان برای حقوق بشر» را که از سوی «بنیاد میتزا» اهدا می‌شود دریافت کرد. ● «لحظات وحشتناکی بود. درد تمام وجودم را گرفته بود. پسر ده ساله‌ام فریاد می‌زد مادرم را کشتند، و خواهر دوقلویش هم جیغ می‌زد و گریه می‌کرد. دور و برم را مردم گرفته بودند و می‌خواستند مرا به بیمارستان برسانند، ولی ماشین‌ها تا وضعیت من و خونی را که از سر و صورتم می‌چکید می‌دیدند درهایشان را قفل می‌کردند و با سرعت دور می‌شدند تا اینکه بالاخره زوجی بسیار مهربان من، دو فرزندم و خواهرم را سوار کردند و ما را به بیمارستان رساندند.»

● «در بیمارستان هم پرستاران بلافاصله به کمک من شتافتند، صورتم را از خون پاک کردند و چشمم را موقتاً پانسمان کردند، ولی دکتری که آنجا بود گفت تیرخورده‌ها به من ربطی ندارند و رفت!»

● امروز این زن جوان و مادر دو کودک ده ساله که پنج سال پیش از همسرش جدا شده و حق سرپرستی آنها را نیز ندارد، از درد خود اسلحه‌ای برای مبارزه علیه کسانی ساخته است که زندگی او را بهم ریختند: «من شاهد زنده و رسواکننده جنایت‌های این رژیم هستم. گلوله‌ای که از سر من در ایتالیا خارج کردند مدرک این جنایت است.»

احمد رأفت - الهه توکلیان که ۳۶ سال سن دارد، یکی از ده‌ها شهروندی است که در جریان اعتراضاتی که از ۱۶ سپتامبر سال گذشته میلادی با قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی آغاز شد، بینائی یک چشم خود را در پیامد تیراندازی مستقیم مامورین انتظامی از دست داده است. الهه که برای معالجه به دعوت و با کمک یک برنامه تلویزیونی به ایتالیا سفر کرده در روزهای گذشته در شهرداری رم جایزه بخش «زنان در جهان برای حقوق بشر» را که از سوی «بنیاد میتزا» اهدا می‌شود دریافت کرد. «میتزا» را در رم باستان به عنوان نماد «هنر و حکمت» پرستش می‌کردند.

الهه توکلیان با حمایت و به دعوت Le Iene یکی از برنامه‌های پربیننده شبکه تلویزیونی «ایتالیا ۱»، متعلق به سیلویو برلوسکونی، نخست‌وزیر سابق و یکی از ترومندترین مردان ایتالیا برای معالجه به این کشور آمد. روبرتا رئا یکی از

دیدار مقام پارلمانی بریتانیا با وحید بهشتی که به خاطر قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی دست به اعتصاب غذا زده است



برخی نمایندگان در کنار وحید بهشتی / ۱۹ آوریل ۲۰۲۳

آمریکا در امور ایران جنجال برانگیز شده بود تا حدی که مالی ناچار شد در سخنانی خود برای موسسه کارنگی، چندین بار عذرخواهی کند.

این دیپلمات ارشد آمریکایی در توییتی که انتقادهای شدید و گسترده ایرانیان مخالف حکومت جمهوری اسلامی را برانگیخته بود، درباره خیزش انقلابی مردم ایران علیه کل نظام جمهوری اسلامی ادعا کرده بود: «معتراضان صرفاً برای مجبور کردن دولت‌شان به رعایت کرامت و حقوق بشر خود تظاهرات می‌کنند.»

در همین ارتباط یک دیپلمات وزارت خارجه آمریکا هفته گذشته در پاسخ به پرسش کیهان لندن در مورد اینکه «اکنون مذاکرات با جمهوری اسلامی در چه مرحله‌ای قرار دارد؟» گفت: «از وقتی که که ایران فرصت بازگشت سریع به اجرای کامل توافق را رد کرد، برجام ماه‌ها در دستور کار ما نبوده و هیچ مذاکره‌ای بین ایالات متحده و ایران وجود ندارد.» وی با تأکید بر عدم مذاکره ام‌ئی با جمهوری اسلامی افزوده بود: «ما ابزاری برای ارائه پیام‌های مشخص و محکم به ایران در صورتی که به نفع آمریکا باشد در اختیار داریم.»

بنا بر گزارش «تلگراف»، به دلیل این فشارها، میان وزارتخانه‌های کشور و امنیت بریتانیا که موافق قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی هستند از یکسو و وزارت خارجه این کشور از سوی دیگر، اختلافاتی ایجاد شده است.

وحید بهشتی روزنامه نگار و فعال حقوق بشر همچنین خواستار تروریستی شناختن سپاه پاسداران از سوی کشورهای اروپایی است. وی گفته که به تحصن و اعتصاب غذای خود تا زمان گنجانده شدن نام سپاه پاسداران در فهرست تروریستی بریتانیا ادامه خواهد داد. در همین ارتباط قرار است روز ۲۹ آوریل در لندن تظاهراتی در حمایت از وحید بهشتی و این خواسته‌ی وی برگزار شود.

● ۱۲۵ نماینده فراحزبی بریتانیا خواستار تروریست شناخته شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شده‌اند.

وحید بهشتی فعال سیاسی و روزنامه‌نگار ۴۴ ساله ایرانی-بریتانیایی که ۵۷ روز است در لندن مقابل پارلمان بریتانیا و وزارت خارجه این کشور برای گنجاندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست تروریستی دست به اعتصاب غذا زده، با انتشار توییتی از دیدار آلیشیا کرنز، رئیس کمیته روابط خارجی پارلمان بریتانیا با خود خبر داد.

بهشتی چهارشنبه، ۳۰ فروردین، در این توییت ضمن سپاسگزاری از خانم کرنز بابت طرح مجدد پرونده او در مجلس عوام، نوشت: «به آلیشیا گفتم اعتصاب غذای من تا رسیدن به این هدف بزرگ ادامه خواهد داشت.»

گفتنی است که ۱۲۵ نماینده فراحزبی بریتانیا در نامه‌ای به ریشی سوناک، نخست‌وزیر این کشور، خواستار تحریم سپاه پاسداران جمهوری اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی شدند. همچنین گروهی از امضاکنندگان این نامه از جمله رئیس این گروه در ملاقات با بهشتی از اعتراض او حمایت کردند.

چندی پیش، روزنامه بریتانیایی «تلگراف» ادعا کرده بود که دیپلمات‌های جو بایدن رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا بر دولت بریتانیا فشار می‌آورند تا برخلاف حمایت وزارت کشور بریتانیا از قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی آن کشور، این کار صورت نگیرد.

به گفته منابع آگاه، وزارت خارجه ایالات متحده استدلال کرده است که بریتانیا می‌تواند نقشی کلیدی به عنوان مذاکره‌کننده با تهران ایفا کند که با تروریستی اعلام کردن سپاه، این نقش تضعیف خواهد شد.

«تلگراف» نام دیپلمات‌های دولت جو بایدن را منتشر نکرده است. اما در گذشته مواضع رابرت مالی نماینده ویژه

شکایت نوشتم در حالی که نه اسلحه و حتی یک سنگ هم در دست من و دیگر معترضین نبود و تنها شعار می‌دادیم چرا به روی ما تیراندازی کردند؟»
این اذیت‌ها و فشارها تا زمانی که الهه توکلیان از کشور خارج شد ادامه یافت. وی در ادامه از وضعیت روانی خود در آن روزها در ایران و قبل از خروج می‌گوید: «تمام مدت به نوعی در سوگواری برای از دست دادن چشمم بودم. یک ماه اول را در خانه خواهرم در اتاقی کاملاً تاریک گذراندم. از روشنایی وحشت داشتم. گاهی به خودم می‌گفتم به خاطر التهاب و اضطراب می‌بینم و حالم که بهتر شود دوباره بینایی از دست رفته باز خواهد گشت. وقتی برای شانه زدن موهایم جلوی آینه می‌ایستادم وحشتناک بود. با واقعیتی مواجه می‌شدم که حاضر به پذیرفتن آن نبودم.»

الهه که در شرکتی در مشهد مشغول به کار بود پس از مدتی اخراج شد: «مدیرعامل شرکت که به نوعی با سپاه در ارتباط بود گفت نمی‌تواند کسانی را که فعالیت سیاسی دارند در شرکت داشته باشد. هر جا رفتم برای یافتن کار دیگری همین داستان بود. از دانشگاه هم باز ماندم. من برای مقطع دکترا در مدیریت بازرگانی بین‌المللی پذیرفته شده بودم ولی روزی که مصاحبه ورودی داشتم در اتاق عمل بودم و این فرصت را از دست دادم. زندگی‌ام با از دست دادن یک چشم، اخراج از کار و از دست دادن فرصت ادامه تحصیل کاملاً مختل شد. هر شب کابوس داشتم، و گاهی هنوز هم دارم. کابوس وحشتناکی که در آن به چشم دیگرم تیراندازی می‌کنند. هر صدائی در بیداری نیز بلافاصله خاطره آن لحظات را در من زنده می‌کند.»

امروز این زن جوان و مادر دو کودک ده ساله که پنج سال پیش از همسرش جدا شده و حق سرپرستی آنها را نیز ندارد، از درد خود اسلحه‌ای برای مبارزه علیه کسانی ساخته است که زندگی او را بهم ریختند: «من شاهد زنده و رسواکننده جنایت‌های این رژیم هستم. گلوله‌ای که از سر من در ایتالیا خارج کردند مدرک این جنایت است. مدرکی که دروغ‌های حسین امیرعبداللّه‌یان (وزیر خارجه دولت ابراهیم رئیسی) و حسن کریمی (از فرماندهان سپاه) را افشا می‌کند که مدعی هستند به سمت چشم کسی تیراندازی نشده و کسی هم در این تیراندازی‌ها کشته نشده است. من از وطنم، خانواده‌ام و دو فرزندم گذشتم تا جنایاتی را که این رژیم مرتکب شده و دروغ‌های آنها را افشا کنم. با یک چشم هم می‌توان قدمی به جلو برداشت.»

در خانه این گفتگو الهه به کیهان لندن می‌گوید نه امکان و نه قصد بازگشت به ایران را در شرایط کنونی دارد: «البته آنها چندی پیش بعد از خروج من و رسیدن به ایتالیا برایم قرار منع تعقیب صادر کردند. احتمالاً می‌خواهند برگردم تا دوباره بازداشت‌م کنند و نگذارند به افشاگری‌هایم ادامه دهم، ولی قصد من ماندن در خارج و طرح شکایت علیه این رژیم در مراجع بین‌المللی است. البته قصد دارم در همین ایتالیا نیز به تحصیلات دانشگاهی خودم ادامه بدهم و اگر توانستم در آینده فرزندانم را نیز پهلوی خودم بیاورم.»

در مدتی که الهه در خارج از کشور بسر می‌برد، بسیاری از شهروندان عادی و برخی از چهره‌های شناخته شده هنری، فرهنگی و سیاسی، از جمله شهبانو فرح با او تماس گرفتند و ابراز همدلی و همدردی کردند. البته الهه زمانی که دوران درمانش به پایان برسد و تا زمانی که بتواند پس از فراگیری زبان به دانشگاه برود و کاری برای خود پیدا کند، احتیاج به حمایت مالی نیز دارد. تا کنون علاوه بر شبکه تلویزیونی «ایتالیا ۱»، سازمان غیر دولتی Soleterre هزینه‌های درمان و زندگی او را متقبل شده‌اند، ولی زمانی که معالجات به پایان برسد، این حمایت‌ها قطع خواهند شد.

نیلوفر حامدی، الهه محمدی و شروین حاجی پور در میان چهره‌های تأثیرگذار مجله «تایم»



شروین حاجی پور، الهه محمدی، نیلوفر حامدی

شد. این ترانه اثرگذار به چند زبان مختلف دنیا توسط دیگر هنرمندان اجرا شد و در چند کنسرت موسیقی در حمایت از جنبش انقلابی مردم ایران به اجرا درآمد. شروین حاجی پور ساعاتی پس از انتشار ترانه «برای» توسط مأموران وزارت اطلاعات استان مازندران بازداشت شد. او ۱۲ مهرماه با سپردن وثیقه آزاد گشت اما هنوز دادگاه او برگزار نشده و بطور موقت آزاد است. ترانه «برای» اوایل فوریه امسال (بهمن ۱۴۰۱) برنده شصت و پنجمین مراسم اهدای جوایز آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط که به «گرمی» شهرت دارد شد. این ترانه در بخش «ترانه‌های تأثیرگذار در تغییر اجتماعی» جایزه کسب کرد.

در این مراسم جیل بایدن همسر جو بایدن این جایزه را به آهنگ «برای» شروین حاجی پور اهدا کرد. جیل بایدن با توضیح درباره این اثر اعتراضی، به بازداشت شروین توسط مأموران جمهوری اسلامی نیز اشاره کرد و گفت با وجود بازداشت شروین، این ترانه با موضوع قدرتمند «زن زندگی آزادی» در سراسر جهان بازتاب پیدا کرد و شنیده شد. جیل بایدن با اشاره به اینکه این ترانه «الهام‌بخش» و «نوایی نیرومند و شاعرانه برای آزادی و حقوق زنان» است افزود که یک کمیته ویژه با بررسی بیشتر از ۱۳۰ هزار رای ارسال شده، ترانه «برای» را شایسته‌ی دریافت جایزه تأثیرگذاری در تغییرات اجتماعی دانسته است.

بر اساس اعلام «آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط» از ۱۱۵ هزار درخواست ثبت شده در کارزار اینستاگرامی و تیک‌تاکی «گرمی»، ۸۳ درصد از شرکت‌کنندگان خواهان اعطای جایزه ویژه این رویداد هنری بین‌المللی به ترانه «برای» اثر شروین حاجی پور شدند.

این خواننده و آهنگساز جوان تاکنون ۳۳ ترانه، سه آهنگ موسیقی متن، چهار نماهنگ، ۴۸ آهنگ منتشر نشده و سه آهنگ را به عنوان هنرمند برجسته منتشر کرده است. او پس از تست خوانندگی در عصر جدید در ۲ فروردین ۱۳۹۸ آهنگ «شاید بهشت» که خودش نوشت و اجرا کرد، به عنوان اولین تک‌آهنگ خود بر روی تمامی پلتفرم‌ها منتشر کرد و در بین نسل جوان درون ایران مطرح شد.

دو روزنامه‌نگار هنوز حکمی صادر نشده و مشخص نیست چرا بازداشت آنها بیش از شش ماه به طول انجامیده است. مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه ۱۷ آبان اتهام این دو روزنامه‌نگار را «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام» عنوان کرد و گفت: «در این فاصله و در روند تحقیقات اگر عناوین اتهامی دیگری مطرح شود مورد اعمال نظر و رسیدگی قرار خواهد گرفت.» با گذشت بیش از ۲۰۰ روز از بازداشت این دو روزنامه‌نگار، روز گذشته مصطفی آجرلو همسر نیلوفر حامدی، و سعید پارسایی همسر الهه محمدی، در گزارشی ویدیویی که شبکه شرق تهیه کرده با اشاره به پایان بازجویی‌های همسرانشان در هفته‌های نخست دستگیری، ادامه بازداشت این دو خبرنگار را بی‌دلیل عنوان کردند. آنها همچنین گفته‌اند از نهاد بازداشت‌کننده و اتهام همسرانشان بی‌اطلاع هستند.

بنیاد روزنامه‌نگاری «نیمن» در دانشگاه هاروارد نیز جایزه لیون ۲۰۲۳ برای وجدان و صداقت حرفه‌ای را به این دو روزنامه‌نگار زندانی اهدا کرد.

پیشتر هم انجمن روزنامه‌نگاران کانادایی حامی آزادی بیان، جایزه بین‌المللی مطبوعات در حوزه شجاعت و حقیقت‌گویی در گزارش را به نیلوفر حامدی و الهه محمدی اعطا کرده است.

شروین حاجی پور ترانه‌سر، آهنگساز و خواننده جوان ایرانی از دیگر چهره‌های اثرگذار سال ۲۰۲۳ از سوی مجله «تایم» معرفی شده است.

شروین حاجی پور آهنگ و ترانه اعتراضی «برای» را در اوایل جنبش انقلابی مردم ایران و با الهام از توثیتهای شهروندان ایرانی تنظیم و اجرا کرد. این ترانه به سرعت به یکی از ترانه‌های جنبش انقلاب ملی ایران تبدیل شد و ابعاد میلیونی و جهانی یافت.

ترانه «برای» ششم مهرماه و تقریباً ۱۰ روز پس از آغاز اعتراضات منتشر شد. این ترانه طی دو روز پس از انتشار بیش از ۴۰ میلیون بار دیده و به یکی از اصلی‌ترین ترانه‌های جنبش انقلابی ایران علیه جمهوری اسلامی تبدیل گشت. ترانه «برای» میلیون‌ها بار در شبکه‌های اجتماعی مختلف بازنشر و در تجمعات اعتراضی ایرانیان خارج از کشور پخش

● نیلوفر حامدی و الهه محمدی دو روزنامه‌نگاری هستند که به ترتیب در روزنامه «شرق» و «هم‌میهن» شاغل بودند و گزارش‌هایی جداگانه از جزئیات به کما رفتن، بستری شدن و جان باختن مهسا امینی و مراسم خاکسپاری او در شهر سقز منتشر کرده بودند.

● شروین حاجی پور آهنگ و ترانه اعتراضی «برای» را در اوایل جنبش انقلابی مردم ایران و با الهام از توثیتهای شهروندان ایرانی تنظیم و اجرا کرد. این ترانه به سرعت به یکی از ترانه‌های جنبش انقلاب ملی ایران تبدیل شد و ابعاد میلیونی و جهانی یافت.

نیلوفر حامدی و الهه محمدی دو روزنامه‌نگار زندانی و شروین حاجی پور آهنگساز و خواننده در فهرست «صد چهره تأثیرگذار» مجله «تایم» قرار گرفتند.

مجله «تایم» در فهرست «صد چهره تأثیرگذار سال ۲۰۲۳» افرادی در حوزه‌های مختلف سیاسی، هنری، سرگرمی، علم و کنشگری را معرفی کرده است. نام نیلوفر حامدی، الهه محمدی و شروین حاجی پور سه ایرانی که در جریان جنبش اعتراضی سال گذشته بازداشت شدند نیز در این فهرست به چشم می‌خورد.

مجله تایم از سال ۲۰۰۴ به این طرف هر ساله ۱۰۰ چهره را به عنوان تأثیرگذارترین چهره‌های جهان انتخاب و معرفی می‌کند. نیلوفر حامدی و الهه محمدی دو روزنامه‌نگاری هستند که به ترتیب در روزنامه «شرق» و «هم‌میهن» شاغل بودند و گزارش‌هایی جداگانه از جزئیات به کما رفتن، بستری شدن و جان باختن مهسا امینی و مراسم خاکسپاری او در شهر سقز منتشر کرده بودند.

چند روز پس از آغاز اعتراضات سراسری به قتل حکومتی مهسا امینی و در بامداد ۳۱ شهریور مأموران با حضور در منزل نیلوفر حامدی او را بازداشت کردند، همان روز وسایل الکترونیکی الهه محمدی هم ضبط اما این روزنامه‌نگار یک هفته بعد بازداشت شد.

با وجود آزاد شدن اکثر روزنامه‌نگارانی که در جریان جنبش اعتراضی سال گذشته بازداشت شده بودند، نیلوفر حامدی و الهه محمدی همچنان در زندان هستند. برای این

رشد اقتصادی ایران کمتر از نوار غزه و جیبوتی!

● رشد اقتصادی ایران در سال گذشته میلادی ۴/۸ درصد کمتر از میانگین این شاخص در پنج کشور اول یعنی عربستان، عراق، کویت، مصر و امارات بوده است.

● صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین گزارش خود با بررسی شرایط اقتصاد جهان، برای ایران کاهش نیم‌درصدی رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۳ را پیش‌بینی کرده است.

● در سال‌های گذشته علی‌خامنه‌ای برای هر سال خورشیدی یک نامگذاری با محور «تولید» انجام داده اما روند تولید و رشد اقتصادی همواره در این مدت روندی نزولی داشته است. اتاق بازرگانی ایران در گزارشی با اشاره به روند نزولی رشد اقتصادی کشور گفته رشد اقتصادی نوار غزه و جیبوتی هم از ایران پیشی گرفته است. رشد اقتصادی ایران در سال گذشته میلادی ۴/۸ درصد کمتر از میانگین این شاخص در پنج کشور اول یعنی عربستان، عراق، کویت، مصر و امارات بوده است. اتاق بازرگانی تهران در گزارشی به بررسی شاخص رشد اقتصادی کشورهای منطقه منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) در سال ۲۰۲۲ پرداخت و چشم‌انداز این شاخص را در سال ۲۰۲۳ منتشر کرد. در بین ۱۸ کشور مورد مطالعه این در رتبه یازدهم و پایین‌تر از نوار غزه، الجزایر و جیبوتی قرار گرفت. همچنین محاسبات نشان می‌دهد رشد اقتصادی ایران در سال گذشته میلادی ۴/۸ درصد کمتر از میانگین این شاخص در پنج کشور اول یعنی عربستان، عراق، کویت، مصر و امارات بوده است. در این بین عربستان سعودی با رشد ۸/۷ درصدی بالاترین رشد اقتصادی در منطقه را به خود اختصاص داده است. همچنین عراق و کویت با رشد ۷/۹ درصدی در رده دوم و مصر و امارات متحده عربی با رشد ۶/۴ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. رشد اقتصادی ایران نیز در همین بازه زمانی (سال ۱۴۰۱) حدود ۲/۷ درصد برآورد شده است.

پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد رشد اقتصادی کشور در سال ۱۴۰۲ با افت ۷ واحد درصدی برابر با دو درصد خواهد بود که نشان از استمرار رشد کمتر از متوسط بلندمدت ایران طی سال‌های اخیر دارد. همچنین پیش‌بینی می‌شود جیبوتی با ثبت رشد اقتصادی ۴/۴ درصدی رکورددار این شاخص در بین ۱۸ کشور منطقه منا در سال ۲۰۲۳ شود.

این گزارش در حالی از سقوط رشد اقتصادی ایران و عقب‌ماندگی ایران از برنامه‌های توسعه‌ای مورد ادعای جمهوری اسلامی حکایت دارد که در سال‌های گذشته علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برای هر سال خورشیدی نامگذاری با محور «تولید» انجام داده است اما روند تولید و رشد اقتصادی همواره در این مدت روند نزولی داشته است. از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ نامگذاری سال‌ها از سوی علی‌خامنه‌ای به ترتیب «اقتصاد مقاومتی، تولید - اشتغال»، «حمایت از کالای ایرانی»، «رونق تولید»، «جهش تولید»، «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها»، «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین» و «مهار تورم، رشد تولید» بوده است. فرشید شکرخدايي عضو هیئت مدیره فدراسیون صنعت نفت در باره روند رشد اقتصادی کشور گفته که ریشه بروز ثبت چنین آمار کاهش‌ی در رشد اقتصادی ایران در وهله اول به تداوم و تشدید تحریم‌ها باز می‌گردد. این در حالی



تلاش می‌کنند سرمایه خود را در کشورهای با ثبات‌تر حفظ کنند و همزمان در کنار آن بتوانند در یک کشور خارجی اقامت هم داشته باشند.»

صندوق بین‌المللی پول در جدیدترین گزارش خود با بررسی شرایط اقتصاد جهان، برای ایران کاهش نیم‌درصدی رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۳ را پیش‌بینی کرده است. بر اساس این برآورد رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۳ نزدیک به ۲ درصد رشد خواهد کرد.

اقتصاد ایران در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ پس از خروج آمریکا از برجام به ترتیب با رشد منفی ۱/۸ درصد و ۳/۱ درصد مواجه شد اما آمارهای منابع حکومتی ادعا دارد که در سال‌های بعد با تخلیه اثر تحریم‌ها وارد رونق دوباره شد و در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲ به ترتیب رشد ۳/۳ درصد، ۴/۷ درصد و ۲/۵ درصد را تجربه کرد.

بر اساس گزارش‌های جهانی در دو سال گذشته، اقتصاد ایران برای برون‌رفت از بحران کنونی نیازمند رشد بالای ۸ درصد طی دو دهه آینده است و استمرار اوضاع فعلی و رشد ۲ درصدی، حاصلی جز عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی در ایران ندارد. در قانون توسعه پنج‌ساله نیز رشد اقتصادی ۸ درصدی پیش‌بینی شده اما سال‌هاست اقتصاد ایران از چنین رقمی برای رشد اقتصادی فاصله داشته است.

بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران در تابستان گذشته رشد اقتصادی بخش کشاورزی ایران با کاهش شدیدی نسبت به سال پیش‌تر روبرو شد و به منفی ۳/۷ درصدی رسید. عبدالعزیز شیخی کارشناس اقتصادی درباره منفی شدن رشد اقتصادی بخش کشاورزی در سال گفته که «کاهش رشد بخش کشاورزی از ۳/۵ به منفی ۳/۷ درصد در سال ۱۴۰۰، ناشی از چند عامل است. متأسفانه بخش کشاورزی برخلاف خدمات، نفت و صنعت دچار کم‌شماری بوده و دارای فعالیت‌هایی است که در محاسبات آماری لحاظ نمی‌شود؛ بنابراین نمی‌توان به آمار بخش کشاورزی نسبت به بخش صنعت، خدمات و نفت اعتماد صد درصدی داشت.» به گفته این کارشناس اقتصادی دلیل دیگر رشد منفی بخش کشاورزی ناشی از خشکسالی دارد و علت دیگر، به تفاوت نرخ‌های رسمی مورد حمایت دولت برای عرضه در بازار در جهت اهداف حمایتی از محصولات کشاورزی به صورت غیر رسمی به خارج از کشور منتقل شده که در محاسبات آماری نیز لحاظ نمی‌شوند. همچنین، افزایش شدید قیمت تمام شده تولید محصولات کشاورزی ناشی از ضعف در حمایت‌های دولتی در رشد منفی بخش کشاورزی موثر بوده است.

است که همچنان بسیاری از افراطی‌ها در داخل معتقدند تحریم‌ها اثری بر مردم ندارد.

او گفته که «ایران به واسطه تحریم‌ها مجبور است نفت خود را ۲۰ درصد زیر قیمت نفت روسیه بفروشد و میلیون‌ها دلار هزینه واسطه‌گری برای دور زدن تحریم‌ها دهد. واسطه‌ها برای انجام کارهای نقل و انتقال حداقل پنج تا ۱۰ درصد حق‌الزحمه دریافت می‌کنند.»

در حالیکه تحلیلگران جمهوری اسلامی تنها علت کاهش رشد اقتصادی را تحریم عنوان می‌کنند اما در عمل ساختار اقتصادی طراحی شده توسط جمهوری اسلامی نه تنها زیرساخت‌ها و بنیه اقتصادی کشور را ضعیف کرده بلکه عواملی چون قوانین ناکارآمد، روند دشوار اخذ مجوز و راه‌اندازی کسب و کار، فساد سیستماتیک و ساختاری، تقسیم کارخانه‌های تولیدی و صنعتی میان «خودی»‌های بی‌کفایت و غیرمتخصص و ... سبب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در کشور شده است.

یکی از مهمترین ضربه‌ها به بخش تولید در ایران اجرای طرح «خصوصی‌سازی» به فرمان خامنه‌ای بود که به نام کوچک کردن نقش دولت در اقتصاد کشور، شمار زیادی از واحدهای تجاری، صنعتی، تولیدی و کشاورزی میان افرادی بی‌لیاقت و با ارقامی ناچیز فروخته و اغلب این کارخانه‌ها در مدت کوتاهی تعطیل و یا با کاهش شدید تولید و اخراج بخش زیادی از نیروی کار روبرو شدند.

از سوی دیگر شرایط سیاسی و اقتصادی که جمهوری اسلامی در کشور ایجاد کرده در کنار فساد ساختاری و نظام رانتی، سبب افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در کشور شده است. به همین دلیل نه تنها سال‌هاست ایران از جذب سرمایه‌گذاری خارجی ناکام بوده بلکه حتی سرمایه داخلی نیز در چرخه اقتصاد کشور جذب نمی‌شود. به همین علت روند خروج سرمایه از کشور به مرز هشدار رسیده است. بانک مرکزی زمستان گذشته در جدیدترین گزارش فصلی خود آمار حساب سرمایه را منتشر کرد که بر اساس این گزارش در بهار امسال حساب سرمایه به بیش از منفی ۱۰ میلیارد دلار رسیده است. این آمار تلویحاً به معنای خروج سرمایه از کشور است که اکنون با شدت بیشتری انجام می‌گیرد. قدرت امام وردی استاد اقتصاد روز گذشته درباره خروج سرمایه از ایران به سوی ترکیه برای خرید خانه گفت: «قسمت عمده این اتفاق حتی اگر تبلیغات هم باشد یک نقطه شروع دارد و عامل اصلی آن نااطمینانی در اقتصاد ایران و تورم است. طبیعی است که افراد با توجه به افزایش قیمت ارز و دلار که ارزش دارایی‌هایشان را از بین می‌برد،



تصویر آرشیوی

تداوم حملات شیمیایی به مدارس؛ سازمان عفو بین‌الملل خواستار تحقیقات مستقل شد

اما در عمل هیچ نتیجه و گزارش شفافی درباره آبران و عاملان حملات به مردم ارائه نشده است.

در این میان، شواهدی موجود است که احتمال دست داشتن بخشی از جریان امنیتی حکومت در سازماندهی و اجرای حملات را قوت می‌بخشد. همچنان اما درباره هدف حکومت از سازماندهی این حملات و چگونگی سازماندهی و اجرای آن تردیدهایی وجود دارد که تا کنون در حد حدس و گمان باقی مانده است.

ابوالفضل قدیانی مسموم‌سازی دانش‌آموزان «حمله بیولوژیکی» و سرمنشأ آن را «بیت» خاмене‌ای دانسته است. همچنین عبدالحمید اسماعیل‌زهی، امام جمعه اهل سنت زاهدان، خواستار تعطیلی مدرسه‌ها شد و مسمومیت‌ها را «جنایت» نامید و گفت که عوامل آن از «درون سیستم» جمهوری اسلامی هستند.

اوایل اسفندماه سال گذشته محمدتقی فاضل میبیدی، استاد حوزه علمیه در اظهاراتی گفته بود که «عمدی بودن این ماجرا واقعیت دارد. گفته می‌شود گروهی موسوم به هزاره‌گرا مسئول این مسمومیت‌های سریالی در مدارس هستند. این گروه و تفکر معتقد است که دختران نباید درس بخوانند یا نهایتاً باید تا سوم دبستان درس بخوانند. این جریان یک جریان مذهبی و ضد مدرنیته است.»

در این میان شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز از «عمدی» بودن حملات بیولوژیکی در مدارس خبر داده‌اند. شهیار حیدری عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی این حملات را «سازمان‌یافته» توصیف کرده است.

جلال رشیدی کوچی دیگر نماینده مجلس شورای اسلامی نیز اسفندماه گذشته مسمومیت‌ها در مدارس دخترانه را «اقدامی عمدی» توصیف کرد که باید بطور دقیق تحت پیگرد قرار گیرد. او از تشکیل یک کمیته حقیقت‌یاب در مجلس خبر داده بود، اما تاکنون هیچ گزارشی در این باره منتشر نشده و عاملان این مسمومیت‌ها معرفی نشده‌اند.

نجات بهرامی روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی که حدود دو دهه سابقه تدریس در آموزش و پرورش را دارد هفته گذشته در گفتگو با «کیهان لندن» درباره ماهیت این حملات گفته بود: «یک مسئله که در مورد مسمومیت‌ها خیلی مهم است و می‌بینیم رسانه‌ها زیاد به آن می‌پردازند اینست که مسموم کردن دانش‌آموزان با هدف آسیب رساندن به دانش‌آموزان نیست، یعنی یک نقطه و میدانی انتخاب شده که برای خانواده‌ها و والدین و افکار عمومی حساس است»

تقلیل دهند.

عفو بین‌الملل به بازداشت روزنامه‌نگاران و احضار مسئولان رسانه‌هایی که درباره مسمومیت‌ها اطلاع‌رسانی کرده‌اند، اشاره کرد و ضمن انتقاد از سرکوب خانواده‌های نگران نوشت: «مسمومیت‌های دانش‌آموزان به افزایش اعتراض‌های والدین مضطرب و معلمان منجر شد اما مسئولان این اعتراض‌ها را نیز مانند همیشه، با اقدام‌های سرکوبگرانه پاسخ دادند.»

در این بیانیه تأکید شده که به نظر می‌رسد حملات به مدارس دخترانه یک «کمپین هماهنگ» برای تنبیه دانش‌آموزان دختر باشد که در اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» مشارکت داشتند و با داشتن لباس‌های مدرسه روسری‌های خود را از سر برداشتند. سازمان عفو بین‌الملل همچنین نوشته که مقامات جمهوری اسلامی که ابتدا در پی پنهان‌کاری و انکار موضوع بودند، هنوز هیچ تحقیقات مستقل و مؤثری در این باره انجام نداده‌اند و با هراس‌افزینی در میان خانواده‌ها، معلمان و روزنامه‌نگاران در تلاش است که اعتراض‌ها به این موضوع را خاموش کند.

این نهاد در ادامه از مقامات جمهوری اسلامی خواسته سازوکاری تنظیم کنند که دختران از دسترسی برابر و ایمن به آموزش برخوردار شوند و از آنان محافظت شود. عفو بین‌الملل همچنین از محمد جعفر منتظری دادستان کل کشور خواستار انجام تحقیقاتی مستقل و کارآمد درباره حملات به مدارس و محاکمه عادلانه عوامل آن شده است. حملات شیمیایی به مدارس ایران که از نهم آذرماه ۱۴۰۱ در قم آغاز شد، طی سه ماه پایانی سال گذشته در بیش از ۲۵ استان و ۲۵۰ شهر گسترش یافت، دست‌کم به ۱۳ هزار دانش‌آموز بر اثر این حملات که هنوز علت و عوامل آن اعلام نشده است، آسیب دیدند. دور تازه حملات نیز بلافاصله با پایان تعطیلات نوروزی و در نخستین روز بازگشایی مدارس آغاز شد و شمار آن روزانه افزایش یافت بطوری که تنها در روز سه‌شنبه ۲۲ فروردین‌ماه بیش از ۲۸ مدرسه در سراسر ایران مورد حملات شیمیایی قرار گرفتند. مسموم‌سازی دانش‌آموزان تا آخر فروردین ادامه داشته و روز چهارشنبه ۳۰ فروردین دست‌کم در شهرهای تهران، همدان، دزفول، و ارومیه ادامه داشت.

با وجود تداوم حملات طی دو هفته گذشته همچنان مقامات جمهوری اسلامی به فرافکنی در اینبار مشغول هستند. هر چند خبرهایی درباره بازداشت شماری افراد پیش از تعطیلات نوروزی و در روزهای گذشته منتشر شده

● سازمان عفو بین‌الملل: مقامات جمهوری اسلامی ایران که در شناسایی عوامل و پایان دادن به این حملات شکست خورده‌اند، مسمومیت دانش‌آموزان را تکذیب و ادعا می‌کنند علائم آنها ناشی از «استرس، هیجان و تلقین» است. ● خبرگزاری فارس در گزارشی جهت‌دار و غیرواقعی مدعی شده حدود ۸۰ درصد تمارض و حدود ۲۰ درصد تلقین در میان دانش‌آموزانی که بیمارستان‌ها و مراکز درمانی منتقل شدند وجود داشته است.

● عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی تأکید کرده که مسمومیت دانش‌آموزان «فراتر از شیطنت چند دانش‌آموز» است.

● درباره هدف حکومت از سازماندهی این حملات و چگونگی سازماندهی و اجرای آن تردیدهایی وجود دارد که تا کنون در حد حدس و گمان باقی مانده است.

سازمان عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای نسبت به در خطر قرار گرفتن حق تحصیل و سلامت و زندگی میلیون‌ها دانش‌آموز در ایران در پی حملات شیمیایی به مدارس هشدار داد.

سازمان عفو بین‌الملل روز چهارشنبه ۳۰ فروردین‌ماه ۱۴۰۲ با انتشار بیانیه‌ای نسبت به ادامه مسمومیت‌های سازمان‌یافته در مدارس ایران هشدار داده و خواستار تحقیقات مستقل درباره حملات گازی به مدارس در ایران شد.

در این بیانیه آمده است از آذرماه گذشته تا کنون هزاران دانش‌آموز دختر در ایران مسموم و در بیمارستان‌ها بستری شده‌اند و مقامات جمهوری اسلامی ایران هم که در شناسایی عوامل و پایان دادن به این حملات شکست خورده‌اند، مسمومیت دانش‌آموزان را تکذیب و ادعا می‌کنند علائم آن‌ها ناشی از «استرس، هیجان و تلقین» است. سازمان عفو بین‌الملل با تأکید بر اینکه مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان در طول بیش از چهار ماه گذشته به‌شکلی هماهنگ و سازمان‌دهی شده تاکنون بیش از ۱۰۰ مدرسه در ایران را هدف قرار داده است، از محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور، خواست که تحقیقی کامل، مؤثر و مستقل درباره مسمومیت‌ها را به‌سرعت انجام دهد و عوامل این حملات را در دادگاه‌های عادلانه محاکمه کند.

این سازمان حقوق بشری با استناد به گزارش‌های یک پزشک در ایران اعلام کرد که وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران با صدور بخشنامه‌ای به مراکز درمانی، به آن‌ها دستور داده است که علائم مسمومیت‌های دانش‌آموزان را به «استرس»



عواملی که توافق تهران - ریاض را ناکام خواهند گذاشت

آنچه می‌تواند به ناکامی توافق منجر شود از جمله عوامل منطقه‌ای که ممکن است در فضای کاری توافق حکومت ایران و عربستان نقش منفی داشته باشد، روی کار آمدن دولت بنیامین نتانیاهو در اسرائیل است. زیرا رویای نتانیاهو برای اتحاد منطقه‌ای با رهبری تل آویو با کشورهای عربی علیه تهران با خطر روبرو می‌شود.

نتانیاهو چند روز پیش پس از درگیری‌های داخلی اسرائیل با فلسطینی‌ها در نتیجه هجوم پالیس به مسجد الاقصی کنفرانسی برگزار کرد و در آن گفت که رویای دشمنان اسرائیل همیشه تشکیل جبهه واحد علیه این کشور در خاورمیانه بود. او گفت طی روزهای اخیر با شلیک همزمان موشکی از نوار غزه، لبنان و سوریه به خاک اسرائیل این رویا تقریباً تحقق یافته است. اظهارات نتانیاهو اشاره مستقیم به همسویی بازیگران مرتبط با ایران نیست، بلکه او با این اظهارات برآوردهای اسرائیل از انزوای دیپلماتیک تل آویو را به دلیل سیاست‌های دولت دست راستی او منعکس می‌کند. احتمالاً نتانیاهو برای انسجام وحدت اسرائیل در داخل تنش با شبه‌نظامیان در عراق، سوریه و لبنان را آغاز می‌کند و اگر رژیم ایران با خویشتنداری عمل نکند، منطقه دوباره به تنش‌های امنیتی فرو خواهد رفت.

این تنها عوامل منطقه‌ای نیستند که ممکن است بر توافق جمهوری اسلامی و سعودی‌ها تأثیر منفی بگذارد، بلکه عوامل داخلی خود ایران که مهمترین آنها بحران‌های سیاسی و اقتصادیست نیز بسیار تأثیرگذارند. بعلاوه، مشکلات دیگری مانند تحریم‌های آمریکا علیه رژیم جمهوری اسلامی و شرکت‌هایی که با بانک‌های آمریکایی ارتباط دارند نیز وجود دارد. اینکه آیا نیروهای داخل ایران می‌توانند راه را برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی باز کنند، مشکل دیگریست به ویژه اینکه شبکه‌هایی در داخل ایران وجود دارد که منافع آنها در عدم گشایش اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی است. این گروه از مهمترین چالش‌های داخلی رژیم در روند توافق با عربستان به شمار می‌رود. پرونده هسته‌ای ایران نیز عامل مهم دیگریست که می‌تواند بر روند توافق ریاض - تهران اثرات منفی بگذارد. در صورتی که مذاکرات بر سر توانایی‌های هسته‌ای ایران با قدرت‌های غربی ادامه یابد و تهران به سیاست عدم شفاف‌سازی مربوط به عملیات بازرسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه دهد، احتمالاً نقش منفی بر توافق با ریاض خواهد داشت.

ترس و نگرانی کشورهای منطقه از آغاز یک رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه با پس‌زمینه عدم اعتماد نسبت به برنامه هسته‌ای ایران همراه با عوامل دیگر، ممکن است به ایجاد کانال دیپلماتیک جدیدی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران تحت نظارت پکن، با هدف رفع نگرانی‌های منطقه‌ای در این زمینه منجر شود. اگر پکن بتواند با فشار به تهران مشکل هراس از پرونده اتمی ایران را برطرف کند، آنوقت می‌توان گفت که توافق حکومت ایران و عربستان موفقیت‌هایی برای کاهش تنش در منطقه خواهد داشت.

*منبع: ایندیندنت عربی

*نویسنده: هدی روؤف

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● از یکسو اسرائیل که رویای اتحاد منطقه‌ای تحت رهبری خود را در سر می‌پروراند؛ از سوی دیگر، مذاکرات به بن‌بست رسیده پرونده هسته‌ای؛ و آنسوتر، وضعیت اقتصادی داخل ایران مهم‌ترین موانع اجرا و پایدار بودن این توافق به شمار می‌روند.

● ترس و نگرانی کشورهای منطقه از آغاز یک رقابت تسلیحاتی در خاورمیانه با پس‌زمینه عدم اعتماد نسبت به برنامه هسته‌ای ایران همراه با عوامل دیگر، ممکن است به ایجاد کانال دیپلماتیک جدیدی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران تحت نظارت پکن، با هدف رفع نگرانی‌های منطقه‌ای در این زمینه منجر شود.

هدی روؤف (ایندیندنت عربی) - پس از امضای توافقنامه عربستان و جمهوری اسلامی ایران در ماه گذشته، ریاض و تهران در مسیر اجرای گام‌های عملی آن قرار گرفته و پس از برگزاری نشست، وزرای خارجه دو کشور برای بازگشایی سفارت‌های خود در تلاش هستند. اهمیت این توافق به این دلیل است که روابط این دو کشور بر ثبات منطقه اثرگذار است و در شکل مراودات کشورهای خاورمیانه با یکدیگر بازتاب خواهد یافت. این توافق همچنین می‌تواند بر روابط قدرت‌های بین‌المللی با حوزه‌های نفوذی خود در خاورمیانه برای مراحل آینده تأثیر بگذارد. از این رو، بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی زیادی با روند توافق مرتبط هستند چنانکه عوامل متعددی نیز بر فضای کاری آن تأثیر خواهند داشت.

همزمان با آغاز مقدمات عملی شدن این توافق، آمریکا و جمهوری اسلامی با تشدید عملیات تهاجمی، پایگاه‌های نظامی یکدیگر را در سوریه هدف قرار دادند. به دنبال تشدید تنش‌های نظامی جدید میان رژیم ایران و اسرائیل نیز، نیروی دریایی آمریکا هفته پیش یک زیردریایی مجهز به موشک هدایت شونده را به خاورمیانه اعزام کرد.

نمایش قدرت ایالات متحده در حالی صورت گرفته که پنتاگون پس از حمله ماه گذشته شبه‌نظامیان تحت حمایت حکومت ایران به نیروهای آمریکایی در سوریه، استقرار ناوهای هواپیمابر در منطقه را تهدید کرد و نیروی دریایی ایالات متحده یک زیردریایی هسته‌ای با قابلیت حمل موشک ۱۵۴ تاماهاوک را از طریق کانال سوئز در آب‌های خاورمیانه مستقر کرد. تیم هاوکینز سخنگوی ناوگان پنجم نیروی دریایی ایالات متحده گفت که این ناو هواپیمابر برای کمک به تضمین امنیت و ثبات دریایی منطقه به خاورمیانه اعزام می‌شود.

استقرار این ناو هواپیمابر ممکن است با پیش‌بینی حمله احتمالی دریایی ایران به کشتی‌های تجاری مرتبط با اسرائیل در تلافی حملات هوایی اسرائیل در سوریه در ماه گذشته که به کشته شدن دو پاسدار انقلاب اسلامی منجر شد، صورت گرفته باشد. قدرت‌نمایی آمریکا از دو جنبه قابل درک است؛ یکی مربوط به تنش‌های واشنگتن و تهران و هدف قرار دادن یکدیگر در سوریه است. دوم نمایش ادامه حضور ایالات متحده در خاورمیانه و اینکه واشنگتن هنوز در حفظ امنیت منطقه حتی اگر کشورهای دیگری مانند چین وارد حوزه نفوذ او شده باشند، نقشی مهمی ایفا می‌کند.

و از طرفی انعکاس این مسمومیت‌ها خیلی سریع در تمام کشور پخش می‌شود؛ مثلاً شما یک تروریستی را در نظر بگیرید که می‌رود نقطه حساس و پرجمعیت شهر و بازاری را که رفت و آمد زیادی دارد هدف قرار می‌دهد؛ این تروریست هدفش ضربه به بازاریان نیست بلکه تلفات بیشتر بوده است. نظرم این است که شواهد و قرائن در این چند ماه، چه در سال گذشته و چه در روزهای پس از نوروز که از بازگشایی مدارس گذشته، نشان می‌دهد قضیه بسیار سازماندهی شده‌تر از آنست که فکر می‌شد. یعنی نمی‌شود یک سیستم امنیتی و اداری پشت این حملات نباشد و صرفاً یک جمع افراطی خودشان تصمیم گرفته باشند این حملات را انجام دهند.»

نجات بهرامی در ادامه توضیح می‌دهد که «این سازماندهی یا از قبل بستریابی فراهم بوده، مثل حوزه‌های علمیه و پایگاه‌های بسیج، که در همه شهرها وجود دارد و یا اینکه واقعاً بخشی از دستگاه امنیتی بستری برای سازماندهی این حملات در همان ماه‌هایی که اعتراضات سال گذشته از اواخر شهریورماه در جریان بود، فراهم کرده است.»

او با بیان اینکه شماری از افراد بازداشت‌شده در شهرهای مختلف وابسته به پایگاه‌های بسیج و حسینیه‌ها و حوزه‌های علمیه بوده‌اند گفته که «در بازجویی گویا مشخص شده که این افراد در شهرهای مختلف با یکدیگر هماهنگ بوده و همه گفته‌اند که «حضرت آقا در فلان سخنرانی گفته که بچه‌های دانش‌آموز [در اعتراضات ماه‌های گذشته] شیطنت کرده‌اند و با یک تنبیه کوچک درست می‌شوند. ما هم مقلد آقا هستیم و هرچه آقا بگوید ما آتش به اختیار هستیم و انجام می‌دهیم». ضمن اینکه هر کسی بازداشت شده، از سوی حسینیه‌ها، حوزه‌های علمیه و مساجد و ریش سفیدهای محل تماس‌هایی شروع شده و با اعمال نفوذ در نیروی انتظامی، این افراد آزاد شده‌اند!» اینهمه در حالیست که خبرگزاری فارس سه‌شنبه ۲۹ فروردین با ادعای نتیجه «تحقیقات گسترده نهادهای ذیربط» درباره مسموم‌سازی دانش‌آموزان، نوشت بر اساس این تحقیقات «بیش از ۹۰ درصد حوادث مدارس منشاء داخلی داشته و توسط دانش‌آموزان اتفاق افتاده است و شیطنت‌های دوره نوجوانی همزمان با پوشش رسانه‌ای گسترده، این رقابت را بین برخی دانش‌آموزان تسری داده است.»

خبرگزاری نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی شده که بررسی‌ها نشان می‌دهد در مواردی برخی از آموزگاران نیز در اینباره «تخلف» کرده و با وجود این که از ماجرا «با خبر» بوده‌اند، «با دانش‌آموزان برای تعطیل کردن کلاس‌ها همراهی کرده‌اند.»

در این گزارش جهت‌دار و غیرواقعی آمده که حدود ۸۰ درصد تمارض و حدود ۲۰ درصد تلقین در میان دانش‌آموزانی که بیمارستان‌ها و مراکز درمانی منتقل شدند وجود داشته است.

یک روز پس از انتشار گزارش خبرگزاری «فارس» احمدحسین فلاحی عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی تأکید کرد که مسمومیت دانش‌آموزان «فراتر از شیطنت چند دانش‌آموز» است.

احمدحسین فلاحی درباره علت عدم شناسایی و معرفی آمران و عاملان مسموم‌سازی دانش‌آموزان گفته که «یک سری تدابیری برای این موضوع داشت اتخاذ می‌شد تا خیلی شدیدتر کنترل شود اما با استعفاي وزیر یک وقفه‌ای ایجاد شد. باورم بر این است که نهادهای امنیتی باید مقداری کار را جدی‌تر دنبال کنند چراکه به نظر می‌آید با این قضیه خیلی سطحی برخورد می‌کنند و ممکن است عواقب خوبی برای نظام نداشته باشد.»



عکس هفته | بانو یاسمین و شاهزاده رضا پهلوی در موزه یادبود قربانیان هولوکاست
اورشلیم/ اسرائیل / سه شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۲